

تقدیم به :

تمام علاقمندان کتاب و کتاب خوانی و اعضای خوب انجمن پی سی سون

انسان:

انسان دنیائی ازعجایب است. ارسطو

آدمی بصیرت است نه بصورت، انسانیت به کمال است نه به جمال. جان اشتانیک

آنکس که جرأت انجام کارهای شایسته دارد، انسان است. شکسپیر

اگر زندگی انسان هیچگونه جنبه انسانی نداشته باشد ، فردا روز دیگری نیست.

آنچه را که انسانیت به تو فرمان میدهد، انجام بده و واز هیچ کس جز خودت متوقع آفرین مباش. سر ریچاد برتن

اگر انسان خود را از آنچه هست نتواند بمقامی بالاتر برساند موجودی ضعیف و ناچیز است.

اگر انسان هرکاري را به اجبار انجام دهد، یعنی مثلاً خود را مجبور نماید که هر روز ده صفحه بنویسد آن علاقه اصلی و باطنی ازین خواهد رفت، من تصدیق میکنم که نوشتن کارسختی است ، ولی حتماً باید با تفریح توأم باشد. ویلیام فالکر

انسان ترکیب عجیبی است و درعین ناچیزی خود را برتر از همه میشمارد. اشتیل

انسان دراین عالم چون شمع سرگردانی است که هنگام عبور از این راه حتی سایه ای از خود به یادگارینمیگذارد. هوگو

انسانها یگانه حیواناتی هستند که من از آنها سخت وحشت دارم. برنارد شاو

انسان همیشه میتواند بهتر از آنچه هست باشد و اعمال خود را منظم کند، به این فکر خود انضباط بخشد و با امید زمین را بیاراید. اوبری دور

انسان قبل از هرچیز باید حیوان خوبی باشد. هربرت اسپنسر

انسان فرزند محیط و جامعه است که درآن نشو و نما و پرورش یافته است. مویاسان

انسانیکه معنی و هدف زندگی را بداند خود را نه تنها با افراد ملت خویش برابر خواهد دانست ، بلکه با تمام اقوام دیگر نیز مساوی خواهد شمرد. لئون تولستوی

انسانیت بصورت نیست به صفا است.

انسان موجودی است که به همه چیز عادت میکند. داستا یوسکی

ای انسان تو آویخته میان یک لبخند و یک اشکی. بایرون

انسانها بصورت کلی چیزی جز کودکان بزرگ نیستند. ناپلئون

انسان را محصول نمایشگر جهانی نامیده اند، خوب است بخاطر داشته باشیم که آدمی در این وضع نمایشگر، بهترین چیزهای طبیعت و نیز بدترین آنها است.

بشر حیوانی بکاربرنده افزاراست، درهیچ نقطه ای او را بدون افزار نمی توان یافت، با نداشتن افزار در حکم هیچ است و با داشتن آن همه چیز. توماس کارلایل

برتری انسان از سه راه است، از پرهیزکاری که با آن از نگرانی میرهد، از حکمت است که پریشانی را از او دور میکند و از شجاعت است که او را از ترس میرهاند. کنفوسیوس

بشر در این دنیا بیشتر از همه موجودات مصیبت و عذاب کشیده ، بهترین دلیلش هم اینست که در بین تمام آنها فقط اومیتواند بخندد. نیچه

به من بگو برای چه شخصی احترام قائلی، تا بدانم چگونه انسانی هستی ، چه این بمن نشان میدهد که چه تصویری درباره انسانیت داری و خود نشان آن هستی که چگونه انسانی بشوی. کارلایل

تأسف برای گذشته به این میماند که انسان بدنال باد بدود. مثل روس

جهان بزرگ است و آدمیزاده کوچک، اما انسان میتواند چنان بزرگ شود که جهان در برابرش کوچک.

خون تمام افراد بشر یکرنگ است ولی لیاقت آنها فرق میکند. مثل آلمانی

دوست دارم بدانم که انسان در خط سیر خود ازحالت توحش به مدنیت چه گامهایی برداشته است. ولتر

درجهان یگانه مایه نیکبختی انسان صحبت است. افلاطون

دولت و دین و مالکیت و کتابها ، چیزی جز وسیله ای برای ساختن انسان نیست، کره زمین میوه ای بهتر از انسان تمام عیار ندارد. شوپنهاورس

دو چیز تفاوت فاحشی بین انسان و حیوان بوجود میآورد، قدرت بیان و دروغگوئی. آناطول فرانس عرق ریختن ودر کثافات زیستن و احساس نیمه بردگی درکار باید از میان برود، باید با معامله کردن با انسانها همچون انسان احساس انسانیت را ترویج دهیم. لوید جرج

زینت انسان سه چیز است، ۱- علم ۲- محبت ۳- آزادی. افلاطون
کارآموزی و تربیت انسان بصورت عمده باید مصروف ساختن انسان باشد. گاراد ستون
گاه انسان درمقابل بعضی ها ازخوشبختی خود احساس شرم میکند.
مردم چنانچه غیر ازخودشان مدل سرمشق نداشتند به ندرت به پیشرفت نائل
میشدند. اسمیت
معتقدم که سرنوشت انسان را تنها محبت معلوم میکند و بس. شکسپیر
مفیدترین و پیشرفت نکرده ترین شناسائی بنظر من همان شناسائی افراد بشری
است. ماسیون
من وطن را بیشتر از خانواده ام دوست دارم، اما به انسانیت بیشتر از کشورم
علاقمندم. فتلون
مقام نیست که انسان را میسازد، بلکه انسان است که مقام را میسازد، و برده
میتواند مردی آزاد باشد، جبار و خود کامه میتواند برده باشد، ما خود مقام و موقعیت
را، پست یا عالی میسازیم. روسو
وای که چه دشوار است انسان در تنهایی پیر شده و در بی کسی بمیرد. غ - ذ
میخواهم از خودم یک انسان بسازم و اگر در این کار موفق شوم درهرکار دیگر کامیاب
میشوم. گارنیلد
هر انسانی برای خود لحظه های شیطانی دارد. لاواتر
وقتی انسان دوست واقعی دارد که خودش هم یکدوست واقعی باشد. امرسون
هر انسانی یک جلد کتاب است بشرط آنکه بدانی چگونه آنرا بخوانی.
یقین است که اگر همه عالم برای انسان ساخته شده باشد انسان برای چیزی از
عالم ساخته شده است. دیلیس

حقیقت

آنجا که حقیقت نباشد همه چیز پست و زشت و مبتذل است. سقراط
آدمی قوانین فیزیک و شیمی و میکانیک را بخوبی می شناسد ولی خود را نیم
شناسد و از نیازمندیهای حقیقی جسم و جانش آگاه نیست. الکسیس کارل

آنکه همواره بحقیقت توجه ، دارد با همنوع خود بمهربانی رفتار میکند. مهاویرا
از ستایش و عیب جوئی مردمان هیچکدام را نباید محک حقیقت شمرد ولی ازهر دوی
آنها میتوان به عنوان محک برای شخص خود استفاده کرد. واتلی
آنچه هستی باش. نیچه
انسان هیچوقت بیشتر ازآن موقع خو را گول نمیزند که خیال میکند دیگرانرا فریب داده
است. لارشفوکو
آنچه هستید شمارا بهتر معرفی میکند تا آنچه میگوئید. امرسون
اگر بزرگی و عظمت را آرزو میکنی آنرا فراموش کن و دنبال حقیقت برو آنگاه بهر دو
خواهی رسید هم حقیقت و هم عظمت.... سنگا
آیا ممکن است برای من چیزی خارق العاده تر از حقیقت باشد. داستا یوسکی
انسان نباید هیچ امری را بعنوان حقیقت قبول کند مگر آنکه واقعاً در نظر او حقیقت
باشد. دکارت
اول مطمئن باش ذیحق هستی ، بعد جلو برو.
اشتباه میتواند حتی ازیک شکاف بگذرد، ولی حقیقت دریکدروازه گیرمیکند.
مبادا که ترس از مردم شمارا از گفتن حقیقت بازدارد.
باید حقوق شخصی خودرا با ملایمت و ادب طلب کنیم و ضمناً حقوق دیگران رانیز
رعایت نمائیم. نمائیم. کایزل
مشعل نبوغ فروغ نباید مگر آن زمان که نور حقیقت برآن بتابد. کنت دوسکور
باور کردن دروغیکه انسان صد بار شنیده آسان تر است از حقیقتی که انسان حتی
یکدفعه هم آنرا نشنیده است.
وقت گرانبهاست اما حقیقت گرانبها تر از آنست. میرابو
ما حقیقت را باستعانت عقل نمی شناسیم بواسطه قلب با آن آشنائی پیدا میکنیم.
پاسکال
بهترین سیاست صداقت است. سروانتس
بزرگترین خطریکه در فریب دادن دیگران وجود دارد اینستکه سرانجام شخص خود را
فریب خواهد داد.

تمام موجودات خواه باجان و خواه بیجان در جستجوی حقیقت اند.

جز حقیقت چیزی را جستجو نمیکنم درهرجا با حقیقت مصادف شوم پیروی آنرا بر خود امری ضروری میدانم. فردیک کبیر

تنها فضیلتی که من خواهان آنم حقیقت وعدم توسل بزوراست. گاندی

جستجوی حقیقت دیوانگی مطلق است چه موقعیکه به حقیقت رسیدید ممکن نیست بکسی بگوئید و دشمن شما نشود. برنارد دوسن پی بر

چون حق با من است از تهدیدها نمیترسم. سوفوکل

چراغ حقیقت خاموش نشده است وهرکس پف کند باصطلاح ریشش بسوزد. غ - ذ

چون حقیقت را شناختی از آن پیروی کن. حکمت چین هندو

نفس شریف را بحسن قبول حق و نفس خبیث را بسرعت میل به باطل توان تمیز داد. سقراط حکیم

حقگو باشید وباصریحترین لهجه حقیقت را بیان کنید.

حقایق را بگوئید و مردم را آگاه سازید و مطمئن باشید که کشته خواهید شد. ولتر

حقیقت را دوست مدارولی اشتباه را عفو کن.

حقیقت را با بیطرفی مطلق و با روحی آزاد ازهرگونه تعصب جستجو کنید. دکاردت

حقیقت تلخ بهتر از ایکدروغ شیرین است. مثل آفریقائی

حقیقت چون روغن بادام است ، همیشه بخورد دیگران میدهیم بدون اینکه بخواهیم خود قطره ای بخوریم. مثل نروژی

حقیقت و گل سرخ هر دو خاردارند. مثل اسپانیائی

حقیقت سنگین است لذا عده ای معدود حاضرند آنرا تحمل کنند.

خورشید صفت باهمه کس یک رو باش.

خوب یابد، حقیقت از تمام مسموعات و مشهودات ما بهتراست.

در بطن هر اشتباهی حقیقتی نهفته است.

در زندگی ثروت حقیقی مهربانی است و بینوائی حقیقی خود خواهی. ونید

دقت درحقیقت امر بخودی خود تحمل ناپذیری ملالت باراست. برتراندراسل
درمیان مردمیکه حتی یک آدم بیدار وجود داشته باشد حقیقت هرگز نمی میرد.
زورحق را پایمال میکند. مثل ایرانی
دعوی مکن چیزی را که نه ازتست وانکار مکن حق را که برتو هست.
سرم را بشکن ولی حقیقت را بگو. مثل یونانی
شخص آزاد آنکس است که حقیقت او را آزاد کرده باشد از او که بگذریم همه بنده و
اسیرند. کاویر
ضرب المثلی نیست که درآن یک جو حقیقت وجود نداشته باشد. مثل اسکاتلندی
عجیب است ولی حقیقت دارد، حقیقت همیشه عجیب تر از تخیل است. لرد بایرون
فحش دلیل آن کسان نیست که حق ندارند. روسو
فلسفه دوست داشتن حقیقت است نه محبتی که برای یک نوع علم با یک مسلک
احساس شود. بایگون
کسانیکه حقیقت را درک کرده اند با افرادی که حقیقت را دوست میدارند برابر نیستند.
کنفوسیوس
کسیکه فقط حقیقت را بگوید، یک اسب تندروهم لازم دارد. مثل ایرانی
کسیکه بکار خیر مألوف است تابع امر کسی نمیشود و عدالت و حقانیت را پیشوای
خود قرار میدهد. پاسکال
همیشه حق باکسی نیست که بهتر سخن میگوید. مثل افریقائی
هر گاه در گوشه ای از زمین خونی بناحق ریخته شود همه مردم جهان دستشان بدان
آلوده است. داستایوسکی

حیات

با گریه دنیا میآیی اما چنان زندگی کن که با خنده از دنیا بروی.
آن چیزیکه بیش از همه دنیا روشنی بخشیده است رنگ سیاه است «مرکب چاپ» .
درصحنه زمین هیچ قلبی نیست که راضی باشد. مثل ایتالیائی

از پنجاه درصد خاک قابل کشت سطح زمین تنها درصدی از آن مورد استفاده قرار گرفته است. خوزه اوکاترو

حیات عبارتست از اوج دائمی آمل و مرگ سکوت آن امواج و اتفاقات است. کاظم زاده ایرانشهر

بضرورت آمدم در این جهان و به حیرت زیستم و به کراهت میروم. افلاطون

حیات عبارت از جنبش و فعالیت است. محمد تقی بهار

چهارنوع انسان در دنیا زندگی میکنند عشاق جاه طلبان خیال پردازان و دیوانگان.

حیات چه شیرین و دلکش است. سرنگ

حیات بستگی بمقدرات و تصادفات دارد که انسان متصل با آن روبروست و خودش هم خبرنگار.

خوشبختی - بدبختی

آلام و ناراحتی ها فکر انسان را قوی مینماید. ناپلئون

آدم بدبخت همه لوازم خوشبخت بودن را در اختیار دارد بجز اراده و خوشبختی.

آدم عاقل برای هر پیش آمد ناگواری مهیاست. محمد حجازی

آنچه جهان بما میدهد و آنچه خوشبختی نام دارد بازیچه تقدیر بیش نیست فقط آنچه درماست ازماست. لاوات

آنکه نیک بختی خود را بدست دیگری میداند بسی ناکامی خواهد کشید. حجازی

از سعادت واقعی، سعادت میزاید این دور تسلسل تا ابدیت باقی است.

اشکهای دیگرانرا نبدل به نگاههای پرازشادی نمودن بهترین خوشبختی هاست. بودا
اعتقاد به بخت و قسمت بدترین نوع بردگی است. اپیکتت

اغلب مردم نیمی از عمر را صرف بدبخت نمودن نیم دیگر مینمایند. شان فور

انسان خوشبخت نمی شود اگر برای خوشبختی دیگران نکوشد. دوسن پیر

ایکه دربند آسایش و خوشبختی هستی چرا آسایش را از دیگران دریغ میداری. سعید نفیسی

انسان خود را نمی شناسد مگر هنگام فقر و بدبختی. آلفرد دوموسه
ای مردم چرا سعادت را درخارج میجوئید؟ سعادت در درون شماست.
این خوشبختی ماست که هیچ چیز کامل درجهان وجود ندارد. مثل سوئدی
با مشلات میجنگیم که باسایش برسیم وقتی به آسایش رسیدیم آسایش را غیرقابل
تحمل می یابیم. بروکس آرامز
با آب ساه و نان خشک و بازو زیرسر، همچنان میوشد خوشبخت بود. کنفوسیوس
بدبختی ها را فراموش کنید تا خوشبخت شودی و اگر خوشبختی ها را از یاد ببرید آدم
بیچاره و بدبختی خواهید بود. مترلینگ
بدبختی مربی استعداد است. هوگو
هیچ بدبختی بزرگتر از ناراضی بودن نیست. لائوتسه
بزرگترین بدبختی آنست که طاقت کشیدن بار بدبختی را نداشته باشیم. باس
بعقب نگاه نکنید ممکن است خوشبختی را که رو بسوی شما دارد از دست بدهید.
بنا کردن عمارت خوشبختی انسانی بسیار دشوار و خراب کردن آن سخت آسان
است.
بیشتر بدبختی های ما قابل تحمل تر از تفسیرهایی است که دوستانمان درباره آنها
میکنند. کولتون
بدبختی آن نیست که میتوان از آن برحذر بود بلکه آن است که گریزی از آن نیست.
مثل چینی
تا زمانیکه ننگ و جنایت دوام دارد، هیچ ندیدن و نشنیدن برای من منتهای خوشبختی
است. میکلائز
بدبختی همیشه ا زدردی وارد میشود که برای اوباز گذاشته اند. مثل چکسلواکی
تو از بدبختی خود ناله میکنی اگر ملاحظه کنی که دیگران چقدر رنج میکشند آهسته
ترناله خواهی کرد. شیلون
چیزیکه موجب غصه دیگران نمیشود چرا باعث غصه ما باشد. حجازی
خوشبختی تویی است که وقتی می غلطد بدنبالش میرویم و وقتی توقف میکند بآن
لگد میزنیم. شاتوبریان

خوشبختي جستن خوشبختي است نه يافتن آن.

خوشبختي كالائي است كه طبيعت آنرا به قيمت بسيار گراني بما مي فروشد. ولتر

خوشبختي وجود ندارد وما خوشبخت نيستيم اما ميتوانيم اين حق را بخود بدهيم

خوشبخت كسي است كه دم را غنيمت ميشمارد و بخود ميگويد من امروز خوشم تا فردا چه پيش آيد. ورايدن

درمنتهاي فلاكت و بدبختي باندي چيزي ميتوان دلخوش و بي نياز شد. ژان ژاک روسو

درميان امواج درچاده هاي پر فرازو نشيب و در درياها بدنبال خوشبختي ميديم درحاليكه خوشبختي در اينجاست. هوراس

در دنيا، هيچ چيز باندازه بدبختي كامل نيست. بالزاک

دل دانا درايم خوشبختي مانند گل نيلوفر نرم است و درهنگام بدبختي مانند صخره كوه قرص و محكم.

دوري از مردم شرير دريچه سعادت و نيك بختي است. بتهوون

ذخايري كه انسان در وجود خود همراه دارد اساس و شالوده خوشي و نيكبختي است. شوپنهاور

سه راه خوشبختي عبارت است از بدني نديدن و بدني نشنيدن و بدني نكردن. مثل چيني

سعادت گلي است كه ميتواند از وزش يك نسيم ضعيف افسرده و پژمرده گردد.

غالباً بساط عيش را مي چينند و به غصه خوري مي نشينند. حجازي

سعادت ويا بدبختي بشر با ثروت ارتباطي ندارد بلکه مربوط و منوط بخلق و خوي اوست. لاروشفوگو

فراموشي سريوش تمام غصه هاست. نظام وفا

طبيعت عصباني و تندوناراضي هميشه از نيمه راه باستقبال غصه و تشويش ميرود. اسمائيلز

كسيكه از چيزكمي خوشبخت نميشود از هيچ چيز خوشبخت نخواهد شد. اپيكور

علت بدبختي و بيچارگي ما داشتن فرصتهاي زياد است كه صرف تفكر درباره خوشبختي و بدبختي ميگردد. شاو

کلید سعادت و خوشبختی ما در اختیار پندار و گفتار و کردارماست. مثل چینی کسیکه در جستجوی خوشبختی از خانه بیرون میرود دنبال سایه میرود. مثل چینی

دوستی

آدمی باید همه را برادر خود بداند. کنفوسیوس

آدم پاکدل با مردم دنیا چنان رفتار میکند که گوئی با همه دوست و آشناست. حجازی

آنکس که در هر جا دوستانی دارد ، همه جا را دوست داشتنی میابد. مثل چینی

از دوست نباید بیش از آن خواست که از نسیم صبح و بوی گل توقع داریم . محمد حجازی

از سلامتی خود مواظبت می کنیم. برای روز مبادا پول ذخیره می کنیم . سقف خانه را تعمیر می کنیم و لباس کافی می پوشیم ولی کیست که در بند آن باشد که بهترین دارائی یعنی دوست را به صورتی عاقلانه برای خود فراهم کند؟ امرسون

اگر هرکس همه کس را دوست میداشت همه کس صاحب دنیا می شد . شیلر

اگر دوست را با دشمن بینی، خاطر گرانمدار چرا که اگر با تو دوست است نگذارد دشمن تواندیشه بدکاید و آزادی رساند و اگر دوست نباشد چنین کسی را بدشمن ارزانی دار .

اگر بدوستی علاقمندی از خواهش و اصرار او را آزار نرسان که از چشم او میافتی.

اگر میخواهی شمارا دوست بدانند اشتباهات خود را پیش از محسنات خود نمایان سازید. بارون لیتون

اگر مردم یکدیگر را دوست میداشتند تمام مسائل انسانیت حل میشد. ل دوپره

انسان بهمان نسبت که میتواند دوست داشته باشد وجود دارد. کریستین

باچه کسانی دوست رفیق میباشی تا بگویم چگونه آدمی هستی. امرسون

بدوست خود دروغ بگو اگر آنرا افشانکرد میتوانی حقیقت را بعداً باو بگوئی.

برادر کسی است که درسخن برادری کند.برادر کسی است که درسخن برادری کند.

برای اینکه دوست پیدا کنی باید خود را لایق و آماده دوستی بار بیاوری. مورا

بهترین دوستان من کسانی هستند که پیشانی و ابروهای آنها باز است. هوگو پای خود را دوست خود گردان. مثل اسکاتلندی

داشتن یک دوست حقیقی ا زهمه چیز گرانبهاتراست و کمتر کسی هم در صد بدست آوردنش میباشد. لارشفوگو

تا انسان دوست نداشته باشد نمی فهمد. لامارتین

در انتخاب دوست شتاب موز و به تعجیل از آنان روی نگردان. سولون

جان را فدای یاران موافق کنید. افلاطون

چهارمین دوست کسی باشد که سه دوست خود را از دست داده است. لاواتر

چشم بمال مردم نداشته باش تا در دوستی تو بکوشند.

دوست بدارید در حیات بشر زیباتر از این چیزی نیست. ژرژسانه

دوستان حقیقی اگر از دیده بروند از دل نخواهند رفت. سیسرون

دوست کسی است که من با او میتوانم صمیمی باشم و جلو او با صدای بلند فکر کنم. امرسون

دوستان در زندان بکار آیند که بر سر سفره همه دشمنان دوست نمایند. سعدی

دوستی چه موهبت گرانبهائی است که هیچ چیز با آن لاف برابری نمیتواند زد. هوراس

دل دوستان آزرده مراد دشمنان برآوردن است. سعدی

زینت منزل دوستانی هستند که بآنجا رفت و آمد دارند. امرسون

دوست بجای چتریست که باید روزهای بارانی همراه شما باشد. پل نرولا

دوستی را بعمری فراچنگ آرند نشاید که بیکدم بیازارند. سعدی

دوست بدارید تا شما را دوست بدانند. سنت اگوستن

دوست من کسی است که من میتوانم او را با اندیشه های برگزیده خویشتن شریک سازم. تورو

دوست دزد زمان است. مثل اسپانیائی

دوستی های ما نیز مانند خانه های ما لباسهای ما ماشین های ما گاهی احتیاج به تعمیر دارند. دکترجانسن

دوستان را درخلوت توبیخ کنید ودرملاء عام تحسین. لاتین

دوست مثل درشکه در روز بارانی کمیاب است. ولتر

دوستی مثل اسناد کهنه است قدمت تاریخ آنرا قیمتی میکند. گوته

دوستان را همیشه ثناگویی که دوستی از ثنا خیزد و چنانکه عداوت از قدح وهجا. سقراط

دوست همه کس دوست هیچکس نیست. یوردالو

دوستی ازدواج دو روح است ودرآن طلاق و جدائی جایز نیست. ولتر

دوستان واقعی در خدمتگزاری و فداکاری رقیب و حریفند، و هیچ پاداشی نمیخواهند. سیسرون

دوست را دوست بدار ولی مراقب خودباش. مثل اسکاتلندی

دوستانت باید مثل کتابهایی که میخوانی کم باشند و برگزیده. مثل انگلیسی

دوست آنست که درمصیبت ازکنار ما نرود.

دوستی براساس تقوی پایدار است و همینکه این پایه لغزید بنای دوستی واژگون میشود. سیسرون

دوستان مهربان از برادران نامهربان بهترند. مثل چینی

دوستانت را درنظر خود ارزان میندیش و خود را نیز درنظر ایشان چنین مکن. فولر

دوستی گیاهی است که باید هرچند وقت آن را آبیاری کرد.

صفات هرکس مربوط به محسنات و نقایص اخلاقی دوستان اوست. کارلایل

کسیکه دوست میدارد همیشه در هاله ای نورانی زندگی میکند. آلفرد دوموسه

کسانیکه دوستی را از زندگی برمیدارند مثل آنست که آفتاب را ازعالم برداشته اند. سیسرون

کسیکه رفیق خوبی دارد احتیاج به آئینه ندارد.

مشکلی که با دوست درمیان بگذارند آسان میشود. حجازی

ما بديگران علاقه پيدا ميکنيم وقتي که آنها بماعلاقه بيابند. پولي ليوس
مرا اندکي دوست بدارولي طولانی. کریستوفرمارلو
من درجهان يکدوست داشته ام و آنهم خودم بوده ام. ناپلئون
نهال دوستي واقعي آهسته رشد ميکند. ژرژواشنگون
نشان دوست نيکوانست که خطاي تو بيوشد و ترا پند دهد و رازت را آشکار نکند.
بوعلی سینا
نوع دوستي بهترين وعاليترين احساس انساني است. هوم
هدف نهائي مبارزه ما دوستي با تمام مردم دنياست. گاندي
هر قدر بیشتر کسیرا دوست داشته باشيد کمتر مغرورش ميکنيد. مولير
هرکه بیشتر دوست بدارد بیشتر محروم است و رنج خواهد برد. توماس مان
هرگاه ميخواهي با کسی دوستي کني بيشتر از همه بين که فهم او چه اندازه است
، نیک و بد را درجه ميداند افتخار و اهانت را چه ميشمارد، نيکبختي او درچه چيز
است؟ مارک اورل
هرچه دوستانتان کمتر باشند بقدر قيمت دوستي بيشتر پي خواهيد برد.
همه را دوست بداريد و خوبهاي ديگران را ببينيد و بزبان بياوريد، تا طرف توجه و
محبوب همه باشيد. هيلين شاکتر
همسايه ات را مثل خودت دوست بدار. انجيل
همانطور که عشقهاي حقيقي کمياب است دوستيهاي حقيقي نيزکمياب است.
لارشفوگو

پيروزي - موفقيت

اگر بخوايم برطبيعت پيروز شويم بايد آنرا بشناسيم .
آنانکه اززندگي پيروزوکامياب شده اند، اول ازنظرفکروروح پيروزوکامياب بوده اند.
اديسون

اگر به یک انسان فرصت پیشرفت ندهید لیاقت چندان تأثیری در پیشرفت او نخواهد داشت. ناپلئون

احترام و قدردانی دو چیز مختلفند؛ احترام رابه موفقیت اشخاص می گذارند اما گذارند اما قدردانی از شخصیت اشخاص بعمل می آید. الکساندر دوما

اگر در اولین قدم موفقیت نصیب ما می شد، سعی و عمل دیگر معنی نداشت. مترلینگ

از ویکتور هوگو پرسیدند، برای موفقیت در زندگی سه عامل پول، کار، یا عقل کدام یک مؤثرترند؟ وی جواب داد: فرض کنید روی سه چرخه ای سوار هستید، کدام چرخ برای شما اهمیتش بیشتر است؟

انسان هرگز از موفقیت سیر نمی شود. مثل یونانی

از مخالفت نهر اسید فقط وقتی بادبادک می تواند بالا رود که با باد مخالف مواجه شود. چرچیل

بدست آوردن خوشبختی بزرگترین فتح زندگی است. آلبرت کامو

بالاترین رمز کامیابی اینست که انسان چیزی بگوید و کاری بکند و چیزی را بخواهد که دیگران معمولاً آنرا نمیگویند و نمی کنند و نمیخواهند، یا درگفتن و کردن و خواستن آن تردید دارند. سعید نفیسی

بدست آوردن خوشبختی بزرگترین فتح زندگی است. آلبرت کامو

بدست آوردن چیزی آسان باشد ولی نگهداری آن مشکل است.

بدون خطر نمی توان بر خطر غلبه کرد.

برشری که پرهیز از آن ممکن نیست با تحمل و بردباری میتوان پیروز شد.

با موفقیت « فتح » کوچکی بخود مغرور مشو.

بدست آوردن آنچه را که ما آرزو داریم موفقیت است اما چیزی را که برای بدست آوردنش تلاش نمیکنیم خوشبختی است. لئوسیا

بیشتر کسانی موفق شده اند که کمتر تعریف شنیده اند.

برای پیروزی در زندگی دل به دریا باید زد اما آنکه دل به دریا می زند میباید یقین داشته باشد لاقلاً در این بازی چیز چندان از دست نمیدهد. هر بار به نرمی میتوان رخنه در سنگ کرد. مثل فارسی

بزرگترین پیروزی آن است که نوعی رفتار کنیم که مبارزان قویتر از آن بشود که در شروع کار مبارزه بودند. گاندی

در این دنیا از دو راه میتوان موفق شد یا از هوش خود یا از نادانی دیگران. لابرور
راز موفقیت در زندگی را فقط افرادی آموخته اند که در زندگی موفق شده اند. جان
کولینز

پیروزی نصیب کسانی می شود که بیش از همه استقامت دارند. ناپلئون
زندگی همواره ضابطه ها را درهم می شکند، شکست میتواند با وجود زشتیهایش تنها
راهی بسوی رستخیز باشد.

پیروزی فضائل ، شکست رذائل است. مثل هندي

بیشتر کسانی موفق شده اند که کمتر تعریف شنیده اند. امیل زولا

جدیت مقصد را نزدیک میکند. شیلر

زندگی همواره ضابطه ها را درهم می شکند، شکست میتواند با وجود زشتیهایش تنها
راهی بسوی رستخیز باشد.

سجایای هر شخصی سرنوشت اوست.

کار کنید تا به آسایش برسید بکوشید تا بموفقیت نایل شوید. توماس

شکست یتیم است ولی پیروزی هزار پدر دارد.

کسیکه در هنگام پیروزی خود را کنترل میکند به پیروزی مجدد نائل گردیده است.

قبل از هر چیز دیگر آماده شدن راز موفقیت است. هنري فورد

من میدانم پدر بزرگم که بود؟ اما به این نکته بیشتر اهمیت میدهم که بدانم نواده او
چه کسی خواهد شد. لینکلن

کسیکه دو روز او مساوی باشد ضرر کرده است.

کسیکه خون را ببیند و خون سرد باشد پیروز میشود. مثل انگلیسی

کمی لیاقت جوهر توانایی در موفقیت است. مثل آلمانی

گاهی اوقات صلاح ما در اینست که بمقصد نرسیم، زیرا مقصد برای ما ضرر دارد.
هانري مور

موفقیت نصیب افراد خواب آلود نمیگردد. مثل دانمارکی
موفقیت اگر با لیاقت و شایستگی بدست نیامده باشد پیوسته موجب نگرانی و
تشویش خاطر خواهد بود. حجازی
موفقیت برای اشخاص کم ظرفیت مقدمه گستاخی است. مثل ایتالیایی
نفس خویش را باطاعت درآوردن ازهر فتحي دشوارتر است. آئین بودایی
نخستین شرط پیروزی دلیری است. کامپ بل
هرکس توانست خویشتن را مغلوب کند، مسلماً میتواند دیگران را مطیع خود سازد.
لرد آویبوری
وقتی که ا زپا در میافتی نزد همه منفور میشوی. مثل شرقی
هیچکس را بی تکاپوی سعی بلیغ آفتاب مراد ا زمشرق امید طالع نشده است. کلیله
و دمنه

تجربه

آنانکه گذشته را بخاطر نمی آورند محکوم بتکرار آند. سانتایان
آنکس که از روزگار تجربه آموخت هرگز فریب جهانیان را نخواهد خورد.
آموزش و پرورش بدون تجربه بیفایده است. پی پرژانه
آینده ها بنظر بزرگ جلوه میکنند ولی وقتیکه گذشتند می فهمیم که ناچیز بوده اند.
مترلینگ
آزموده را آزمودن خطاست. مثل ایرانی
تجربه بالاتر از علم است. ابن سینا
از اشتباهات خود و دیگران عبرت بگیر. بزرگمهر
اگر عینک عادت ندارید عینک تجربه را بچشم بزنید و اگر عینک عادت دارید روی آن
بازهم عینک تجربه را به چشم بزنید.
اشتباه را تصحیح نکردن خود اشتباه دیگرست. کنفوسیوس

اگر آنچه از گذشته تجربه گرفته ایم در آینده بکار بریم مثل اینکه دو بار عمر کرده باشیم، حجازی

انسانها نسبت به ظرفیتی که برای کسب تجربه دارند عاقلند نه نسبت بتجاریکه اندوخته اند. برنارد شاو

بتجربه دریافته ام که جسم و جان آدمی همسر یکدیگر نیستند بلکه باهم یکی شده اند و چون یکی دچار رنجی شود دیگری همدردی مینماید. چستر فیلد

بهر چیز باید نزدیک شد و از آن عبرت و تجربه ای گرفت. سعید نفیسی

تجربه همیشه بنفع انسان نیست زیرا هیچ حادثه ای دوبار بیک شکل رخ نمیدهد. چرچیل

تجربه مدرسه ایست که محصلین خود را با قیمتی گران بار میآورد. فرانکلین

تجربه طبیعی حاذق است که فقط پس از بیماری بملاقات شخص میآید. هانی

تجربه را در روی رختخواب نرم معطر و متکای پر قونمیتوان بدست آورد. اوری پید

تجربه درسی است گرانبها که ارزش آن از کلیه دروس مهم اساتید عالیقدر بالاتر است. سیسرون

تجربه میوه ایست که آنرا نمی چینند مگر پس از گندیدن. ارسطو

تجربه بهترین درس زندگی است ولی افسوس که برای آن بهای گرانی باید پرداخت. کارلایل

تجربه معلم سختگیری است او اول امتحان میکند وبعد درس میدهد.

چه بسا که با تعجب و تمسخر و وحشت باشتابه دیروز خود نگاه میکنیم و باز فردا همان اشتباه را از سر میگیریم. حجازی

حقیقت تجربه بمراتب عالیتر از تمام تئوریهها و فلسفه بافیهاست.

در هیچ زمینه ای استادی پرمایه تراستادی آموزنده تر از تجربه، نیست. لیر

خوشبخت آنستکه از سرگذشت دیگران پند گیرد.

سعادتمند کسی است که ازهر خبط و خطائی که از او سربرزند، تجربه تازه بدست آورد. سقراط

خطاکردن یک کار انسانی است اما تکرار آن یک کار حیوانی. آنا تول فرانس

رمز سعادت دوسه حرف بیش نیست، لیکن از هیچکس آنرا نمی پذیریم مگر پس از یک عمر تجربه آنهم وقتی که کار از کار گذشت.

دنیا به همت جوانان و تجربه پیران اداره میشود. نظام وفا کاشانی

دنیا خیلی پیراست ما باید از تجربه استفاده کنیم تجربه بما یاد میدهد که عرف و عادت پیش بسی گرانبهار از تئوریهای تازه است. ناپلئون

سن و عادت و شغل و تجربه، اخلاق بسیاری از مردم را اصلاح کرده است. ناپلئون

شخص عاقل و هوشیار از تجربیات دیگران استفاده میکند ولی مردم مغرور میخواهند همه چیز را خودشان تجربه کنند. لرد آویوری

کسیکه دو دفعه روی سنگی بلغزد مستحق آنست که هر دو پایش بشکند.

عمری چکش برداشتم و برسر میخی بروی سنگی کوبیدم اکنون میفهمم که هم چکش خودم بودم هم میخ و هم سنگ. کافکا

فقط یک چراغ هست که مرا هدایت میکند و آن چراغ تجربه است. پاتریک هانری

عیب در این نیست که انسان اشتباه کند، بلکه عیب در این است که با اشتباه خود پی نبرد. مثل روسی

گذشته برای آنستکه انسان توشه ای از عبرت برای آینده خود بردارد. سعید نفیسی

کسیکه یکبار مرا فریب میدهد برای او ننگ است ولی کسی دوبار فریب میدهد ننگ برای من است. مثل اسکاتلندی

ما توسط اجداد خود هزارها سال عمر کرده و می کنیم برای اینکه مشغول استفاده از تجربیات آنها هستیم.

گذشته سرمایه ای است که اندوخته ایم، میتوان آنرا بتأسف و اندوه صرف کرد یا برای موفقیت آینده بکاربرد. حجازی

مردگان چشمهای زندگان را باز میکنند. مثل انگلیسی

ماکارهای احمقانه ای که در زندگی انجام داده ایم بنام تجربه به رخ دیگران می کشیم. اسکاروایدل

معایب دیگران معلمان خوبی هستند. مثل آلمانی

معمولاً دلایلی که خود ما به آنها برمیخوریم بیش از آنچه دیگران میگویند مورد رغبت ما هستند. پاسکال

تا کنون بزرگترین تجربه ها و معارف خود را انسان از حیوانات ناچیز تر از خود یاد گرفته است. لافوتن

وقتی انسان ببطلان یک عقیده و نظریه پی برد و آنرا حفظ کرد دلیل بر حماقت اوست. مترلینگ

وقتی جاده ای هموار و تمیز و نو در سرراه شما پیدا شد، از جاده قدیم و سنگلاخ عبورد کردن از کاردیوانگان و خود خواهان است. امیل زولا

یگانه تر جمال عالم طبیعت آزمایش است، پس باید همیشه به تجربه پرداخت و هرکار را به هزار شکل آزمود. لئوناردو داوینچی

تصمیم

آنگاه که سندان‌های پابرجا باش، روزیکه چکش گشتی محکمتر بکوب. جان فلورلو

اراده های ضعیف همواره بصورت حرف و گفتار خودنمایی میکند، لیکن اراده های قوی جز در لباس عمل و کردار ظهور نمی یابد. گوستاویوون

آنانکه تمیتوانند خود را اداره کنند ناچار از اطاعت دیگرانند. ویکتور هوگو

اراده موجب آزادی است، زیرا خواستن آفریدن است، اینست تعلیم من و تنها کار شما آموختن فن آفریدن خواهد بود. نیچه

آنچه بمقصود میرساند، عزم و اراده است نه تمنا و آرزو.

ارزش چه چیز بیشتر از طلاست ، الماس ، از الماس چه چیزی گرانبهاتر است؟ اراده! فرانکلین

اراده قویست که همه قوای دیگر حکمرانی میکند، بشرطیکه ما آنرا با قوه عقل هموارسازیم. دوفون

اراده درخت با عظمتی است که تمدن ترقی و تکامل شاخه های نیرومند آن هستند. نظام وفاکاشانی

اراده هرکس در برابر مقدرات او ایستاده و در حول محور تکامل وی میچرخد. پتیاگور

اراده در زمره قوای بزرگ بشریت محسوب و رقیبی برای آن متصور نیست. دکتر نصر

اراده خود بخود و طبیعی تکمیل میشود بشرط آنکه تعلیم و تربیت غلط سد راه آن نگردد. فیثاغورث

اگر دل بخواهد هزار راه پیدا می کند و اگر نخواهد هزار عذرو بهانه میتراشد. مثل برنتو

از خصوصیات زمان ما اینستکه متأسفانه فقط افراد پست و پلید صاحب اراده و پشتکار میباشند. الفرد کاپو

انسان نمیتواند اراده کند آنچه را که میخواهد ، ولی میتواند اراده کند که چه خواهد کرد.

اگر آزادی اراده مرد از او سلب شود همه اعمال او ارزش اخلاقی خود را گم میکند. روسو

استعداد بزرگ بدون وجود اراده بزرگ وجود ندارد. بالزاک

اگر تصمیمی داشته باشی بزودی موفق خواهی شد زیرا آدمی ساخته افکار خویش است، و فردا همان خواهد شد که امروز میاندیشیده است. مترلینگ

افتادن در گل ولای ننگ نیست، ننگ در این است که در همانجا بمانی. مثل آلمانی

انسان هرچه را میباید میتواند کرد، و هرگاه کسی گوید که نمیتواند کرد این خود دلیل است بر اینکه او از روی جدیت اراده نمیکند. نیچه

با داشتن اراده قوی مالک همه چیز هستید. گوته

باید از دستبرد زمانه نترسید و با اراده قوی کوشید و طلبید و هرگز تسلیم نشد تا شاهد مقصود بدست آید. تن سن

با داشتن اراده قوی مالک همه چیز هستید. گوته

برای اخذ تصمیم بديگري متوسل شدن کاری بیفایده و نامعقول است. اسمایلز

بدترین غمها شک و تردید است. الکساندر دوما

بزرگترین اختلاق بین انسان و حیوان فهم و فکر نیست، بلکه اراده و اختیار است. روسو

برای مردیکه اراده دارد هیچ چیز امکان ناپذیر نیست. میرابو

بهترین موقع برای تربیت اراده ایام جوانی است. لاک

بهر طرف که اراده متمایل گردد طبیعت نیز بدان سمت میگردد. اسمایلز بی تفاوت بودن ضعف است. کوکرل

تمام چیزها برای کسیکه آنرا ممکن الحصول میداند ممکن الحصول است. شانینگ

پیروزی یعنی اراده کردن. ناپلئون

تمایلات خود را در میان دو دیوار محکم، اراده و عقل حبس کنید. ارسطو
جدیت مقصد را نزدیک میکند. شیلر
خواستن توانستن است، بخواه تا بتوانی. کاظم زاده ایرانشهر
جمله: من میخواهم جمله ایست که از اراده قوی سرچشمه گرفته است. اوژن
خشم و غضب را بدرگاه مردان با اراده راهی نیست. سقراط
جوان میتواند آنچه میخواهد برسد، بشرط آنکه دست از دامن تصمیم استوار رها نکند.
تماس
دانستن بدون خواستن هرگز توانستن بار نمیآورد. گوستا ولوبون
خطاها و گناه ها و لغزشها و ناکامیهای اغلب مردم از ندانستن قوه توانائی اراده است.
کاظم زاده ایرانشهر
در موقعیکه عصبانی هستم تصمیم نمی گیرم. چرچیل
در اغلب مواقع کامیابی بسته به شناختن وقتی است که برای نایل شدن بآن لازم
است. مونتسکیو
رمز کلیه پیروزیها اراده است. روبرتسون
در جهان تنها کسی موفق میشود که بانتظار دیگران ننشیند و همه چیز را از خود
بخواهد. شیلر
دشوارترین قدم، همان قدم اول است. مثل بلژیکی
درهرکار شرط اساسی داشتن یک اراده قوی است با یک اراده قوی شرایط دیگر
چندان اهمیت ندارد. گوته
دشوارترین قدم، همان قدم اول است. مثل بلژیکی
در مقابل عزم آهنین قوه ای را یارای مقاومت نمی بینم. ناپلئون
قویترین اهرمها اراده است. اسمایلز
راهیکه هزار کیلومتر دراز باشد قدم به قدم پیموده میشود. مثل ژاپونی
کسیکه اراده آزاد ندارد مسئولیت اخلاقی ندارد. ارسطو

سرور و خوشحالی یا حزن و ملالت شخص بسته بمیل و اراده خود اوست. دکتر جانسن

کسیکه دارای عزم راسخ باشد جهان را مطابق خود عوض میکند. گوته

قوه اراده و تصمیم در انسان تصویب نمیشود مگر در نتیجه بکار انداختن دائمی آن. اسمایلز

لغت غیرممکن را باید از قاموس ها محو کرد. ناپلئون

کسانیکه بیش از اندازه فکر میکنند فاقد اراده و تصمیم میباشند. ناپلئون

مرد دو دل در تمام رفتار خود ناپایدار است.

مردانیکه همیشه مرددند و نمیتوانند تصمیم بگیرند هرگز کامیاب نمیشوند. ناپلئون
مردم فاقد نیرو نیستند، فقط فاقد اراده اند. هوگو

مردم با اراده از مشکلات استقبال میکنند، چون مبارزه با مشکلات برای آنها شیرین است. لاورنس

معنی حیات را درزیبائی و قدرت اراده باید جستجو کرد. ماکسیم گورگی

مقام هر فرد در زندگی مربوط بدانچه که میداند نیست، بلکه مربوط است به آنچه که میخواهد و آنچه که میتواند. گوستاولوبون

نتیجه اراده ضعیف حرف است و نتیجه اراده قوی عمل. گوستاولوبون

من میخواهم گریبان سرنوشت را بگیرم و او نمیتواند سر مرا در برابر زندگی خم کند. بنهوون

نتیجه اراده ضعیف حرف است و نتیجه اراده قوی عمل. گوستاولوبون

مردیکه کوه را از میان برداشت کسی بود که شروع به برداشتن سنگریزه ها کرد. مثل چینی

هر اقدام بزرگ ابتدا محال بنظر میرسد. کرلایل

هنگامیکه مصمم به عمل شدید باید درهای تردید را کاملاً مسدود سازید. نیچه

هدف

به طرف یک هدف هدفگیری کن. مثل شرقی

تنها گنجی که جستجو کردن آن به زحمتش می ارزد هدف است. خلویی استونس
انسانی که معنی وهدف زندگی را بداند خود را نه تنها با افراد ملت خویش برابرخواهد
دانست بلکه با تمام ابنای اقوام دیگر نیز مساوی خواهد شمرد. تولستوی
زندگی بدون هدف چرخ زندگی را بدست قضاو قدر سپردن است. سه نک
جاه طلبی مهمیزی است که آدمی را به کشمکش با سرنوشت برمی انگیزد
ومحرکی است که هدف را بزرگ وپیشرفت را بزرگترمیسازد. میچل
مبارزه با مشکلات مارا به هدف نزدیک میسازد ونمی گذارد که افراد سرسری
وسطحی باشند. ارنست همینگوی
مبارزه برای بدست آوردن پیروزی بمراتب زیاتر از خود پیروزی است. طی مسافت
لذتبخش تر از رسیدن بههدف است وقتی پیروز میشوی یا هدف میرسی تازه میفهمی
که داری در گودالی پر از خالی دست و پا میزنی.

تکبر - غرور

اعراض از صحبت کسیکه با تو رغبت کند از قصور همت است. ارسطا طالپس
آنکه نفس خود را بالاتر و برتر از آنچه هست داند هرگز بسر حد کمال نرسد. فارابی
اگر آفتی برای عقل باشد همانا خودپسندی است. ابن مقفع
بکسی میتوان مرد گفت که درنکبت و خوشبختی خودراگم نکند. ناپلئون
بعضی اشخاص چنان بخود مغرورند که اگر عاشق بشوند بخود بیشتر عشق میورزند
تا بمعشوق. لارشفوگولد
بنظر حقارت به هیچکس منگر چه آنکه تحقیر میشود ممکن است روزی کاری بزرگ
انجام بدهد. مثل افریقائی
بهرناراحتی کوچک خشمگین شدن و بدیگران پریدن، نشانه غرور بی اندازه یا کم
عقلی است. پوپ
تکبر درتمام مردم مساویست و اختلاقی فقط در طرز ظهور آنست. لاروشفوگولد
تکبر را وسیله تشخیص و نشان ترقی ندانید زیرا دراین راه پریچ وخم پرتگاههای
مخوف بسیاراست. ناپلئون

تهی دست بودن و شکایت نداشتن بسیار دشوار است ولی توانگر بودن و غرور و تکبر نداشتن آسان است. کنفوسیوس

کسیکه پشت الاغ باد به غبغب بیندازد، چون اسب سوار شود پاک دیوانه خواهد شد.

در زندگی ثروت حقیقی مهربانی است، و بینوایی حقیقی خودخواهی. وینه

خود پسندی محصول جهل و نادانی و شاهد متابعت از هوای نفس است. خصال شفائی

عجب بیماری است که ماده آن بر جهل محض است و علاج آن معرفت محض. غزالی طوسی

غرور و خودخواهی نماینده شکست و ذلت است، هر وقت غرور قیام کرد منتظر شکست فوری باشیم. غ - ذ

غرور روشنترین نشانه بلاهت است.

هرکس بچشم خویش بزرگ و عظیم نماید، مردم او را کوچک و حقیر بنظر آورند. جواهر الاخلاق

هرکس بر نفس خویش عاشق شد کبر و حسد و خواری براو عاشق شد. ابوبکر وراق

هرچه شخص نجیب تر باشد غرورش کمتر است. مثل دانمارکی

تملق - چاپلوسی

بیشتر کسانی موفق شده اند که کمتر تعریف شنیده اند. امیل زولا

بیان متملق عسلی است آلوده بزهر. مثل لاتین

آنهاییکه در زبان بازی مهارت بخرج میدهند، اغلب نیت ناپاکی را در قلب خود میپروارند. ولتر

تملق خوراک ابلهان است. شکسپیر

خودسری تولید حسد و بیشرمی و تملق میکند. مارکول

به غیر از قوت نفس و عدالتخواهی چیز دیگری نمیتواند جلوی چاپلوسی و تملق را بگیرد. مثل سوئدی

تملق با کرامت اخلاق بندرت دریکجا جمع میشود. کنفوسیوس
تملق و مزاح گوئی سکه قلبی است که جاه طلبی ما آن را رواج داده است.
لارشفوگولد
تملق سم شیرین است. مثل آلمانی
متملق یا نادانی است که خیال تحقیر مرا دارد یا شارلاتانی است که میخواهد فریبم
دهد. مثل چینی
تملق کنیز رذائل است. مثل لاتین
چاپلوسی هم گوینده را فاسد میکند و هم شنونده را. دیل کارنگی
در برابر آنکس که غسل روی زبان دارد از کیف پولت محافظت کن. مثل آلمانی
رگ خواب ایرانی تملق است. مثل ایرانی
در بین حیوانات اهلی و رام شده از همه خطرناکتر مرد چاپلوس است. مثل یونانی
مرد متملق یک دشمن مخفی است. مثل مجارستانی
متملقین و مردان دانشمند باهم سازگار نتوانند بود. ناپلئون
فرق است میان مدح و ثنائیکه از قلب پاک برمیکیزد و یا چاپلوسی و تملق که سرمایه
فساد است. دیل کارنگی
هر کس ارباب خود را تملق گوید در نهایت بدو خیانت میکند. مثل مجارستانی
کسیکه به شما تملق میگوید، یا سرتان کلاه گذاشته ویا امیدوار است کلاه بگذارد.
مثل رومانی
هرکس را بیشتر دوست داری کمتره او تملق بگو. مولیر
همیشه در زندگی نه تملق گفته ام نه متملق را بنام دوست پذیرفته ام. غ - ذ
اگر خواهی که رسته باشی از ناکسی که خسیس و چاپلوسی که توانگر شده باشد
حذر کن. بوعلی سینا
تملق در زبان من راه ندارد واگر فریفته تملق میگشم بدین موقع نمیرسیدم.
لقاب دروغ مردم را طاغی کند و هوس خام دردماغ آنان پزد تا بردیگران جور وستم روا
دارند.

تندرستی

آسایش دو پایه دراد ، آرامش جسم و آرایش روان. حجازی
آنچه میخورید باعث زخم معده نمیشود بلکه آنچه شما را میخورد موجب پیدایش این
زخم میشود. دکتر فونتاکو
آنکس که تنی سالم دارد گنجی دارد و خودش نمیداند.
اکثر اطبا معالجه بعضی از بیماریها بویژه قلب را بشرطی میپذیرند که بیمار سیگار را
ترک کند.
آنکه تندرستی دارد امید دارد و آنکه امید دارد همه چیز دارد.
با تندرستی لذت غذاها را میتوان درک کرد. ارسطو
بانسان تندرستی و ثروت بدهید او هردورا در جستجوی سعادت از دست خواهد داد.
انسان جانوری است که خوراک خود را میپزد. بیورک
بهترین خدمتگزار صدیق برای سلامتی بدن فراغت خاطر و آسایش روح است. فرد ریک
کبیر
بحفظ الصحه خود بیش از شغل اهمیت دهید. پوشه
بیماری و مرض یکی از عواقب وخیم عیش و عشرت میباشد.
بمن بگوئید چه میخورید تا به شما بگویم چه هستید.
تمام دردهای جسمانی از خواهشهای بیجای نفسانی تولید و بوجود میآید. غ - ذ
پاها را شکم راه میبرد.
تن درست برای روان مهمانخانه و برای تن ناسالم بیمارستان است. بیگن
حمام گرفتن باندازه چهارساعت خواب در رفع خستگی مؤثر است. ناپلئون
جائیکه آفتاب نتابد طبیب میآید. مثل بلژکی
حیوان میچرد، آدم میخورد ، تنها مردعاقل و فرزانه میداند که چگونه بخورد. ساوارن

روزي يك سيب بخور به پزشك احتياجي نخواهي داشت.
خوردن چيزهاي ديرهضم معده را خسته و ناتوان ميسازد.
زمان ناخوشي را بحساب عمر مشمرید. افلاطون
در دنيا سه طبيب حاذق هست آرامش امساک، نشاط، همیشه باين سه طبيب
رجوع نماييد.
طبيعت بيماري را علاج ميکند و دارو بيمار را مشغول ميسازد.
شب زود خوابیدن و صبح زود بيدار شدن باعث صحت مزاج و ثروت و مکننت است.
غذا را سبک کن تا از مرض ايمن شوي. جالينوس حکيم
طول کشيدن معالجه را دو سبب خواهد بود، ناداني پزشک يا نافرمانی بيمار. زکرياي
رازي
فقط يك چيز ننگ است و آن مريض بودن است.
هيچ چيز برصحت انسان بيشتراز آن صدمه نميزند که غذا بروي غذا تناول نمايند.
ابوعلي سينا
همیشه پيش گيري بهتر از معالجه است.
هر چه بيشتتر غذا بخوريد کمتر مزه خواهد داشت و هرچه کمتر بخوريد بيشتتر مزه
خواهد کرد. مثل چيني
يك تن ناتوان نمیتواند پناهگاه يك مغز توانا باشد.
يکي از عادات عجيب، دست دادن و امراض را به يکديگر سپردنست. حجازي
سري که درد نميکند دستمال نمي بندند. مثل فارسي
روزيکه بيماريد، تندرستي و عافيت را و هنگاميکه تندرستيد ورزش و حرکت را گرامي
بداريد. بايگون
زياد خوردن منجر به کم خوردن ميگردد. مثل اسپانيولي
زياد خوردن پدر دردها و کم خوردن پدر درمانها است. پروفيسور کاپو
سعي کن که معده حامل تو باشد نه تو حامل او.

شب زود خوابیدن و صبح زود بیدار شدن باعث صحت مزاج و ثروت و مکنت است

تفکر - اندیشه

الماس را جزدر قعر زمین نمیتوان پیدا کرد و حقایق را جز در اعماق فکر نمیتوان یافت. ویکتور هوگو

اندیشه کن آنگاه سخن گوی تا از لغزش برکنار باشی.

اندیشه های خوب تراویده روح پاک است و بوی خوش تراویده گل خوشبو. آنا تول فرانس

اندیشه انسان را از ارتکاب کارهای پست وزشت دور می کند و عمل را به او می آموزد. مثل آفریقای

اندیشه و تخیل مرد را به سوی کمال میبرد. حکمت هندو

افکار بزرگ از دل بر می آید. رونارک

افکار هر انسانی دنیای اوست. رونارک

افکار بلند الهاماتی است که از مغزهای زنده تراوش میکند. وده تارک

آنکه درباره همه چیز می اندیشد درباره هیچ چیز تصمیم نمیگیرد. مثل چینی

آدمی ساخته افکارخویش است ، فردا همان خواهد شد که امروز می اندیشیده است. مترلینگ

آنکهها خودش تنهاست هنوز کامل نیست. تن

آدم میتواند دو دقیقه بدون هوا و دو هفته بدون نوشیدن آب سه هفته بدون غذا و یک عمر بدون پول زندگی کند ولی

نمی تواند یک لحظه بدون اندیشه و فکر زندگی نماید. فرانکلین

افکار نیرومند تر از ارتشها هستند.

اندیشه دریائی است که مروارید آن فلسفه و فرزانهگی است. یحیی برمکی

اندیشه ها بزرگترین جنگنده های جهانند و جنگی که اندیشه ای در دنبال دارد چیزی جز وحشیگری نیست. گارفیله

اول یاد بگیر وبعد مستقلاً به تفکر پرداز.

با تأمل و اندیشه و خویشتن داری، خردمند برای خود جزیره ای میسازد که از دستبرد امواج درامان است.

ای فتنه و فساد تو چه زود در اندیشه مردان نومید رخنه میکنی. شکسپیر

بتانی فکر کن و بفوریت اجرانما. ناپلئون

برای زندگی فکر کنید ولی غصه نخورید. دیل کارنگی

برای درست فکر کردن باید اول دل را از کینه و بدی پاک کرد. محمد حجازی

بزبان اجازه مده که قبل از اندیشه ات براه افتد. شیلون

بشریت آنقدر که از فکرحوادث ناراحت میشود ازخود آن حوادث زحمت نمی بیند. مونتینی

بگذارید مردمان تصور کنند که برحسب فکر خویش رفتار میکنند. دیل کارنگی

برای تلفظ کوتاهترین کلمه «بله» یا «نه» خیلی بیشتر از یک نطق باید فکرکرد. پتیاگور

تفکر جوهر نبوغ است. ژان پل سارتر

بگذشته خود هرگز نمی اندیشم مگر آنکه بخواهم از آن نتیجه ای بگیرم. نهری

تفکر در عاقبت هر کار باعث رستگاری است. سقراط

تمام شأن و عظمت انسان در فکر است. پاسکال

تو می پنداری که اندیشه تو بهترین اندیشه هاست؟ زهی بدبختی و گمراهی. سعید نفیسی

حرف زدن بدون فکرمانند تیراندازی بدون هدف است. فیلسوف یونانی

جامه کهنه را ازخود دور میکنی چرا اندیشه کهن را ازخود دور نمیکنی. سعید نفیسی

چه بسا افکار مدهش که درپس چهره ملایم و متین مخفی شده است. محمد مسعود

در تن نحیف میتواند اندیشه ای بزرگ مسکن گیرد. بودا

حوادث را باید کوچکتر از آن تصور کنیم که قادر باشد خلل و لغزش در اندیشه ما ایجاد کند. ناپلئون

در گرفتاری باید فکر را بجنب و جوش درآورد، نه اعصاب را. محمد حجازی
در اندیشه آنچه کرده ای مباح، در اندیشه آنچه نکرده ای باش. سعید نفیسی.
از خواص طبیعت آدمیست که عاقلانه و منطقی فکر میکند اما پوچ و بی معنی رفتار
می نماید. اناتول فرانس
آنچه شما درباره خود فکر می کنید خیلی مهمتر از اندیشه هائی است که دیگران
درباره شما دارند. سنه کا
از همان لحظه ای که به فکر کردن خوی میگیرید، در راه ترقی گام بر میدارید.
پستالوژی
آنچه در اندیشه پنهان دارید خواه ناخواه از خطوط چهره و رنگ پیشانی و آهنگ سخنان
خویش آشکار خواهید ساخت.

از اصطکاک دوسیم مثبت و منفی برق میجهد تقابل در اندیشه نیز فروغ میبخشد.
اختیار افکار مانیز در دست خودمان نیست زیرا تقریباً همیشه بی اختیار فکر میکنیم.
ولتر

تنهایی

از مردم دورباش و تنها زندگی کن، نه بکسی ظلم کن و نه بگذار کسی بتو ظلم کند.
ابوالعلا معدی

تنهایی عبارتست از بیماری روح بشر. هوکسلی

اگر مردم میدانستند هر یک در غیاب هم چه میگویند بطور قطع چهار نفر دوست در دنیا
باقی نمی ماند. پاسگال

دنیا بی دوست وحشت سرائی است. از پندهای جاتا کای

اگر هم سفر از تو بهتر و یا با تو برابر نباشد و یاراگر نادان باشد تنهایی خوشتر باشد.
دهامآپادا

وقتی همدردی پیدا شد درد سبکتر میشود. سعید نفیسی

براستی که ابلهان انسانهای خوشبختی هستند زیرا که هرگز پی به تنهایی خود نمی
برند. ژان-یل - توله

تاکنون رفیقی پیدا نکرده ام که باندازه تنهایی قابل رفاقت باشد. تورو

بیحوصلگی بانسان صفتی مانند گوشه گیری، تنهائی و افسردگی و خود خواهی میدهد. ادوارد شرر

جنگ و صلح

آغاز و پایان جنگ توسط خون صورت میگیرد. همر

آرامش دنیا وقتی امکان پذیر خواهد بود که در عالم یک رژیم واحد حکومت کند. محمد مسعود

آماده شدن برای جنگ یعنی نگاهداری صلح. واشنگتن

آنکه در طریق صلح و صفا میرود گرفتار ببر و گاومیش نمیشود. از اشعار تااونه کینگ

آنقدر شکست خوردم تا راه شکست دادن را آموختم. ناپلئون

آیا زندگی آنقدر عزیز و صلح آنقدر شیرین است که به بهای زنجیر و اسارت خریداری شود؟ پاتریک هانری

آنکه از جنگ میگریزد، حقیر است. کوگاسب

ارکان اتحاد جهانی فقط میتواند بر اساس عدم خشونت استوار گردد بهمین جهت در روابط بین المللی جدا باید از خشونت پرهیز کرد. گاندی

اصل خرد در این حکم است که هیچ جاندار را بیجان نکنیم.

استعداد ضعیف تحمل پذیر است لیکن ضعف در میدان کار زار تحمل ناپذیر. لوستر

اگر میخواهیم صلح پایدار بماند باید علم را رابط بین المللی بدانیم. روزولت

افتخار در خشک کردن قطره اشک است نه در جاری ساختن سیل خون. بایرون

اگر بجای اسلحه با معلم به جنگ دنیا میرفتم همه دشمنان نابود میشدند. بیسمارک

افتخاراتیکه از طریق شمشیر بدست میاید از طریق شمشیر هم ممکن است از دست برود. فیلیپ مقدونی

اگر از بیگانه نایمن شوی زود بمقدار نایمنی خویش را از وی ایمن گردان. قابوس وشمگیر

اگر مردم با اینقدر پول که در راه جنگ خرج می کنند زمین بخرند ارزانتر از زمینهای که بوسیله جنگ و خونریزی بدست می آورند تمام میشود. فرانکین

انسان با جنگ چشم از دنیا می پوشد. اسمیت

اگرچه جنگ برای اصلاح حال ملت و افزایش آبادانی آغاز میگردد لیکن حقیقت این است که در طی جنگ در حیات اجتماعی و سیاسی عظیم پدیدار میشود. امرسون

اگر مار را می کشی بچه اش را هم بکش. مثل فرانسوی

انسان از این جهت از حیوان پست تر است که گاهی بدون ضرورت ظلم و درندگی میکند و از این جهت از حیوان برتر است که گاهی بخاطر رحم و انصاف از خود می گذرد. حجازی

با صلح گفتن دنیا ایمن نمی شود. ناپلئون

بعضی احساسات را جز با احساسان نظیر خود آنها نمیتوان مغلوب ساخت، هرگز ملتی نمیتواند وحشی گری، خشونت و بی پروایی را با نجابت، آرامش و احتیاط پاسخ دهد. گوستاویوون

برای بقای صلح جهانی باید ملتها به هم نزدیک شوند نه دولتها. ایدک

برای صلح شایستگی نخواهیم داشت مگر روزیکه ارباب قدرت حرص و طمع بس کنند و مستضعفان نیز دلیری و گستاخی بیاموزند تا گور بقدر و قوه خود با جمیع خلق به صلح بکشند. رومیان

بهترین طرز مصلح بودن این است که خود را از هراس برکنار داریم. لریبکن

تاریخ فقط تصویر جنایات و تیره بختیهای بشر است. ولتر

جنگ قانون ابدی زندگی است و صلح راحت باش میان دو جنگ است. نیچه

برای کشتن پشه شمشیر لازم نیست. مثل افریقائی

جنگ کشتارگاه کسانی است که همدیگر را نمی شناسند برفع کسانی است که یکدیگر را می شناسند ولی همدیگر را نمی کشند.

جنگ روی جنگ تغذیه می کند. ناپلئون

در جنگی که به مغلوبیت خاتمه یافته است تلفات نفوس چندان اهمیت ندارد، بزرگترین مصیبت عبارت از سستی و ناامیدی افرادی است که باقی مانده اند. فردریک کبیر

خانه ات را برای ترساندن موش آتش زن. مثل فرانسوی

در تمام شرایط در تمام اوقات در پهلوی دوست نزدیک دشمن در جمع خانواده اگر بخواهیم به کارهای دیگران ایراد بگیریم و خود را ناراحت کنیم همیشه بهانه موجود است. غ.ذ

در عشق و جنگ هر کاری رواست. مثل اروپائی

روزگاری فراخواهد آمد که در آن روزگار فتوحات بدون توپ و سرنیزه تحصیل خواهد شد. ناپلئون

در باغ صلح درخت تجارت میوه می دهد.

ریشه نزاعها شوخیهای جدی است همچنانکه ریشه بیماری سرفه است.

راه گریز را بیش از ستیز باید جست. ناپلئون

سنگر و موانع مستحکم را لیاقت و غیرت و شجاعت فرمانده آن دفاع می کند، نه استواری و متانت بنا. فردریک کبیر

طلا فلز گنهکاریست زیرا در طی تاریخ آن همه خون بر سر آن ریخته شده است.

شاید اخلاقیون این اندیشه را مالیخولیائی بیش ندانند که امروز صلح تکیه گاهی جز ترس متقابل ندارد. چرچیل

کسیکه در جنگ به طالع متکی نیست از همه لایقتر است. فردریک کبیر

سه ربع عملیات ارتش را نیروی روحی و یک ربع آن را قوای جسمانی و مادی تشکیل می دهد. ناپلئون

کسیکه در برابر مورچه عاجز است بیهوده به جنگ فیل نمی رود. مثل فرانسوی

ما برای صلح شایستگی نخواهیم داشت مگر روزی که ارباب قدرت حرص و طمع بس کنند و ضعیفان دلیری و گستاخی بیاموزند. تاگور

مرد جنگی برای دولت بهترین و مناسب ترین سفیر و سیاست مدار بشمار میرود. کرامول

مطمئنا افراد بشر حاضر نیستند که همگی بطور تساوی از گرسنگی بمیرند و یقینا برای آخرین تکیه نانی که می ماند و باید تقسیم شود نزاع شدیدی در خواهد گرفت. چرچین

مرد شکست خورده طالب جنگ بیشتر است. مثل فرانسوی

نابود شدن نفوس بشری هنگام جنگ موجب آن می گردد که یکی از طرفین جشن هایی بزرگ برپا کند. بایرون

نگاهداری صلح وظیفه اش مهمتر از فرمانده جنگ است.

وقتی انسان بیری را بکشد، اشمش را ورزش مردانگی می گذارند ولی وقتی بیری انسانی را بدرد اسم این کار را توحش و آدمخواری می نهند اختلاف جنایت و عدالت هم در قاموس بشر از این بیشتر نیست. برنارد شاو

وقتی یک قطره خون بر زمین ریخت قطرات بیشتری را بطرف خود می کشد. مثل یونانی

هر که با دشمنان و دوستان صلح کند سر آزار دوستان دارد.

هر که با مردم منازعه بسیار کند انسانیت و مروتش زائل شود. بوعلی سینا

هر اندازه فداکاری ما در جنگ زیادتیر و دشوارتر باشد تاج افتخار که از آن حاصل می شود باشکوه تر خواهد بود. روزولت

همکاری در جنگ آسانتر از اتفاق در صلح است.

میدان جنگ فرصت مطالعه به کسی نمی دهد هرکس هرچه می داند باید بکار برد. جواهر لعل نهرو

همیشه مهمترین عامل جنگ ترس از جنگ و تصور وقوع آن بوده است.

یک وزیر جنگ خائن بطش از صد لشگر دشمن به انحطاط و ضعف کشور کمک می کند و یک رئیس فرهنگ گنج بهتر از صد دستگاه تبلیغاتی خصم به نادانی و جهل جامعه خدمت می کند. محمد مسعود

جوانی

افسوس که جوان نمیداند و پیر نمیتواند. حجازی

ازآغاز جوانی بوسیله ورزشها، زورمندی و تندرستی را برای روزگار بیری انبار کنید تا در پایان عمر سست رای و سست کافر و فرسوده نشوید.

از سولون فیلسوف آتن پرسیدند که راز نیرومندی و جوان ماندن تو چیست؟ جواب داد راز جوانی من در این است که هر روز چیز جدیدی یاد می گیرم. سولون

اگر میخواهی زیاد عمر کنی در جوانی پیر شو. مثل اسپانیائی

افراط‌هاییکه در جوانی کرده و می کنیم ، وامی است که باید، در روزگار پیری آنرا ادا کرده و آنچه از بدن در روزگار جوانی تلف کرده اید در دوران کهولت آرزومند نباشید. فرانسیس بایگون

اگر جوانان دانش و پیران قوت داشتند همه چیز روبراه میشد. مثل ایتالیایی

اگر جوان را از عشق منع کنید، چنان است که مریض را از کسالتش سرزنش دهید. دوکلوس

اگر مردی خیلی شکسته پیر است تقصیر از زنش میباشد. مثل روسی

مباش چنانچه ارسطالپس میگوید جوانی نوعی جنون است. قابوسنامه

با زر خیلی کارها را میتوان انجام داد ولی جوانی را نمیتوان خرید. رایموند

اگر دنیا از وجود جوانان خالی شود ماتمکده تاریکی بیش نیست، اما این را هم باید گفت که جهان بیوجود پیران جز حیرت و سرگرانی حاصلی ندارد. کرلریچ

بدبختی و خوشبختی ایام پیری، عصاره اعمال گذشته است. بنت بود

اگر نسل جوان نمیدانده بکجا میرود، نشانه اینست که با پدران خود فرقی نکرده است.

برای شب پیری در روز جوانی چراغی باید تهیه کرد. بلو تارک

با گذشت زمان مردمان حکیم نمیشوند ، تنها مردمان سالخورده از آنها پدید میآید. مثل فرانسیسوی

بهترین کارها اینستکه در جوانی دانش اندوزی و در پیری بکار بری. بوذر جمهر

بسیاری از مردم سعادت و شوکت روزگار پیری خود را به سختیها و مشقات روزگار جوانی، مدیون هستند. ناپلئون

با چوبهایی که در جوانی گرد آوری در پیری گرم خواهی شد. مثل آفریقائی

بهره یابی از نعمت های معنوی، محدود به هیچ سن و هیچ سرشت و نهادی نیست. سعید نفیسی

بروی شانه های جوان نمیتوان سرپیر گذاشت. مثل آفریقائی

پیری بیمارستانی است که تمام امراض را درون خود جای میدهد. مثل آلمانی

جوانی نیز مانند پاکترین و بهترین عشقها سرانجامی ندارد. گوته

جواني مخلوطي است از غرور و نشاط، ولي پيري خوابي است از الهام و خاطرات.
شيلر

جواني بهار آرزوهاست. ديكنز

جواني سليقه و ذوق خود را با گرمي خويش عوض ميکند، پيري آنرا با عادت نگاه
ميدارد. لاروشفوکو

جواني دنباله بچگي است. شاو

جواني اشتباه است ، کهولت مبارزه و پيري پشيماني. ديسرائيلي

جواني دوره ديوانگي و عشق و جرأت دلربا ترين، جلوه روح بشر است. کاظم زاده
ايرانشهر

جواني گره ايست که رشته طفوليت را بکهولت مي بندد. دوکلوس

جواني ستاره ايست که فقط يکبار در آسمان عمر طلوع ميکند. ژوبرت

جواني جرعه ايست فرح انگيز ولي حيف که به پيري آميخته ميشود. شکسپير

جواني فصل خطرناک زندگي است. بايرون

درد پيري انحطاط روحي و جسماني آن نيست بلکه بار خاطرات آن است. سامرست
موام

جواني مستي دائم است و تب. عقل. لاروشفوکو

در جواني عاطفه بر عقل غلبه دارد، و در دوره سالخوردگي عقل بر عاطفه غلبه ميکند.
از کتاب خداوند الموت

در حضور پير مرد روا نباشد که با جوان مشورت کني. مثل آفريقائي

راستي که پيران جوان و جوانان پير در دنيا بسيارند. اسمایلز

سالخوردگي فرمانرواي جباري است که خوشيهاي جواني را از ترس مرگ برآدمي
حرام ميکند. لاروشفوکو

فرزند بزرگترين دلخوشي ايام پيري است، اما خيلي زود سبب پير شدن ميگردد.
کوفمان

سالخوردگي با اندازه کافي زشتي دارد، نبايد رذيلت هم بر آن افزوده شود. کاتو

قاتل پیر مردان آشپز خوب و زن خوشگل است. مثل فرانسوی
گناهان روزگار جوانی را میتوان درسیمای پیری خواند. مثل آفریقائی
محبوبه یک پیرمرد بودن بهتر است تا کنیز یک مرد جوان بودن. مثل انگلیسی
من همه چیز خود را بگرسنگی ها و مشقات ایام جوانی مديونم. ناپلئون
هیچ مرد فرزانه ای آرزوی آنرا نمیکند که جوانتر باشد. سویت
هرکس آرزو دارد که عمر درازی پیدا کند ولی هیچکس دوست ندارد که پیر شود.
سویت

آرزو - امید

آرزو و اندیشه حیات ماست. اگر چه این ریشه حیات ما را بتدریج میسوزاند، ولی همین
ریشه مایه زندگیست. نیلی

افسوس که پیش بینی های بشر درکارآینده قطعی الوقوع نیست وحتی درباره یکی
از آنها هم
نمیتوان بطور صریح و ثابت حکم نمود. و بسا که یک عمر آرزودر یک لحظه نابود گردیده
است. نظام وفاکاشانی

آرزو کردن چقدر شغف انگیز است. اما وقتی به آرزو رسیدیم شغف از درون ما رخت
برمییندد. نیچه

اطراف و جوانب هرمشکلی را بدقت ملاحظه کنید و از خود بپرسید ، طبق قانون
بطور متوسط چند درصد این چیزیکه شمارا نگران کرده ممکن است اتفاق افتد. دیل
کارنگی

آماده شدن برای دستگیری از پیران ، و وفاداری درباره دوستان و مهر ورزیدن بمردم
آرزوی من است.
کنفوسیوس

اگر روزگاری شأن و مقامت پائین آمد ناامید مشو زیرا آفتاب هرروز هنگام غروب پائین
میروود تا بامداد روزدیگر بالا بیاید.
افلاطون

آن توقع و آرزوعاقلانه است که ازدست خودمان برآید. حجازی

آینده ها بنظر بزرگ جلوه میکنند اما وقتی که گذشتند می فهمیم که ناچیز بوده اند .
مترلینگ

آینده متعلق بکسان نیست که در آرزوی آن هستند و بدان ایمان دارند.

از آرزوهای دور و دراز دوری نمائید چه جز خستگی روح و ملال خاطر باروبری ندارد. ولتر

آنکه امید را ازدست میدهد، خیلی چیزها را ازدست میدهد. مثل اسپانیولی

از دست دادن امیدی پوچ و آرزویی محال خود موفقیت و پیشرفت بزرگی است. شکسپیر

اگر روزگاری شأن و مقامت پائین آمد ناامید مشو زیرا آفتاب هرروز هنگام غروب پائین می‌رود تا بامداد روز دیگر بالا بیاید. افلاطون

اگر میخواهید پیروز شوید امیدوار باشید.

اگر از انسان امید و خواب گرفته شود بدبخت ترین موجود روی زمین میشود. کانت

اگر کسی در راه رسیدن آرزو قدم بردارد، دائماً از لذت وصال برخوردار است.

اگر میخواهی خوشبخت باشی جز آنکه برایت مهیاست آرزو مکن. لارشفوگوله

اگر «فقط» را باعث امیدواری و استقلال خود میدانید هرگز به آرزوی خود نخواهید رسید. هنری فورد

اگر مایوس باشید فقط هدف را باخته اید، ولی آدم مردّد هم هدف و هم زمان را میبازد.

اگر تاکنون به نصف آرزوهایتان رسیده اید ، بدون تردید زحمت شما دوبرابر شده است. ایبسن

امید سرابی است که اگر ناپدید شود همه از تشنگی خواهیم سوخت. حجازی

امید نان روزانه آدمی است. تاگور

امید عافیت و نیکوئی، آخرین و بهترین کامرانی های آدمی است.

امید، غذای روزانه بیچارگان است. هرشل

امید دارویی است که شفا نمی دهد اما درد را قابل تحمل میکند. مارسل آشار

امید ما درایمان است. لاندور

امید و آرزو آخرین چیز است که دست از گریبان بشر برمی‌دارد. روسو

امید در زندگانی بشر آنقدر اهمیت دارد که بال برای پرندگان، هوگو
امید رفیق تیره بختانی است که از دست ساقی دهر جرعه ی بی مهري نوشیده اند.
اعتصام الملک
امیال رشک آمیز مانند رنگ روح را میخورد. دیوژنش
امروز مردم بامیدهای موهوم و استفاده های آنی بهم نزدیک و بواسطه توقعات بیجا و
گمانهای باطل ازهم دور میشوند. نظام وفا
امید نصف خوشبختی است. مثل ترکی
انسان بوسیله برآوردن تمایلات خود نمیتواند بلذت و شادکامی برسد. بلکه در صورتی
میتواند بان سرچشمه راه یابد که پا برسر این تمایلات بگذارد. آندره ژید
انسان درعین نومیدی امیدوار است. اعتصام الملک
یا آرزو و امید پیروزی . یا مرگ و نیستی. برای انسان آرزو و امید همچو آب برای ماهی
است. غ. ذ
ای امیدهای دوره زندگی اگر شما نبودید و بروی این حیات پر از مصیبت تبسم
نمیکردید بشر چگونه زنده میماند.
این جمله کوتاه حاوی جمیع نصایح است؛ امیدوار باش، امید بشر مثل بال برای
پرندگان است. هوگو
ایده آل اندیشه هائیسست که تحقق آنها مربوط به مبارزه است. ادی زیریل
برای همه کس خوشبختی یک معنی بیشتر ندارد! رسیدن به آرزوی موهوم. سعید
نفیسی
ایده آلهای ما پاکتر از ماهستند. آلکوب
ایده آل انسان، انسانیت است.
ایده آل نیروی شگرفیست که دنیا را زنده نگاه میدارد.
باید اعتراف کنیم که منبع بدبختی مادیائی است که در سینه داریم نه دنیائی که مارا
احاطه کرده است، غلباً آرزو میکنیم که از بدبختی و فلاکت درامان باشیم و درعین حال
پای خود بطرف ورطه بدبختی میرویم . لرد آویبوری
بامید فکر و کوشش خود باشیم نه بانتظار بخت و اتفاق. حجازی

باید هوش و مهارت خود را بکار ببریم، چیزیکه دیروز غیرممکن بود امروز دشوار است، فردا باخوشی و رضایت قبول خواهد شد.

ایده آل پیشاهنگ هوش است. مان

بدبختی عبارت است از اینکه ندانیم چه آرزویی داریم و برای رسیدن به آن هزار جور مشقت را تحمل کنیم. موریل اولاکس

برای رسیدن به آرزویی باید دهها آرزوی دیگر را سربرید.

برای تحقق آرزوتو، خواه امیر باشی خواه گدا، در برابر طبیعت فرق نمیکند و برای همه یک بها معین شده است و آن فداکاری و از خود گذشتگی است. دکتر ماردن

بزرگترین امید آنست که امید را به قصد کشت کتک بزنیم. جان اشتنیک

بسا اتفاق میافتد که در جستجوی یک سعادت خیالی برمیآییم و خود را گرفتار هزاران مصیبت واقعی مینمائیم. ابوالعلا

بهترین وسیله برای فتح و پیروزی انسانی امیدوار است. اگر میخواهید پیروز شوید امیدوار باشید.

بشر وقتی در خانه اش نشسته است خواهان حادثه ای در زندگی و هنگامیکه دچار حادثه ای میشود طالب زندگی آرام در خانه است. وایلر

بیم و امید ازم جدا شدند نیستند، امید بدون بیم و بیم بدون امید وجود ندارد. لارشفوکوله

تنها یک امید و یک هدف همگی ما را تحت تسلط خود در آورده است و آن اینستکه هرطور شده خود را به بهشت تحملي و بیهودگی و لذت برسائیم و بخاطر آن روح را بکشیم و جسم را خوار کنیم. بالزاک

تصور همیشه بر پایه امید است، تا وقتی که احساس میکنیم امیدواریم.

تا رمقی از جان باقیست، امیدی هست. مثل انگلیسی

چرخهای سنگین و زنگ زده زندگی با دستهای نامرئی امید می چرخد. دکتر ناصرالدین صاحب الزمانی

چه باید کرد؛ ای انسانها؟ باید رنج ببریم. لب فرو بندیم، ستایش کنیم! امیدوار باشیم و بمیریم. کنفوسیوس

چون زندگی ما دریاست، امید به لنگر گاهی تشبیه شده است که در مواقع طوفانی بدان پناه میبریم تا بتوانیم بر روی پای خود بایستیم. پول بیل

حتی با پیران نیز امید بگور نمی‌رود، زیرا هرچند مسیر آن با مرگ طبعاً متوقف می‌گردد لیکن اینجاست که امید تخم می‌گذارد، باز امید می‌رود. شیلر

حیات بی امید، همدوش و همسفر ممت است. اعتصام الملک

خداوند وقتی می‌خواهد کسی را فاسد سازد، او را به همه آرزوهایش می‌رساند. اسکار وایلد

خدا امید و خواب را برای جبران غم‌های زندگی بما ارزانی داشته است. ولتر

خوشبختی این است که انسان دنیا را همانطور که آرزو میکند ببیند.

خوشبختی در این است که شخص بداند چه می‌خواهد و آنچه را آرزو دارد مشتاقانه بخواهد. فیلیپ ماریسر

خداوند وقتی می‌خواهد کسی را فاسد سازد، او را به همه آرزوهایش می‌رساند. اسکار وایلد

خدا امید و خواب را برای جبران غم‌های زندگی بما ارزانی داشته است. ولتر

خوشبختی این است که انسان دنیا را همانطور که آرزو میکند ببیند.

خوشبختی در این است که شخص بداند چه می‌خواهد و آنچه را آرزو دارد مشتاقانه بخواهد. فیلیپ ماریسر

خوشبختی وجود ندارد و ما خوشبخت نیستیم، اما می‌توانیم این حق را به خود دهیم که در آرزوی آن باشیم. آنتوان چخوف

ادامه آمال و آرزوی انسان انتهائی ندارد، سعادت‌مند کسیکه بافکار بی اساس و ایده آل های بی معنا دل نبندد

دست طبیعت امیدهای انسان را در هیچ حدود و ثغوری محصور نساخته است و آرزوهای بشری هرگز حدی نمی‌شناسد. کندورسه

درصد مباح کاری کنی که چیزهاییکه برایت پیش می‌آید آنگونه پیشامد کند که تو آرزو داری بلکه چیزهایی را که پیش می‌آید آنگونه که هستند آرزو کن در اینصورت آرامش خاطر خواهی یافت. اپیکته، توس

دنیا بامید برپاست و آدمی بامید زنده است. امثال و حکم دهخدا

راه زندگی پر از موانع و مشکلات است، تنها کسی می‌تواند از این راه پرخطر عبور کند که روحش از امید لبریز باشد و نومی‌دی دروئی نفوذ نکند. لرد آویبوری

زیاد زیستن تقریباً آرزوی همه میباشد، ولی خوب زیستن آرمان یک عده معدود. ج. هیوز

راستی اگر احلام و رویاهای مارا از ما میگرفتند ، چگونه میتوانستیم حقایق ملال انگیز این زندگانی مسکین و پست را تحمل کنیم.

سراب امید هرچند مارا میفریبد، اقلأ دوره زندگی مارا بخوشی به آخر میرساند. هامرلینگ

عاملیکه این گونه زندگی را بر ماغم انگیز ساخته پیری و پایان لذتها نیست بلکه قطع امید است. شکسپیر

شهوات و امیال چون نسیمی هستند که در بادبان کشتی افتاده بحرکتش میآورند، صحیح است که افراط آن سبب غرقش میشود لیکن بی وجود آن کشتی را یارای حرکت نیست.

هرچیز در این جهان خطرناک و درعین حال لازم است. ولتر

قدرت شگرف نیروهای خلاقه و استعدادهای نهفته آدمی هنگامی نمایان میشود که احتیاج مبرمی قوای اوار بفعالیت وادارد و کشش آرزوئی سراپای وجودش را به تقلا وا دارد. ابراهام لینکلن

عده ای از مردم در زندگی بمرحله ای میرسند که ظاهراً تمام منابع قدرتشان بپایان میرسد و نقطه امیدی درزندگیشان باقی نمیماند، درحالیکه در وجود آدمی منابع قدرت عظیمی پنهان است که هرگز مورد استفاده قرار نگرفته است. دیل گارنگی

کسیکه امیدواری را وسیله معاش خود قرار بدهد، احتمال دارد از گرسنگی بمیرد. فرانکلین

کسیکه هرگز متوقع و امیدوار نیست ، هرگز روی نومیهدی و خلاف انتظار نمی بیند. برنارد شاو

کسیکه به امید تحصیل شهرت پیرو فضیلت و تقوا میگردد خیلی نزدیک بفسق و فساد قرار دارد. ناپلئون

گذشته مکان یادگارها ، آینده مقام امیدها و حال جایگاه تکلیفها است. رشید یاسمی

کسیکه به طرف جلو نگاه نمیکند عقب میماند.

ما نباید امیدوار باشیم که دنیا قوانین و نظامات و مناظر و آثار خود را برای خشنودی ما تغییر بدهد زیرا او هرگز تغییر نمی نماید، بلکه این ما هستیم که تغییر میکنیم و اگر روزی ازمحیط کنونی خارج شدیم احتمالاً آنرا طور دیگر خواهیم دید. مترلینگ

گریه چرا؟ فتح را آرزو کنید. استفن گرین

ماه‌مه کودکانی هستیم که چون در خواب میرویم رویای سعادت می بینیم و چون بیدار میشویم بجز تیره روزی تعبیری نمی یابیم . ولتر

مانند سایه ها هرچه خورشید زندگی و عمر بیشتر رو بغروب می نهد، آرزوهای مادورتر و درازتر میگردند. دکتریانگ

متانت ریشه امید است و امید کلید کامیابی. ایرانشهر

مردم بینوا و تیره بخت درمانی جز امید ندارند. شکسپیر

مگسی میگفت کیست من را به غسل برساند و دو درهم مزد بگیرد ، چون بعسل میرسد، در آن فرو میرود ، آنگاه میگوید کیست که مرا از این مهلکه نجات دهد و من به او چهاردرهم مزد بدهم.

مقصرترین مردم کسانی هستند که روح مأیوس دارند. ناپلئون

من تمام توفیق های خود را مرهون امیدهایی هستم که در دوران جوانی در قلب خود پرورش میدادم. ناپلئون

مأیوس مباش زیرا ممکن است آخرین کلیدی که در جیب داری قفل را بگشاید.

موقعیت از آن کسانی نیست که هرگز دچار ناکامی نمیشوند بلکه متعلق به آنهایی است که هرگز از تجدید مبارزه بیم و هراسی ندارند. هانری فاکپ

نا امیدی نخستین گامی است که شخص بسوی گور برمیدارد. ناپلئون

میتوانم با گفتن و اندیشیدن خود را فریب دهم و تقریباً باور کنم که امیدی دارم و همین خود را راه زندگی توشه ایست.

وقتی با دوستان بسر میبریم دیگر آرزویی نداریم. لابرویر

وقتی اسکندر کبیر به تخت سلطنت مقدونیه نشست ، هرچه املاک و اراضی از پدرش به ارث برده بود بین دوستانش تقسیم کرد، پیرو مکاس ا زاو پرسید پس برای خودت چه نگاه خواهی داشت؟ در جواب گفت، امید که بزرگترین دارائی و تملک انسان است. اسمایلز

ویکتور هوگودر پانزده سالگی روی دفتر یادداشت خود نوشته بود که من میخواهم شانزده سال باشم، یا هیچ نباشم سرانجام برتر از آن نویسنده نامدار شد. آرزوی ویکتور هوگو

وقتی میمیرم ، دلم میخواهد که مشتکی از خاکستر مرا به رود گنگ بیفشانید ... بقیه خاکستر مرا با هوا پیمائی به آسمان برده و بر مزارعی در خاک هند بپاشید ، که در آن دهقانان بکار مشغولند، باشد که خاکسترم چنان با خاک وطنم درهم آمیزد که جزء غیر قابل تشخیصی از آن باشد.

از وصیت نامه نهر و که بعد از مرگش عملی شد.

هرچه کمتر آرزو داشته باشید محرومیت‌های شما کمتر است. پلوتارک

هروقت در آسمان حیات خود قطعه‌ای ابری مشاهده کردیم نباید همه چیز را سیاه و
ظلمانی پنداریم و بایستی متوجه آفتاب و روشنایی کامل هم که در پس آن ابرهای
موقت موجود است بشویم. اسمایلز

هر روز بلندی را، پایانی است. مثل آمریکائی

حرص و طمع

آنقدر برمال دنیا حریص مباش که از مفقود شدنش انده‌ناک نشوی. سقراط

تا میتوانی از درخواست خودداری کن.

اشخاص حریص هیچوقت راضی نمیشوند و کاسه چشم آنها جز بوسیله خاک گور پر
نمیگردد.

هیچ آزمندی نیست که آزاد باشد. قباد شهریار

بعضی‌ها گمان میکنند که فکر آنها وسیع است در صورتیکه این دامنه حرص و آز
آنهاست که وسعت دارد.

هیچ چیز مانند دامنه حرص انسان لاتین‌های نیست. سعید نفیسی

گرسنه چشم از تنگ‌های گیتی نرهد تا جان ندهد. سید علی اکبر برقعی قمی

فرونشاندن نخستین خواهش آسانتر از ترضیه خواهش‌هایی است که بدنبال آن می‌آید.
روش‌فوکو

عداوت از سه چیز ناشی میشود طمع در جمع مال طمع در اینکه همه او را گرامی
دارند طمع در آنچه میگوید همه قبول کنند.

سه قدرت عظیم در جهان حکومت میکند حماقت، ترس، حرص. انیشتین

عزت، سروری و بزرگواری در قناعت است و در یوزگی و فقر و ذلت و خواری در طمع.

ازدواج

ازدواجیکه به خاطر پول به وجود آید، برای پول هم از بین می رود، رولاند

از سقراط دانشمند نامی پرسیدند، ازدواج خوب است یا بد، جواب داد در هر دو حال موجب پشیمانی است. سقراط

ازدواج مثل مغز بادام است که تا نخورده ای نمیدانی تلخ است یا شیرین .

ازدواج مثل اجرای نقشه جنگی است که انسان یک مرتبه اشتباه نماید کارش تمام شده و دیگر جبران آن به هیچ صورت نمی شود . بورنز

ازدواج کتابیست که فصل اول آن بنظم است و بقیه فصول به نثر. پورلی نیکو لاسر

ازدواج انقدر که محتاج تدبیر است . نیازمند صراحت قول و بی پردگی گفتار نیست. دیل کارنگی

ازدواج همیشه به عشق پایان داده است . ناپلئون

ازدواج کنید ، به هر وسیله ای که میتوانید ، اگر زن خوبی گیرتان آمد. بسیار خوشبخت خواهید شد ، و اگر گرفتار یک همسر بد شدید فیلسوف از اب در خواهید آمد و این برای هر مردی خوب است . سقراط

اگر میخواهید خانواده ای شاد و نیکبخت داشته نسبت بز ن خود سراپا عنایت و توجه شوید و ادب نگاهدارید. دیل کارنگی

ازدواج مثل شهر محاصره شده است . کسانیکه داخل شهرند ، سعی می کنند از آن خارج، و آنهایی که خارج هستند ، کوشش دارند که داخل شوند. فرانکلین

اگر از طبقه بالا زن بگیری ، بجای خویشاوند ارباب خواهی داشت. کدئوپول

اگر کسی همسر خود را بصورتیکه ارزش دارد انتخاب نکند ، دو نفر را بدبخت کرده. حجازی

اگر میخواهید توافق نظر در خانه شما باقی بماند از ملامت و ستیزه بپرهیزید. دیل کارنگی

اگر یکنفر روانپزشک ادعا کند پیشتر اختلافات زناشوئی مولود ناکامیهای جنسی نیست خیلی نادان است، بطور کلی اگر زن و مرد در زندگی جنسی از یکدیگر کامیاب و خوشنود شوند اختلافات و ناراضیهای دیگر زندگی را نادیده خواهند گرفت. دکتر هامیلتون

اگر زنی به شما گفت ،ای بابا دیگر از من گذشته بدانید که منتظر است شما فوراً درصدد اعتراض برآیید.

انسان بر اثر نداشتن حوصله کارش بطلاق میکشد و بر اثر نداشتن حافظه دوباره ازدواج میکند. مارسل گرانشو

انتخاب پدر و مادر در درست خود انسان نیست ،ولی انتخاب مادر زن و مادر شوهر در دست خود انسان است.خانم پرل پاک

ازدواج بمشابه هندوانه است که گاهی و چه بسا که بسیار بد باشد. مثل اسپانیولی

ازدواج پدیده ایست برای تکامل مرد. مثل سانسکریت

ازدواج زودش اشتباه بزرگی و دیرش اشتباه بزرگتری است. مثل فرانسوی

اگر اختیار شوهرت را در دست بگیری اختیار شکمش را در دست بگیری. مثل اسپانیایی

اشتهای زن دو برابر اشتهای مرد است ،هوش او چهار برابر و هواسهای او هشت برابر. مثل برمانی

اگر زنی خواست که تو بخاطر پولت دامد شوی،عروسی کن وپولت رااز او دور نگاه دار. مثل ترکی

با شوهر خود نیز مثل یک کتاب رفتار کنید،فصل های خسته کننده رااصلاً نخوانید. سونی اسمارت

اول زناشوئی کن ،عشق خودش بوجود میآید. مثل انگلیسی

با زنی ازدواج کنید که اگر مرد می بود بهترین دوست شما میشد. بردون

با مصلحت دیگران از ازدواج کردن در جهنم زیستن است. شوپنهاود

برای اینکه همسر خود را بیشتر دوست بدارید،گاهی با او قهر کنید و سالی چند روز تنها بسفر بروید.

برای ازدواج بیش از جنگ رفتن شجاعت لازم است. گریستین

برای یک زندگی آرام و بدون مخمصه شوهر باید کرد و زن باید لال باشد.سروانتس

برای شوهر دانش لازم است ،برای زن نجابت. ژرژهربرت

بعد از یک سال که از مزاجت زن و مرد گذشت هیچکدام در فکر زیبایی صورت هم نمی افتند ،و بر عکس هر دو متوجه خلق و رفتار یکدیگر میشوند. اسمایلز

بهترین نگهبان سعادت در یک خانواده، عشق زن و شوهر نسبت بیکدیگر است. دومون لوزید

بموقع از جا برخاستن و در دوره جوانی تامل اختیار کردن کاریست که هرگز کسی، از انجام آن پشیمان نخواهد شد بویستر

با قرض اگر داماد شدي با خنده خداحافظي کن. مثل آلمانی

برای اینکه در ازدواج تجربه بدست بیاوری باید یکبار عروسی نمایی. مثل فرانسوی

برای یافتن زن خوب میارزد، که یک کفش بیشتر پاره کنی. مثل آفریقایی

پیش از ازدواج چشم‌ها را خوب باز کنید و بعد از آن کمی آنها را روی هم بگذارید. فرانکلین

تنها علاج عشق ازدواج است. ارت بوخونواله

تا وقتی که مرد عروسی نکرده او را غیر کامل می‌خوانند بنابراین معلوم می‌شود پس از ازدواج کار مرد تمام است. بوب هوپ

تاکی را از خاک خوب و دختر را از مادر خوب و اصیل انتخاب کن. مثل چینی

حسب و نسب زن و مرد از رفتاری که موقع پرخاش وجدال با هم میکنند معلوم میشود. شاو

خانه بدون زن عقیف، گورستان است. بالزاک

خانواده آموزشگاه رفتار و کردار است، لیخند و ترشروئی، مهربانی و بی‌مهری، وفا و بی‌وفایی، درستی و نادرستی، زیاده‌روی و صرفه‌جویی، همه را در این مکتب می‌آموزیم و عجب آنکه پس از سالها عمر و تجربه باز بسیاری از ملکات و عادات مزاحم ما نتیجه پرورش در خانواده است که نتوانسته ایم از خود دور کنیم. جان کایزل

دختر عاقل جوان فقیر را به پیر مرد ثروتمند ترجیح میدهد. مثل ایتالیایی

داماد زشت و با شخصیت به از داماد خوش‌صورت و بی‌لیاقت است. مثل لهستانی

داماد که نشدی از یک شب شادمانی و عمری بد اخلاقی محروم گشته‌ای. مثل فرانسوی

دو نوع زن وجود دارد، با یکی ثروتمند میشوی و با دیگری فقیر. مثل آفریقایی

زندگی زناشوئی یک کوشش متقابل و یک فعالیت متقابل است.

زناشوئی عبارتست از سه هفته آشنائی و سه ماه عاشقی و سه سال جنگ و سه سال تحمل. تن

زن گلی است که خارهای گزنده دارد.

زن و شوهر اگر یکدیگر را بخواهند در کلبه خرابه هم زندگی می کنند. مثل آلمانی

زن مطیع فرمانروای قلب شوهر است. مثل انگلیسی

زناشوئی غصه های خیالی و موهوم را به غصه نقد و موجود تبدیل میکند. مثل آلمانی

زن عاقل با داماد بی پول خوب میسازد. مثل ایتالیائی

شوهر باید مغز خانه و زن قلب آن باشد. سیروس

زنی سعادتمند است که مطیع شوهر باشد. مثل یونانی

عروسی های غیر متناسب مانند پارچه های ابریشمی و پشمی است که بالاخره ابریشم پشم را قطع خواهد کرد. بالزاک

عشق سپیده دم ازدواج است و ازدواج شاهگاه عشق. بالزاک

قبل از ازدواج درباره تربیت اطفال شش نظریه داشتیم ، حالا شش فرزند دارم ولی دارای هیچ گونه نظریه ای نیستم. لرد روچستر

هر چه عده متأهلین زیادتر گردد جنایت کمتر خواهد شد. ولتر

هر اجتماعی نیازمند به رهبری است، در خانواده رئیس شوهر است. ناپلئون

هر کس طالب بهشت در دنیا باشد باید سراغ خانه خودش را بگیرد.

هیچ چیز غرور مرد را مثل شادی زنش ارضاء نمی کند ، چون همیشه آنرا مربوط بخود میدانند. جونسون

هیچ چیز زیباتر و بهتر از زندگی مرد و زنی نیست که در کمال توافق فکری خانه خود را اداره میکنند.

هنگام ازدواج بیشتر با گوشه‌های مشورت کن تا با چشم‌هایت. مثل آلمانی

هیچ زنی در راه رضای خدا با مرد ازدواج نمی‌کند. مثل اسکاتلندی

یک زن خوب به آنچه که شوهرش علاقمند است علاقه نشان میدهد. دورنی کارنگی

شصت نکته شیرین درباره ی ازدواج

درباره ازدواج بسیار گفته و شنیده ایم. اما مطالبی که در زیر می آید شاید برای شما تازگی داشته باشد.

از میان ضرب المثل های ملل مختلف و همین طور سخنان شخصیت های بزرگ جهان پیرامون ازدواج شصت مورد را انتخاب کرده ایم. بسیاری از این حرف ها جنبه شوخی و مزاح دارد اما تعداد دیگری از آنها شاید وصف حال من و شما باشد! همین طور قسمت دیگری از این گفته ها می تواند برای عده ای حکم کلید راهنما را داشته باشد.

۱- هنگام ازدواج بیشتر با گوش هایت مشورت کن تا با چشم هایت.
(ضرب المثل آلمانی)

۲- مردی که به خاطر " پول " زن می گیرد، به نوکری می رود.
(ضرب المثل فرانسوی)

۳- لیاقت داماد ، به قدرت بازوی اوست . (ضرب المثل چینی)

۴- زنی سعادت مند است که مطیع " شوهر " باشد. (ضرب المثل یونانی)

۵- زن عاقل با داماد " بی پول " خوب می سازد. (ضرب المثل انگلیسی)

۶- زن مطیع فرمانروای قلب شوهر است. (ضرب المثل انگلیسی)

۷- زن و شوهر اگر یکدیگر را بخواهند در کلبه ی خرابه هم زندگی می کنند.
(ضرب المثل آلمانی)

۸- داماد زشت و با شخصیت به از داماد خوش صورت و بی لیاقت .
(ضرب المثل لهستانی)

۹- دختر عاقل ، جوان فقیر را به پیرمرد ثروتمند ترجیح می دهد.
(ضرب المثل ایتالیایی)

۱۰- داماد که نشدی از يك شب شادمانی و عمری بداخلاقی محروم گشته ای .
(ضرب المثل فرانسوی)

۱۱- دو نوع زن وجود دارد؛ با یکی ثروتمند می شوی و با دیگری فقیر.
(ضرب المثل ایتالیایی)

۱۲- در موقع خرید پارچه حاشیه آن را خوب نگاه کن و در موقع ازدواج درباره مادر عروس تحقیق کن . (ضرب المثل آذربایجانی)

۱۳- برای یافتن زن می ارزد که يك کفش بیشتر پاره کنی . (ضرب المثل چینی)

- ۱۴- تاك را از خاك خوب و دختر را از مادر خوب و اصیل انتخاب كن .
(ضرب المثل چيني)
- ۱۵- اگر خواستي اختيار شوهرت را در دست بگيري اختيار شكمش را در دست بگير.
(ضرب المثل اسپانيايي)
- ۱۶- اگر زني خواست كه تو به خاطر پول همسرش شوي با او ازدواج كن اما پولت را از او دور نگه دار . (ضرب المثل تركي)
- ۱۷- ازدواج مقدس ترين قراردادها محسوب مي شود. (ماری آمپر)
- ۱۸- ازدواج مثل يك هندوانه است كه گاهي خوب مي شود و گاهي هم بسيار بد.
(ضرب المثل اسپانيايي)
- ۱۹- ازدواج ، زودش اشتباهي بزرگ و ديرش اشتباه بزرگتر است .
(ضرب المثل فرانسوي)
- ۲۰- ازدواج كردن و ازدواج نكردن هر دو موجب پشيماني است . (سقراط)
- ۲۱- ازدواج مثل اجراي يك نقشه جنگي است كه اگر در آن فقط يك اشتباه صورت بگيرد جبرانش غير ممكن خواهد بود. (بورنز)
- ۲۲- ازدواجي كه به خاطر پول صورت گيرد، براي پول هم از بين مي رود. (رولاند)
- ۲۳- ازدواج هميشه به عشق پايان داده است . (ناپلئون)
- ۲۴- اگر كسي در انتخاب همسرش دقت نكند، دو نفر را بدبخت كرده است .
(محمد حجازي)
- ۲۵- انتخاب پدر و مادر دست خود انسان نيست ، ولي مي توانيم مادر شوهر و مادر زنمان را خودمان انتخاب كنيم . (خانم پرل باك)
- ۲۶- با زني ازدواج كنيد كه اگر " مرد " بود ، بهترين دوست شما مي شد . (بردون)
- ۲۷- با همسر خود مثل يك كتاب رفتار كنيد و فصل هاي خسته كننده او را اصلاً نخوانيد . (سوني اسمارت)
- ۲۸- براي يك زندگي سعادت‌مندانانه ، مرد بايد " كر " باشد و زن " لال " . (سروانتس)
- ۲۹- ازدواج بيشتر از رفتن به جنگ " شجاعت " مي خواهد. (كريستين)
- ۳۰- تا يك سال بعد از ازدواج ، مرد و زن زشتي هاي يكديگر را نمي بينند. (اسمایلز)

- ۳۱- پیش از ازدواج چشم هایتان را باز کنید و بعد از ازدواج آنها را روی هم بگذارید.
(فرانکلین)
- ۳۲- خانه بدون زن ، گورستان است . (بالزاک)
- ۳۳- تنها علاج عشق ، ازدواج است . (آرت بوخوالد)
- ۳۴- ازدواج پیوندي است که از درختي به درخت ديگر بزنند ، اگر خوب گرفت هر دو " زنده " مي شوند و اگر " بد " شد هر دو مي ميرند. (سعيد نفيسي)
- ۳۵- ازدواج عبارتست از سه هفته آشنایي، سه ماه عاشقي ، سه سال جنگ و سي سال تحمل! (تن)
- ۳۶- شوهر " مغز " خانه است و زن " قلب " آن . (سیریوس)
- ۳۷- عشق ، سپیده دم ازدواج است و ازدواج شامگاه عشق . (بالزاک)
- ۳۸- قبل از ازدواج درباره تربیت اطفال شش نظریه داشتم ، اما حالا شش فرزند دارم و داراي هیچ نظریه اي نیستم . (لرد لوچستر)
- ۳۹- مرداني که مي کوشند زن ها را درك کنند ، فقط موفق مي شوند با آنها ازدواج کنند. (بن بیکر)
- ۴۰- با ازدواج ، مرد روی گذشته اش خط مي کشد و زن روی آینده اش .
(سینکالویس)
- ۴۱- خوشحالي هاي واقعي بعد از ازدواج به دست مي آید . (پاستور)
- ۴۲- ازدواج کنید، به هر وسیله اي که مي توانید. زیرا اگر زن خوبی گیرتان آمد بسیار خوشبخت خواهید شد و اگر گرفتار يك همسر بد شوید فیلسوف بزرگی مي شوید.
(سقراط)
- ۴۳- قبل از رفتن به جنگ يکي دو بار و پیش از رفتن به خواستگاري سه بار براي خودت دعا کن . (يکي از دانشمندان لهستاني)
- ۴۴- مطیع مرد باشید تا او شما را بپرستد. (کارول بیکر)
- ۴۵- من تنها با مردی ازدواج مي کنم که عتیقه شناس باشد تا هر چه پیرتر شدم، براي او عزیزتر باشم . (آگاتا کریستی)
- ۴۶- هر چه متأهلان بیشتر شوند ، جنایت ها کمتر خواهد شد. (ولتر)
- ۴۷- هیچ چیز غرور مرد را به اندازه ي شادي همسرش بالا نمي برد، چون همیشه آن را مربوط به خودش مي داند . (جانسون)

- ۴۸- زن ترجیح می دهد با مردی ازدواج کند که زندگی خوبی نداشته باشد ، اما نمی تواند مردی را که شنونده خوبی نیست ، تحمل کند. (کینهابارد)
- ۴۹- اصل و نسب مرد وقتی مشخص می شود که آنها بر سر مسائل کوچک با هم مشکل پیدا می کنند. (شاو)
- ۵۰- وقتی برای عروسی ات خیلی هزینه کنی ، مهمان هایت را يك شب خوشحال می کنی و خودت را عمری ناراحت ! (روزنامه نگار ایرلندی)
- ۵۱ - هیچ زنی در راه رضای خدا با مرد ازدواج نمی کند. (ضرب المثل اسکاتلندی)
- ۵۲ - با فرض اگر داماد شدي با خنده خداحافظي کن . (ضرب المثل آلمانی)
- ۵۳ - تا ازدواج نکرده ای نمی توانی درباره ی آن اظهار نظر کنی . (شارل بودلر)
- ۵۴ - دوام ازدواج يك قسمت روي محبت است و نه قسمتش روي گذشت از خطا . (ضرب المثل اسکاتلندی)
- ۵۵ - ازدواج پدیده ای است برای تکامل مرد. (مثل سانسکریت)
- ۵۶ - زناشویی غصه های خیالی و موهوم را به غصه نقد و موجود تبدیل می کند . (ضرب المثل آلمانی)
- ۵۷ - ازدواج قرارداد دو نفره ای است که در همه دنیا اعتبار دارد. (مارک تواین)
- ۵۸ - ازدواج مجموعه ای از مزه هاست هم تلخی و شوری دارد. هم تندي و ترشي و شیرینی و بی مزگی . (ولتر)
- ۶۰ - تا ازدواج نکرده ای نمی توانی درباره آن اظهار نظر کنی. (شارل بودلر)

حافظه

آنچه را که با خوشی و لذت آموخته ایم ، هرگز فراموش نمیکنیم.

اندیشه های ما در غرفه های بیشمار دماغ با زنجیر ناپیدا به یکدیگر پیوسته اند، چون یکی از آنها بیدار شود هزار تاي دیگر نیز سربرمیدارد. پوپ

حافظه پرونده تخیل و گنجینه عقل دفتر ثبت وجدان و مخزن اندیشه است. بازیل

حافظه گنجینه ای است که باید در آن سرمایه گذرای کنیم تا بتوانیم کمکی راکه بآن نیاز داریم از آن دریافت کنیم.روو

حافظ گنجینه ذهنی است که یادگارهای آنرا درخود نگاه میدارد. فولر حافظه در آن هنگام که وظیفه اش نشان دادن گورهای آرزوهای بخاک سپرده شده ما است هرگز درانجام این وظیفه قصور نمیکند. درمیان ملکات ذهنی حافظه بیش از همه می شکفتد و پیش از همه می میرد. کولتون هر چه بیشتر بر بار حافظه بیفزاید حافظه تان قویتر میگردد و هرچه بیشتر بآن اعتماد کنید قابل اعتمادتر میگردد. توماس دوکوئین دروغگو حافظه ندارد.

خشم

بزرگترین داروی خشم صبر و درنگ است. سنگا تنبیه در هنگام خشم! صلاح نیست بلکه انتقام است. مونت نین اگر بر ناتوان خشمگین شوی دلیل بر این است که قوی نیستی. ولتر چیزی که جبران ناپذیر است خشم است. استاهل خشم معتدل شایسته مرد حکیم است. فیلون خشم را اول دیوانگی و آخر پشیمانی است. خشمگین شدن انتقام خطاهای دیگران را از خود گرفتن است. والتریوپ خشم یک کینه مکشوف و موقتی است ولی کینه یک خشم دائم و محفوظ. لابرور زمان دواي خشم است. مثل آلمانی سخنان آرام و ملایم خشم را فرو می نشانند. مثل یوگسلاوی کسیکه خشم خود را دنبال کند خود را ضایع کرده است. ابوالفضل بستنی کسیکه بر اعصاب خود حکومت ندارد شایسته نیست که بر کوچکترین پله نردبان سیاست قدم نهد. گوستا ولوبون هر چیزی تخمی دارد و تخم عداوت شوخی است.

کسی که عصبانی میشود باید دو کار انجام دهد یک بار عصبانی شود و یک بار عصبانیت را ترک گوید. مثل شیلی

مردمان غالباً نقص دلیل خویش را با خشم می پوشانند. آجر

نفرت همان خشم و غضب است که روی هم انباشته شده است. سیسرون

وقتی که عاقل خشمگین میشود دیگر عاقل نیست.

یک مرد عصبانی همیشه مملو از زهر است. کنفوسیوس

خیانت

استفاده از حاصل زندگی دیگران را نباید بحساب زندگی خود بدانیم. غ - ذ

بجایی که کوزه خودت را گذاشته ای سنگ پرتاب مکن. مثل آفریقائی

پای دیوار کندن و ساکت نشستن کارخردمندان نیست.

پادشاه را برخیاقت کسی واقف مگردان مگر آنکه برقبول کلی واثق باشی وگرنه در هلاک خویش همی کوشی. گلستان سعدی

جائی که نمک خوری نمکدان مشکن. ضرب المثل ایرانی

چرب زبانان اغلب نیتی ناپاک در قلب میپرورانند. ولتر

حیله و خیانت اغلب از اشخاص ناتوان سرمیزند. لارشفوگو

حتی بهترین چوب ممکن است گرفتار موریانه گردد. مثل آفریقائی

خطاهای بشری اول رهگذر و بعد میهمان و چندی نمیگذرد که صاحب خانه میشوند. ولتر

نگ برآنکه سود و جاه خود را در ویرانی دیگران بجوید.

هرکه خیانت ورزد دستش در حساب بلرزد.

دانش آموز

آدمی برای شک کردن آفریده نشده برای پرسیدن آفریده شده. یانگ

آموزگار واقعی کسی است که آنچه در یک روز یاد میگیرد بیش از آن بدیگران بیآموزد.
تن

ازهر ابلهی میتوان چیزی آموخت. حجازی

اساس آموزش و پرورش ساختن ماشین نیست، بلکه ساختن انسان است. پل ژانه
از محقق تا مقلد فرق هاست.

اگر امروز حتی یک کلمه از دیروز بیشتر بدانید مسلماً شخص دیگری هستید. چاحت
با اندیشه آشفته دانش آموختن درگرد بادآتش افروختن است. رومارسس

انسان همیشه محتاج به قویتر از خود میباشد که او را رهبری و حمایت کند. حجازی
بهترین معلومات ما آنهایی هستند که خود بشخصه فراگرفته ایم. رومارسس

بیاموزید بی آنکه شما را آموزنده بدانند. دیل کارنگی

تا فرمان نبری فرمانروائی نتوانی. کاظم زاده ایرانشهر

دانستن همه چیز امکان ندارد نمیتوان همه چیز را دید و همه چیز را فهمید. درژیون
تمرین انسان را استاد میکند. مثل آلمانی

در طبیعت و اخلاق انسانی هیچ ضعف و انحرافی نیست که با تعلیم مناسب اصلاح
نشود.

شتاب دریادگرفتن مثل این است که ازپی کسی بدوی وبه او نرسی و بترسی که او
را از منظر چشمت گم کنی. کنفوسیوس

شناکردن را در عمیق ترین نقطه یاد بگیر. مثل افریقائی

کسیکه اندرز ارزان را رد کند طولی نمیکشد که پشیمانی را باقیمت گرانی خریداری
خواهدکرد. مثل فرانسوی

فهمیدن همیشه بهتر از آموختن است. گوستاولویون

کسی بهتر از درسش استفاده میکند که آنرا تکرار میکند نه آنکه آنرا حفظ میکند.
مونتن

کران واقعی کسانی هستند که نمیخواهند بشنوند. مثل افریقائی

من همیشه میل دارم از اشخاص نجیب پیروی کرده و از آنان چیز بیاموزم. شکسپیر

من شخصاً دوست دارم بیاموزم اگر چه همیشه نفرت دارم از اینکه بمن بیاموزند.
چرچیل

معلوماتیکه در کودکی فرا گرفته میشود مانند نقش درسنگ پایدارباقی میماند. مثل
تازی

ممکن است مردیکه دائم سئوال میکند ابله بنظر برسد، ولی کسیکه هرگز سئوال
نمی کند درتمام عمر ابله باقی میماند. لوئی پاولز

دشمن

آن اندازه که ما خود را فریب میدهیم و گمراه میکنیم هیچ دشمنی نمیتواند. حجازی

آنکه از دشمن داشتن میترسد، هرگز دوست واقعی نخواهد داشت. هزلت

آنکه گرگ می پرورد، درحقیقت دشمن را تقویت میکند. مثل دانمارکی

آنکه نمیتواند با خودش دوست و همصحبت باشد دراین دنیا غریب است. حجازی

اگر تو را دشمنی باشد دلتنگ مشو که هرکه را دشمنی نباشد بیقدر و بها باشد.
قابوسنامه

از کسیکه دلت او را دشمن دارد برحذر باش. سقراط

اگر میخواهی رازی را از دشمنان پنهان بداری آنرا هرگز بدوستانت فاش مکن.
فرانکلین

اگر نتوانی دوست پیدا کنی ، دشمن برای خود متراش. مثل یونانی

بدوستان خود خوبی کن محبتشان نسبت به تو بیشتر میشود و بدشمنان خوبی کن
تا دوست شوند. تولستوی

بآتش دشمنی دیگران دامن مزن. مثل چینی

با همه کس دوستی مکن زیرا مجبور میشوی صداقت نداشته باشی. بیتا گرای

پیش تمام دشمنان به نزدیک ترین دشمن خود که زبان است، توجه داشته باش.
سقراط

پنجاه دوست دارید، این کافی نیست، یک دشمن دارید، بسیار زیاد است. مثل
ایتالیایی

جهد کن دوست پیدا کنی، دشمن دم دست است. مثل ترکی

تازه رسیده ای که ابراز صمیمیت کند، بعید نیست دشمن باشد.

خطرناکترین دوست ما عزیزترین دوست ماست ، زیرا رازهای ما با اوست.

درانتخاب دوست میتوان دقت کرد ولی دشمن را بخوبی نمیتوان تشخیص داد.
اسکاروایلد

هرکه با بدان نشیند، اگر طبیعت ایشان را هم نگیرد، بطریقت ایشان متهم گردد.
سعدی

دشمنان را دوست بدارید زیرا باسانی عیبهای شما را یک بیک می شمارند. فرانکلین

دشمنی کسی را دردل راه مده که ترا همیشه غمگین دارد. ارسطو

دوست را زود دشمن توان کرد، اما دشمن را دوست گردانیدن دشوار بود. قابوسنامه

دشمن اگر چه خرد باشد خوار مدارید

دشمن ضعیف که درطاعت آید و دوستی نماید مقصود وی جز آن نیست که دشمنی
قوی گردد. سعدی

سوراخ سوزن برای دو دوست باندازه کافی گشاداست و سراسر دنیا برای دو دشمن
تنگ. مثل ایرانی

دشمن امروز فردا نیش میزند. مثل چینی

ضررهای دشمن بسیار و عداوت مطلقاً از همه کس، به همه کس نامبارک است.
خواجه نظام الملک

هرکه با دشمنان صلح میکند سر آزار دوستان دارد. سعدی

وحشت تنهایی وقتی است که کسی را دوست نداشته باشیم. حجازی

کسی را که همساز و هم طراز تو نیست بدوستی میپذیر. کنفوسیوس

نا یابترین چیزها، صمیمیت و یگانگی است. ناپلئون

مردم با شخص ما دوست نیستند با سعادت ما دوستی دارند. ناپلئون

عیب خود را ازدوست مپرس که ببینند و نگویند و از دشمنان تفحص کن تا بگویند.

عیب دشمن زودتر از محاسن دوست آشکار میشود. مثل سوئدی

کینه و تنفر را بکسانی واگذار کنید که نمیتوانند دوست بدارند. هوگو
عالیترین نشئه‌ها وظالمترین دشمنان عشق است. با می‌لی
عالیترین سلاح برای مغلوب کردن دشمن خونسردی است. مثل انگلیسی
کینه پنهان نمی‌ماند. شکسپیر
قلبی که دوست ندارد، خاطره‌ای نیز ندارد. شوفل کوینه
عادت، اول دوست انسان است، بعد دشمن او. مثل اسکاتلندی
عاقل از دشمن عبرت می‌گیرد. مثل یونانی
دوستان را چنان تقویت مکن که دشمنی بتواند کرد. سعدی
دشمن با دشمن متحد میشود. مثل اسکاتلندی
دوستی و دشمنی اشخاص احساساتی قابل دوام نیست. محمد مسعود

راستکاری و درستکاری

چنان نمای که هستی نه چنان باش که مینمائی. بایزید بسطامی
در زیر آسمان کبود همه چیز ممکن است حتی غلبه راستی بر دروغ. آنا تول فرانس
خوشابحال نادرستی که در اولین نیرنگ بدام بیفتد. حجازی
راستی نخستین چیزی است که انسان باید بجستجویش پردازد. گاندی
راستی مانند گوهری است که در روز روشن قدر و قیمتش بیشتر معلوم میشود.
بایگون
پرهیزگار باش که هرگز هیچ پرهیزگراز درستی نمیرد. غزالی طوسی

رازداری

آنچه را که یکنفر میداند هیچکس نمیداند ولی اگر دو نفر بدانند همه کس میداند.
مثل سوئدی

از نزدیکی بکسی که قادر د ربحفظ اسرار و رموز زندگی خود نیست پرهیزنما.
افلاطون

اگر خواهی سرت بجای خود ماند سرنگهدار باش.

اگر کسی خواست سرخود را به شما بسپارد فرار کنید میخواهد بارسنگین راکه خود
نمیتواند ببرد بدوش شما بگذارد. حجازی

اگر خواهی راز تو را دشمن نداد با دوست مگوی.

اگر میخواهی از اسرار مردی واقف شوی فقط از همسایگانش سنوال کن. مثل چینی

بدوست خود رازدل مگو او نیز بدوست خود گوید.

بالاترین زرنگیها پنهان کردن زرنگی است. مثل انگلیسی

روزنامه

در یک روزنامه باید خبر و اطلاع به حد اعلي باشد و تفسیر به حداقل. کایدن

خواننده دقیق میتواند در یک سال از روزنامه هایش از آن چیزهای مفید بخواند و بیاموزد
که دانشمندان از کتابخانه های بزرگ خود میآموزند. ف-ب- سبزن

در این روزگار ما بخاطر اندیشه ها میجنگیم و روزنامه ها سنگرهای ما هستند. هاینه

روزنامه باید خبرگزار باشد نه خبر ساز، حقیقت ومایه سرگرمی واقعی چندان زیاد
است که نیازی به خیال پردازی و دورغسازي نیست و نشر خبر دروغ خیانت به
حقیقت است. سایمونز

روزنامه ها آموزگاران مردم متعارفی هستند و برای آنان حکم ثروتی بیش از میلیون ها
سکه طلا دارند. بیچر

روزنامه بزرگترین مربی قرن نوزدهم است هیچ نیروئی با آن قابل مقایسه نیست هم
کتاب است وهم کر سی خطابه و هم سکوی سخنرانی در میدان عمومی شهر.
تالیج

مطبوعات روزنامه ای دانشگاه توده مردم است. ج- سیرتن

از همه سرگرمی هایی که موجود میباشد روزنامه می تواند مشغول کننده تر باشد،
خانه را از افسردگی و شکل دائمی آن بیرون می آورد و آدمی را به صحنه های شادتر
و جاندار منتقل میکند. در روزگار دیگر با او همراه است واگر چیزهایی بیشتر از اموری پیش

با افتاده، در روزنامه باشد مرد کار را در کنار کارهای ماشینی روزنامه بتفکر برمی انگیزد. سرچ هرشل

روزنامه ها دائرةالمعارف های زندگی جهانند همه چیز از چهار گوشه جهان برای ما نقل می کنند.
تراین وادارلز

یک روزنامه، تاریخ یک روز از جهان است که در آن زندگی میکنیم و با آن بیش از روزهایی که گذشته و تنها در خاطره ما باقی مانده است سروکار داریم.
جورج هورن

روزنامه شگفت انگیزترین عجائب جهان نوین است خانواده ای که لااقل یک روزنامه را بخواند و در آن دقیق نشود در قرن نوزدهم زندگی نمی کند. برودوس

شرح دیوانگی و رداییل و بدبختیهای حاصل از آنها که در روزنامه ها درج میشود، آزرها و چراغ های خطری است که پیوسته میسوزد تا مردمان را از محل های خطر دور نگاه دارند، میخوانید با مردم درباره اخلاق سخن بشنوید، توسل به عمرزید لازم نیست فقط یک روزنامه را بدست بگیرید و آنرا با دقت بخوانید تا آنچه میخوانید دستگیر شما شود.
جورج هورن

روزنامه ، اینها خلاصه و عصاره وقایع زمان است که فضیلت و رذیلت را بصوت واقعی آنها نمایش میدهد، و روزگار را چنانکه هست مجسم میسازد. شکسپیر

آزادی

آنکه خوشی خود را در رنج دیگران بجوید هرگز روی خوشی را نمی بیند. بودا

آزادی شخص جاهل و کودک نادان سبب هلاکت و نابودی آنها می شود. محمد مسعود

آزادی حقیقی آن نیست که هرچه میل داریم انجام بدهیم بلکه آنستکه آنچه را که حق داریم بکنیم. ویکتور کوزن

آزادی متعلق به یک نفر نیست مال همه است. هربرت اسپنسر

آزادی تلاش خردمندانانه آدمی در جستجوی علت حادثه هاست . هربرت مارکوزه

آزادی فقط در عالم خیال وجود دارد . شیلر

آزادی محدود کردن قدرت دستگاههاست نه اضافه کردن آن. ریلسن

آزادی عبارت است از امکان انسانی باری هر نوع ترقی و تکامل. دکتر شفقی

آزادی حقیقی آن نیست که قانون بر دارنده باشد بلکه فقط مطیع قوانین درونی خویش بودن است. تن

آزادی عبارت از اینکه شخص مجبور نباشد برخلاف مقررات قانون کاری انجام دهد. منتسکیو

آزادی ما از نقطه ای شروع می شود که آزادی دیگران خاتمه یابد. هوگو

آزادی برای بسیاری از مردم سرمایه دکان است و برای یک تن از هزاران سرمایه جان. سعید نفیسی

آزادی در کشورهایی ممکن تواند شد که حس ادای وظیفه بر هوا پرستی غالب باشد. لاکو

آزادی این نیست که هرکس هرچه دلش خواست بکند بلکه آزادی حقیقی قدرتی است که شخص را مجبور بانجام وظایف خود می کند. ماکدوناله

آزادی مطلق در هیچ اجتماعی وجود ندارد و اساسا وجود اجتماع با آزادی مطلق قابل جمع نیست بنابراین هرچا صحبت آزادی و حریت می شود منظور آزادی نسبی است و تفاوتی در میان اقوام مختلف بوده و هست در حدود این آزادی نسبی است. علامه سید محمد طباطبائی

آزادی بزرگترین عطیه و موهبتی است بانسان عطا شده و در قبال آن تمام نعمات و عطایای دیگر بوج و ناقابل و بی مصرف است. اپیکتوس

آزادی عبارت است از اینکه یک فرد یا جامعه در پیروی و گفتن و نوشتن حق و بکار بستن حق اختیار کامل داشته باشد. دکتر شفق

آزادی تنها ارزش جاویدانه تاریخ است. البرکامو

آزادی چیزی است شبیه سلامت این هر دو را تااز دست نداده ایم قدرشان رانمیشناسیم. والتور

آزادی اندیشه و قلم و زبان و مجامع و شغل و منزل و غیره موجب آبادی و عمران ممالک است. دهخدا

آزادی هیچوقت انتظار ما را ندارد. ما باید در طلبش از دل و جان دریق نکنیم چه در هیچ جایی از زوایای تاریخ سراغ نداریم آزادی و دموکراسی سهل ساده تحصیل شده باشد. امرسون

آزادی را فقط در محبئه آن یافتیم. روسو

آزادی دریائی متلاطم و طوفانی است مردان ترسو آرامش استبداد را بر این طوفان ترجیح می دهند.
توماس جفرسن

آزادی باده ایست که هزارتن آنرا برای بدمستی می نوشت و یک تن برای سرمستی. سعید نفیسی

آزادی رفتار برای کسی میسر است که تنها در بیابانی زندگی کند. حجازی
نیودن آزادی از زیادیش بهتر. مثل روسی

آن کسی که مالک نفس خویش نیست آزاد نیست. اپیکتوس

آزادی که باشد پیرمرد هم پهلوان می شود. مثل مجارستانی

آزادی زیاد و بی بند و باری زن خوب راهم فاسد می کند. مثل روسی

اگر در روح کسی حس استقلال نباشد آزاد نمیتواند باشد. حلمی ضیاء

اگر ملتی چیزی را برآزادی ترجیح دهد همه چیز راز دست خواهد داد. سامرست مؤام
انسان تا زمانیکه در اطراف خود ظلم و جور می بیند، سعادت حقیقی نخواهد داشت.
صادق هدایت

انسان آزاد خلق شده است ولی در میان قیود دنیا می آید. فیلر

انسان در همان لحظه که تصمیم میگیرد آزاد باشد آزاد است. ولتر

ای آزادی با کمال تأثر میگویم ، بشر سزاوار تو نیست. تورگر

باید آزادی را موقتاً از دست داد تا بتوان برای همیشه آنرا حفظ نمود. مونتسکیو

با دادن آزادی به بردگان آزادی مردم آزاد را تأمین میکنیم. لینکلن

ما که آزادی را دوست نداریم نمیتوانیم نان آزادی را بخوریم و اگر هم بخوریم آنرا هضم نخواهیم کرد. گاندی

معنی حقیقی آزادی مسئولیت است و بهمین جهت است که اغلب از آن میترسند. شاو

مقد سترین چیزها برای انسان سلامت روح ، هوش، عشق و آزادی مطلق است.
چخوف

ملتی که حقوق یک ملت دیگر را غصب میکند هرگز خود از نعمت آزادی بهره مند نیست. چرنیشفسکی

من اگر در بهشت باشم ولی بمن بگویند توحق نداری جهنم را به این بهشت ترجیح بدهی از آن بهشت بیرون میروم.
ژان دوستان

ملت از راه آزادی به تعلیم و تربیت دست می یابد نه برعکس. شاو

مؤسسات آزادی خواهی برای فرمانروایانی که دوستدار قانون باشند بمنزله پناهگانی است نه مانع. تالیران

وقتی نهال آزادی ریشه گرفت بسرعت رشد و نمو میکند. ژرژ واشنگتون

هر امری که آزادی را به مخاطره اندازد شایان قبول نیست هرچند از مقامات عالی و اشخاص مقتدر صادر گردد.
سعدز غلول پاشا

هرکس در میان زنجیرها و بندهای فراوانی دنیا میآید. ویل دورانت

هرکس باید سعی کند در حیات خود خشتی محکم بر اساس کاخ آزادی بگذارد. اسپرت سیسیر

هرجا دو نفر باشند یکی حاکم است و دیگری محکوم. حجازی

همه کشمکش و تحمل آلام و مشقات انسان در عرصه گیتی ، خواه این کشمکش موافق یا مخالف عقل باشد برای آزادی است. کارلایل

هرکس قادر به تملک و اداره نفس خود باشد آزادی حقیقی را بدست آورده است. پرسلیس

همه آزادیهای ما حکم یک بسته را دارد و واگر بناست یکی از آنها محفوظ بماند همه آنها باید محفوظ بماند.
هیچ آزمندی نیست که آزاد باشد. عباد شهریار

هیچ نیروئی از میل انسان به آزادی بودن قویتر نیست.

هرچه قفس تنگتر آزادی شیرین تر. مثل آلمانی

سیرو توس بعد از آنکه قیصر پدر خوانده خود را در راه آزادی رم کشت گفت قیصر بمن خوبی کرده بود، او را دوست میداشتم ولی چون رم را بیشتر دوست میداشتم او را کشتم. پل دوم

اجتماع

آیا همه برادر نیستیم؟ نوع بشر باید خود را برادرهمدیگر بدانند. شکسپیر
اگر مردم مرا شناسند غصه نخواهم خورد ولی من اگر مردم را شناسم افسرده
خواهم شد. کنفوسیوس

اگر زنجیری بگردن دیگری بیندازید، سردیگر آن برگردن خودتان گره می خورد. امرسون
اگر نسل حاضر نمیداند به کجا میرود، دلیل آن اینست که رویای اجداد خود را تعقیب
مینماید.

انسان حیوانیست اجتماعی. سرنگ

انسانی که معنی وهدف زندگی را بداند خود را نه تنها با افراد ملت خویش برابر
خواهد دانست ، بلکه با تمام اقوام دیگر نیز مساوی خواهد شمرد. تولستوی

افعی مهیب را دسته ای مورچه از پای درمیآوردند. مثل ژاپنی

بهترین کار برای جذب قلوب مردم خیرخواهی و نیکوکاری نسبت به آنهاست. ناپلئون

تنها انقلاب خطرناک، انقلاب گرسنگان است، من از شورشهاییکه برینای بینانی
استوار باشد بیش از نبرد با یک ارتش ۲۰۰,۰۰۰ نفری بیم دارم. ناپلئون

توبر روی زمین یکفرد واحد نیستی بلکه جزئی از کل و اندکی از بسیار باشی، ترا
برزمین از آن نهاده اند که بادیگرافریدگان هماهنگ شوی ودریسط نمایش به
نوبت خویش به بازی پردازي. پوشه

توکه از دیگران پیروی نمیکنی، چرا دیگران از تو پیروی کنند؟ سعید نفیسی

جمعیت شبیه به سیل است، جرعه هائی گوارا و جانبخش وقتی بهم جمع شد
دیوانگیها و خرابیها میکند. حجازی

خوبیها و بدیهای اجتماع بدست ماساخته شده است و بجای ناله جای آنرا دارد که
درصد رفع آن برائیم. هوگو

در دنیا خفتگانی هستند که بیداریشان همچو بیداری اژدها وحشتناک است. ناپلئون

دشمنان من سه قسمند، گروهی قویتر، جماعتی هم وزن، دسته ای ضعیفتر،
طرفیت با گروه اول موجب نابودیست با جماعت دوم تا جان دارم میجنگم، اما گروه
سوم را اگرچه با التماس باشد رام خواهم ساخت چه طرفیت با خصم ضعیف از مقام
انسان در جامعه می کاهد و شخص را ناچیز میسازد. افلاطون

دیگران را همانطور که هستند بپذیرید. دلیل کارنگی
رودخانه های عظیم نیروی خود را به جویبارهای کوچک می‌یونند. مثل یوگسلاوی
سعادت جامعه بمراتب مهمتر از سعادت فرد است. افلاطون
طبیعت بشر را خوب و قشنگ میسازد و اجتماع او را فاسد بار می‌آورد.
سنگهای درشت را سنگهای ریز پابرجای نگاه میدارند.
کسیکه مایل است خیر دیگران را تأمین کند خیر خودش را هم تأمین کرده
است. کنفوسیوس
لذات حیات و حقیقت زندگی را در خدمت به هم‌نوع و محبت به مردم جستجو
نمائید. میرابو
ما بوسیله چهارچیز با مردم در تماس هستیم، ارزش موقعیت ما از روی این چهار چیز
معلوم میشود. آنچه میکنیم، آنچه جلوه میکنیم، آنچه میگوئیم، آنطور که
میگوئیم. دلیل کارنگی
محیط وجود خارجی ندارد، افراد آنرا درست میکنند. سعید نفیسی
مردم را چگونه یافتیم؟ شایدانی در قفای شایدانی دیگر، با گرگ میگویند و می‌خندند و با
چوپان میگیرند.
بدیع الزمان همدانی
میان آدمیان چیزی نیست جز دیوارهایی که خود ساخته اند.
تولستوی
مردم عادی مانند شهری صد دروازه اند که سرنوشت از هر دروازه ای که بخواهد وارد
میشود، اما وجود مرد حکیم شهری است که یک مدخل بسته دارد، هنگامیکه
سرنوشت خواست وارد شود ناچار دق الباب میکند.
مترلینگ
ورزش یکی از مهمترین ارکانی است که نیروی اجتماعی کشور بر آن بنیاد و استوار
میگردد.
وقتی خودخواهی یک فرد برای جامعه ای بصورت قانون درآمد فانوس بردارید و روز
روشن بدنبال عدالت و انسانیت بگردید.
هرکه دیگران را همچون خود دوست میدارد شایسته فرمانروایی است. آئین تاو

وقتیکه آشفتنگی جمعیتی بسرحد جنون میرسد، همچون آتش زبانه کشیده ای به پیش میخیزد و همه چیز را میسوزاند. ولی چون حدت آن فرو نشیند، خود را میخورد و نیرویش را ازدست میدهد و میداند که باید اطاعت کند و در برابر منطق و قانون به اراده شما تسلیم شود.

هرگز سعادت شخصی قلب مرا درخود نگرفته است ، من خوشبختی خود را جز در جامعه نمی بینم. روسو

هرکس در طلب خیر و سعادت دیگران باشد بالاخره سعادت خودش را هم بدست خواهد آورد. اسمایلز

هر قتل که بدون کیفر بماند، مقداری از امنیت اجتماعی زندگی اشخاص میکاهد. دانیل ویستر

هیچ حالی از تنهایی و بی پناهی برای بشر دشوارتر و سهمناک تر نیست. حجازی

اخلاق

آداب و عادات آسانی و سرعت بصورت اخلاق در میآید. ه. سان

آداب خوب و اخلاق دوستان قسم خورده اند و بزودی با یکدیگر متحد میشوند. بارتول

آیا هنوز به آن روز نرسیده ایم که خود بیک تحول عظیم اخلاقی و اجتماعی پردازیم و بخاطر سیادت و سعادت خود قیام کنیم آیا دیر نیست.

اخلاق سرمایه است. اخلاق بهترین و عالیترین دارائی ماست. اسمایلز

اخلاق اگر با اندکی هوش توأم باشد هزار مرتبه برتحصیل زیاد بدون هوش و بدون اخلاق ترجیح دارد. ناپلئون

اخلاق یک اراده کامل العیار و پسندیده است. نووالیس

اخلاق یکی از بزرگترین قوای محرکه جهان است و درکمال تظاهرات خود طبیعت انسان را در عالیترین شکل آن مجسم میسازد. اسمایلز

اخلاق چیز ساخته شده و حاضر و آماده نیست، بلکه ذره ذره، روز بروز خلق و ایجاد میگردد. ارنالیال

اخلاق خوب اختصاص به طبقه ای ندارد، در هر طبقه و صنفی پیدا شود مورد احترام واقع میگردد. سموئل اسمایلز

استاد

آموزگار در صف مقدم است و من به او اعتماد دارم و میدانم که با سلاح خود یعنی کتاب ابتدائی خود برصوف دشمن پیروز خواهد شد. بورگه‌م

آموزگاری که کودکی را برای نقص در طبیعت او کتک میزند، باید خودش را بزند ممکن نیست که همه تازیانه های عالم بتوانند هنری را که باید در وجودی بیدار کند ، یک دقیقه پیش از وقت مقرر آن بیدار کند. فوکو

از دانش آموزی که فکر روشن دارد . ناامید نشو.امونز

از بزرگی پرسیدند که چرا احترام آموزگار را از پدر بیش میداری؟ جواب گفت پدر فراهم سازنده زندگانی فناپذیر من است و آموزگار سبب حیات جاودانی من. لوامع الاشراف

استاد پرورنده روان است، و پدرومادر پرورش دهنده جان.قابوس

اطفال بیشتر بدستور و سرمشق محتاجند تا انتقاد و عیب جوئی. ژوبر

من از یاد دادن آنچه یاد گرفته ام هر گز خسته نشده ام. این یگانه خدمت ناچیزی است که من آنرا نسبت به خود میتوانم داد. کنفوسیوس

هرجا که بشر را دوست بدارند، فرهنگ را هم دوست خواهند داشت. سقراط

هدف بزرگ آن آموزش و پرورش باید تربیت قوای دماغی باشد نه انباشتن مغز با معلومات و اندوخته های دیگران. تیرون ادواردز

هرآموزشگاهی را که باز کنید در زندانی را بسته اید. ویکتور هوگو

هر کس را می بینم از یک حیث برمن برتری دارد، ازاین جهت است که من از هرکس پندی میگیرم و چیزی می آموزم.

همسایه تو معلم تو است. مثل آلمانی

یک قسمت ازعیوب دیگران را جرأت نداریم آشکار سازیم و آنها را بصورت مدحهای سم دار می آوریم. لارشفوگو

هنوز هیچ استادی ازآسمان نیفتاده است. مثل آلمانی

یک مادرخوب به صد استاد و آموزگار میارزد. ژرژهربرت

کسیکه در خود آتش ندارد نمی تواند دیگران را گرم کند. مثل آلمانی

کسیکه پارونزی بداند همیشه جایی در قایق پیدا میکند. مثل افریقائی

معلم میتواند جهان را تغییر دهد. لایب نیتز

لازم است به عیوب کسیکه به او میآموزیم کاملاً واقف باشیم. نیکو

معلم را بر پدر شرف باشد بقدر آنکه روح را بر جسم شرف است زیرا معلم سبب کمال و تربیت روحانی است و پدر سبب تربیت جسمانی. جلال الدین دوانی

معلومات کهنه را بکار بردن و از روی آن معلومات تازه ای بدست آوردن از اصول عمده آموزش است هرکه این کار را بجا بیاورد او را میتوان آموزگار نامید. کنفوسیوس

رشد یا عدم رشد افراد را با درجه دیر باوری و یا زود باوری آنها میتوان تشخیص داد. گراسیان

زن و فرزندان خود را از تحصیل دانش و کسب پرورش بازمدار، تا غم و اندوه بر تو راه نیابد و در آینده پشیمان نگردی، پند نامه آذرباد

سختی و مشقت استادی است که بزرگترین رجال عالم کمر شاگردی و خدمت او را بسته اند. جرمی تایلور

سوزن را بدست کسانی بده که دوخت و دوز بلد ند. مثل کردی

طبیعت هیچ چیز را چندان ناچیز نساخته است که داناترین مردمان نتواند از آن درس بیاموزد. س. آلبین

کار، استاد را تمجید میکند. مثل آلمانی

فرهنگ ما آن چیزی است که خود هستیم، تمدن ما آن چیز است که داریم. مک آی ور

کسیکه مردم را از آموختن و تعلیم منع کند انسانیت از او مفارقت کرده.

چه بسیار صاحبان مال و مقام که باید تشخیص و نجابت را از زتھی دستان و خردان بیاموزند. محمد حجازی

دانشگاه تمام استعداد های افراد، از جمله بی استعدادی آنها را آشکار میکند. چخوف

در هر ملت چراغی است که به عموم افراد نور میدهد و آن معلم است. هوگو

اگر سالخورده هستی پند و اندرز بده و اگر جوان هستی به نصیحت دیگران گوش فرا ده. مثل چینی

اولین قوای عاقله ترقی و تعالی مملکت مدرسه است. بیزارک

بزرگترین درس زندگی اینست که گاهی احمق ها درست میگویند. چرچیل

پرورش بسته به استعداد شاگرد و استادی پرورنده است. محمد حجازی بهترین باغبان کسی است که بداند چگونه علفهای هرزه را از بین برد. مثل آمریکایی پند حکیم همچو قطره آب که بر جای سوخته بیفتد ، لااقل یک لحظه آرامش میبخشد. حجازی

تعلیم بزرگترین هدیه ایست که مردم نیکوکار میتوانند به گدایان و بینوایان بدهند. وولر

استقامت - شکیبایی

آنکه از دست روزگار بخشم میآید هر چه آموخته بیهوده بوده است. گریستن آنکس که اراده و استقامت دارد، روی شکست نمی بیند. مترلینگ

آدم عجول دشمن خویش است. مثل ایتالیایی

از دست دادن ثروت مهم نیست، صبر را نباید از دست داد.

استقامت، مادر موفقیت است و موفقیت مادر سعادت. کاظم زاده ایرانشه

استقامت راه موفقیت و خوشبختی است کسیکه استقامت نداشته باشد روی موفقیت را نخواهد دید. سید رضا صدر

اگر برخورد مسلط باشیم فرمانروای سرنوشت خود هستیم. کلینگر

انتظار نداشته باشید که چیزها موافق دلخواه شما باشد، بلکه همانطور که هست راضی شوید تا زندگی شما به آسایش بگذرد. اپیکتاتوس

انسان با استقامت و قدرت و نفوذ و تعقل و استدلال میتواند حتی بر وبا و طاعون غلبه کند. ناپلئون

انسان باید مثل کوه در ساحل دریا قرص و پا برجا باشد، به موج آب دریا بگوید تو آبی برو و به توفانها بگوید تو بادی رد شو. غ . ذ

اگر بهنگام جذر نتوانی ماهی بگیری بهنگام مد آزمایش کن. مثل آمریکا

افتخار را با تواضع و فقر را با صبر برگزار کن. مثل آمریکا

بدبختی نشانی از کم صبری است. سهل بن شوشتری

با همین غصه که دارید بسازید، میترسم آن غصه بعدی که برای خود خواهید تراشید از این بدتر باشد. حجازی

با استقامت به همه چیز میتوان رسید. لافونتن

برازندگی به پایداری نیکوست نه به نیکوئی قد و قامت.

برای کسیکه آهسته و پیوسته راه میرود، هیچ راهی دور نیست. لابرور

برای انسان نعمتی از این بهتر نیست که بمقدرات خود سرتسلیم فرود آورده و مزه عظمت آنرا بچشد. داستایوسکی

بردیای برای مردم مانند موتوری است برای روشن کردن لامپ. آلفرد دوموسه

بگذارید در مورد زیر دستان خود صبر و حوصله بخرج دهیم، زیرا آنها دیرزمان را بخاطر میاورند. گوربرگ

بهترین چاره غضب بتأخیر انداختن آن است. سلیکا

بهترین دستور زندگی اینست که انسان اعتماد بنفس داشته باشد و د رپرتوسعی و جدیت بمقام و منزلتی برسد. میکلائز

بی صبری در راه موفقیت مانع بزرگی است. ناپلئون

بی صبری شخص را از هیچ رنجی نمیرهاند، بلکه درد جدیدی برای از پادراوردن شخص بوجود میآورد. افلاطون

با بردباری علف تبدیل به شیر میشود. مثل چینی

با صبر و بردباری برگ توت تبدیل به پیراهن ابریشمی میشود. مثل چینی

با بردباری میتوان بیش از خشم نتیجه گرفت. مثل افریقائی

بردیاری کلید شادمانی است و شتاب کلید اندوه. مثل تازی

پاکدامنی و استقامت از تمام پیمانها و سوگندها محکم تر است. مادام نکر

پیروزی و پیشرفت ملک بلا منازع کسانی است که دارای استقامت و ثبات قدم باشند. گوته

تحمل و بردباری بالاترین جرأت و جسارت است. د-ذ

پیراهن صبر پوشیدم که علاج محنت را هیچ چیز چون صبر نیست. بوذرجمهر

تسلیم و رضا در برابر حوادث علاج ناپذیر، مهمترین توشه سفر زندگیست. شوپنهاور
توهین ها مانند سکه قلبی اند ما ناگزیریم آنها را بشنویم ولی مجبور نیستیم
قبولشان کنیم. رسورجن

جهان متعلق به افراد صبور است. مثل ایتالیایی
تواضع صفت بارز کسانی است که به کمال دست یافته اند.
چند نیش مگش هرگز اسب چابک را از تاختن بازنمیدارد. ولتر
چقدر بدبختند کسانی که شکیبائی ندارند، هرگز با این خصلت در زندگی روی آسایش
نخواهند دید. شکسپیر

خونسردی بزرگترین صفت یک فرمانده است. ناپلئون
خلق از آن در رنجند که کارها را پیش از وقت طلب میکنند. شیخ ابی سعید
دیروز رفت، فردا نیامده، فریاد عبث است، آرام باش!
دست لرزان، گره باز نمیکند و در خاطرپریشان فکر دست برنمی آید. حجازی
راز موفقیت در ثبات قدم نهفته است. دیسرائیلی
رنجی که واقعاً شجاعانه تحمل شود حتی دل سنگ را نرم میسازد. گاندی
روزگار همه ی درها را بروی بردباران میگشاید. مثل چینی
زمان برای کسیکه میتواند صبر کند هردری را میگشاید. مثل چینی
زمان استاد بزرگی است و بسیاری از مشکلات را حل میکند. کرنی
سازگار بودن معنیش اینست که با ناسازگاری دیگران سازگار باشیم. ژول رومن
صبر و حوصله شکل دیگر ناامیدی است که بهتر میتوان آنرا تحمل نمود. بیرس
صبر و امید دو عامل موفقیتند. الکساندر دوما
قوه صبر و حوصله از بزرگترین مزایای عالیه انسان بشمار میرود.
کسیکه آهسته رود، دور رود. مثل چینی
کره زمین مال اشخاص پشت کارداراست. مثل آلمانی

گذشت زمان بخودي خود بسياري از نگراني هاي ما را از بين ميبرد. دليل کارنگي موفقيت هائي که نصيب بشر شده عموماً در سايه تحمل و بردباري بوده است. شکسپير

نيرومندترين مردم آن است که خشم خویش نگه دارد. افلاطون

نيکوترين تدبيرات تحمل است و کار را بوقت خود گذاشتن.

هرگز صبر و بردباري را از دست ندهيد زيرا اين آخرين کليدي است که در را ميگشايد. تاکوپيري

هرچيز را چون خطاي خودتان نباشد ميتوانيد تحمل کنيد.

هر اقدام بزرگ ابتدا محال بنظر ميآيد. کارلايل

هفت بار که افتادي براي هشمين بار برخيز. مثل ژاپني

هيچ چيز به اندازه بردباري آکنده از بيروزي نيست. مثل چيني

هيچ چيز به اندازه زمان از خود انتقام نميگيرد. مثل ايتاليائي

اعتدال

آنچه که مايه نگراني بيشتري مردم است نداشتن پول نيست ، بلکه نداشتن طريقه خرج کردن آن است. دليل کارنگي

آنکه بيشتري از اندازه محتاط است بسيار کم کار انجام ميدهد. شيلر

آنچه بار زندگي را بردوش ماسنگين تر ميسازد، عموماً زياده روي در خود زندگي است. روسو

آهسته برو هميشه برو. مثل امريکائي

انسان فهميده و خردمند کسي است که هيچ عادت و انس او را کور و کر نکند. سعيد نفيسي

از آهسته رفتن مترس، از بي حرکت ايستادن بترس. مثل چيني

از فرط غرور، نه واز فرط ضعف آری مگو. مثل اسپانیولی
انسان در هر کار باید بداند کجا باید ترمز کرد. مثل فرانسوی
برتری همیشه منفور بوده است، و هنگامیکه برتر از همه ای بیشتر منفوری. گراسیان
بیش از حداقل بودن کار عاقلانه ای نیست.
تا انسان تمایلات خود را در حد اعتدال نگه ندارد سعادت و خوشی نخواهد داشت.
پای خود را از زیاد رفتن بخانه همسایه ات بازدار، مبادا از تو سیر شده از تو نفرت نماید.
خردمند از افراط و تفریط می هراسد. آئین تاو
خشم بیش از حد گرفتن وحشت آورد و لطف بی وقت هیبت ببرد. سعدی
در موفقیت هم باید راه اعتدال پوئید.
در عالم هیچ افراطی زنده تر از افراط در حق شناسی نیست. لابرویر
صرفه جوئی خود یکی از منابع مهم درآمد است. الکساندر دوما
عیسوی تر از پاپ، کاسه گرمتر از آتش و رنگ بالاتر از سیاهی مباح.
محبوب و مغضوب بودن، هر دو رنج آور است. تا اونه کینگ
کسانی که از درآمد کم خود نمیتوانند پس انداز کنند، از درآمد زیاد نیز قادر به پس انداز
نخواهند بود. دکتر ماررن
مرد خسیس، گرانتر میپردازد. تا اونه کینگ
مرد عادل و خردمند سرنوشت حقیقی را طرز استنباط از زندگی و حفظ تعادل بین
افکار خود و قوای طبیعت میداند. مترلینگ
میان روی و اندازه نگاهداشتن، کمال طبیعت آدمی است. کنفوسیوس
نه طوطی باش که گفته دیگران را تکرار کنی، و نه بلبل باش که گفته خود را به هدر
دهی. سعید نفیسی
نه چندان نرمی کن که بر تو دلیر شوند و نه چندان درشتی که از تو سیر گردند. سعدی
نمی گویم دستخوش هیجان نشو، اما خودت را به آتش هیجان ها نسوزان. مثل
انگلیسی

همه ما نمیتوانیم ناخدای کشتی باشیم، ولی میتوانیم ملاح باشیم. دوکلاس مالوک همچنانکه نور زیاد مانع دیدن میشود، فراوانی نعمت مانع لذت و برخورداريست. حجازي

اعتقاد

آنچه که به پروردگار مديونيم دوست داشتن ديگران است. لاکورد ر
آنکه خیال میکند ایمان ندارد، در اشتباه است زیرا هر سري فکر میکند و معتقداتي دارد که همان ایمان است. حجازي

آزادي وجدان نشانه خداپرستي است. مثل ایتالیائي

اگر میخواهي هستي را بشناسي خود را بشناس. سقراط

انسان به ایماني نیاز دارد که بتواند با آن در برابر ناروائي هاي مولود جنگ گرم و سرد مقاومت ورزد. برتراندر راسل

ایمان بزرگترین عاطفه بشري است. سرک گارد

بتوانائي خویش ایمان داشتن نيمي از کاميابي است. روسو

بعضي صليب را روي گور خود ميگذارند و برخي آنرا لنگر کشتي ميسازند.

بت تراشها کمتر اطاعت بت را مينمايند و کمتر معتقد به آنها هستند زیرا ميدانند که چه ساخته اند. مثل چيني

بي آزاري بهترين دين است. مثل سانسکريت

تا وقتیکه قلب شما نخواهد، مسلماً مغزتان هرگز بچيزي عقیده پيدا نمیکند. ويليام جيمس

توده عقايد خود را حاضر و آماده از بازار آزاد فراهم میکند. کولستون

تمام بدبختي ها و عذابهاي که خدای شما براي تان ميفرستد از طرف خود شما فرستاده ميشود. مترلينگ

حتي خدا را هم هرکس به تناسب شعور خویش مي شناسد. اميل ناگه

در ایمان قطعي همواره باید آتشي نهفته باشد که خاشاک پليدي و بدگماني را سوخته و خاکستر سازد. بایگون

دروغ آئین اربابان و بردگان و حقیقت خدای انسانهای آزاد است. ماکسیم کورگی
در هر ذره ای از ذرات این نشان موجود است که او است آن خدای یگانه که هستی
هر هستی به هستی اوست. بوعلی سینا

دین عبارت است از شناختن تکالیف بشری در شکل اوامر خدائی. کانت

دین تنها یکی است ، اما اعتقادات ممکن است انواع زیاد داشته باشد. کانت

دین درهرشکلی که تظاهر کند همیشه به یک احتیاج روحی و معنوی بشریت
میماند. فوتر باخ

ریاکار آن کسی است که جامه خدمتگزاران خدا را می دزدد تا آن را برتن شیطان
پوشاند. پولوک

سازنده بت هرگز بت پرست نمیشود. مثل چینی

شمشیر میتواند روح را از بدن جدا سازد، ولی هرگز نمیتواند عقیده ای را از مغز کسی
بیرون راند. لورد کالون

عقیده ایکه مردم از ترس جانیشان بپذیرند پایدار نیست. سعید نفیس

عقل چیست که میتواند با پای چوبین استدلال که سخت بی ثبات و تمکین است
بحریم هستی مطلق نزدیک شود. توفیق الحکیم

کسیکه فقط یک دین را می شناسد دین دار نیست. ماکس مولر

محققی که در جستجوی خداست، ایمانش صد برابر محکمتر از آنهاییست که بخدائی
ندیده و نشناخته و تحقیق نکرده ایمان دارند، خدای آنها خدا نیست اسباب دلگرمی
است. مترلینگ

از کسانیکه دینشان، دامی برای باج گرفتن است اطاعت مکن. ابوالعلا

مذهب نیروی بزرگی است، تنها نیروی محرکه واقعی جهان، اما شما بایستی دیگران
را از طریق مذهب خود شان بحرکت وا دارید، نه از طریق مذهب خودتان. برنارد شاو

یک پرنده کوچک که زیر برگها نغمه سرائی میکند برای اثبات خدا کافی
است. ویکتورهوگو

اعتماد به نفس

اگر به کسی اعتماد نداری از او پرهیز کن. ناپلئون

بهر اندازه که محتاج خدمتکار باشیم او فرمانروا خواهد بود. حجازی

خلعت سلطان اگر چه عزیز است ، جامه خلقان خود بعزت تر و خوان بزرگان اگر چه لذیذ است خرده انبان خود به لذت تر. سعدي

در دنیا تنها کسی موفق میشود که به انتظار دیگران ننشیند و همه چیز را از خود بخواهد. شیلر

خود ستا مایل است که بوسیله شما اعتماد بخود را بیاموزد، وی از نگاههای شما تغذیه میکند و در دستهای شما تعریف و تمجید نسبت بخود را می بلعد. نیچه

سنگ بجای خود سنگین است.

عظمت واقعی در اینستکه برنفس خود مسلط باشید. دانیل دیفو

کسیکه برنفس خود غلبه نکرد برهیچ چیز غالب نخواهد شد.

کسیکه به خود اطمینان دارد به تعریف کسی احتیاج ندارد. گوستا لوبون

کسیکه از سرنوشت خود شکایت کند از کوچکی و ناچیزی روح خود شکایت کرده است. مترلینگ

کسیکه هرچه ببیند و بشنود به او برنخورد و متغیر نشود، من اصلاً با او کاری نخواهم داشت. پرسیس

مانند پرنده باش که روی شاخه سست و ضعیف لحظه ای می نشیند و آواز میخواند و احساس میکند شاخه میلرزد ولی مع ذالک به آواز خواندن خود ادامه میدهد زیرا مطمئن است که بال و پر دارد. هوگو

محترم و عزیز بدارید خود را تا پیش همه کس عزیز بمانید. بهروز

مرد آزاده به هیچ وجه دست افزار کسی نمیشود، یعنی برای وی شایسته نیست که خود را آلت مقاصد دیگران بسازد، اومقصد خویشتن است. کنفوسیوس

وقتی عدم اعتماد شروع شود صمیمیت از بین میرود. پوشگین

نمی دانید تا چه حد اعتماد به نفس باعث اعتماد بهرچیز دیگر میشود. هوگو

هرکس که برنفس خود مالک شد، برنفس دیگران نیز مالک و مستولی شد.

هرگز با احساساتی که در اولین برخورد از کسی پیدا می کنید نسنجیده اعتماد نکنید. آتاتول فرانس
خودستا نماینده جنون بشریت است. غ- ذ

انصاف - اخلاص

انصاف که از این مالپخولیا چندان فرو خواند که مرا بیش طاقت شنیدن نماند. گلستان
اگر بی انصافی نداند که انصاف چیست؟ انصاف داند که بی انصاف کیست. خواجه
عبدالله انصاری
اخلاص آشیانه دوستیهاست.

بخودت سرزنش کن همچنان که دیگران را سرزنش میکنی، دیگران را دوست بدار
همچنان که خود را دوست میداری. مثل چینی
انصاف از تو توقع دارم. گلستان

در کارخانه ها و کارگاهها حتی در مؤسسات دولتی اگر مسئولان مربوطه از روی انصاف
با زیردستان رفتار نکنند، نتایج آن در مدت کوتاهی خواهند دید، انصاف برای کارفرما
همچون بال برای پرندگان است. غ- ذ
انصاف نصف ایمان است. امثال و حکم دهخدا

مردی نه اینست که حمله آورد بلکه مردی آنست که در وقت خشم خود را بر جای بدارد
و پای از حد انصاف بیرون نهد. گلستان
بلکه دم مسیح است که مردگان انصاف را یک دم زدن اشارت زنده کند. جهانگشای
جوینی

بخت و اقبال

اگر ما آنچه بایستی کنیم، میگردیم آنچه بایستی داشته باشیم میرسدیم. مثل
اسکاتلندی

افرادی هستند که نور چشمی شانس و اقبالند و هر وقت سقوط میکنند، مانند گربه روی دو پا بر زمین می نشینند. کوبتون

اگر اقبال مرا رئیس قوم سازد از کجا معلوم که بلافاصله نابود نسازد. مثل مراکشی

بامید شانس نشستن همان و دریستر مرگ خوابیدن همان. مثل آلمانی

بیشتر ناراحتیها و نگرانیهای مردم زائیده اوهام و تصورات شخصی آنهاست و با دنیای حقیقت ارتباطی ندارد. ژنرال ژوژ کروک

اقبال اسلحه ای است که شیطان بدست ما میدهد. مثل یونانی

عمر شانس با عمر یک گلوله برفی بر روی بخاری یکی است. مثل سوئدی

طالع هرکس بدست خودش است. مثل آلمانی

کسی که از سرنوشت خود شکایت کند از کودنی و ناچیزی روح خویش شکایت کرده است. مترلینگ

کسیکه شانس را راهنمای خود بداند کود است. مثل ایتالیایی

کسیکه همه سلاحهای خود را رها کرده و ناله کنان میگوید نمی توانم ، از من ساخته نیست، بدشانسم، ترحم انگیزترین مخلوق دنیاست.

کسیکه بامید شانس زنده باشد سالها قبل مرده است. مثل فرانسوی

کالسه شانس همیشه بسر منزل مقصود نمیرسد. مثل ایتالیایی

هیچ مریضی، مریضتر از کسی نیست که روز تعطیلش بیمار شده باشد. بیل وگان

هیچ راهی نیست که تا تو قدم نگذاری بانتهایش برسی، اگر شانس هم داری مولود فعالیت تست برای بیکارو بیچار شانس و اقبال وجود ندارد. غ - ذ

هیچ به امید شانس نشینید، اگر بخواهد خود در ترا میزند.

بدبینی و خوشبینی

آتشی که جسم و جان را میسوزاند غالباً بدست خودمان روشن شده است. بروکتر

آدم بدبین همچون مبتلایان تریاک مرض خود را به هزار دلیل به دیگران میدهد. حجازی

آینده را از دریچه ترس و وحشت نگاه نکنید. ای. اج. هاریمن
آنکه خیال میکند شاید فردا گرفتار شود از آنکه الان گرفتار است بیشتر رنج
میبرد. حجازی
اگر چشم تو فاسد شد تمام جسدت تاریک میشود.
اشتباه اینست که خیال میکنیم ما را برای خوشگذرانی به این دنیا آورده اند، اگر این
اشتباه را از سر بدر کنیم به هر ناملایمی میسازیم. محمد حجازی
انسان همه چیز را میتواند فراموش کند غیر از ایام نیکبختی را. مثل هلندی
بدگمان کسی است که خیال میکند تمام مردم دنیا بدی او هستند. باب بارکر
بدگمانی و بدبینی پرده ایست که میان ما و دیگران حایل میشود و هیچوقت نمیگذارد،
رشته دوستی خود را با آنها محکم ساخته از نعمت وفا و محبت بهرمنند شویم. لرد
اویبوری

پاداش

آنکه تخم بدی را می فشانند، بدون شک همه محصول آنرا درو خواهد کرد. دموستن
آنچه بدیگران میکنی بخود کرده ای. پوشه
آنچه ما بکاریم درو میکنیم و سرنوشت ما را بجزای کارهای بدمان خواهد
رسانید. اپیکتوس
اجر نیکی شما در عمل نیک شما مستور است. سیسرون
اگر پاداش نیک و بد محقق بود ارواح بزرگ و جانبازان راه خدمتگزاری بخلق در روی
زمین بندرت یافت میشدند بلکه اصلاً وجود نداشتند. مترلینگ
اگر مردم را بحال خودشان گذاشتی ترا بحال خودت خواهند گذاشت.
اگر سنگی پرتاب کنی دست خودت درد میگیرد. مثل هلندی
اگر گلی سالم باشد میوه اش هم سالم خواهد بود. مثل چینی
با یک تحسین و یک دست به پشت زدن میتوان کسی را به میدان جنگ فرستاد با دو
کلمه نامه قدردانی میشود و عضوی را کاری و با نشاط و کارآمد کرد. کتاب کار و زندگی

بخش و منت منه که نفع آن بتو بازگردد.

با تشویق میتوان قوای خفته و زنگ زده را بیدار کرد و برانگیخت و قوای بیدار و برانگیخته را برای همیشه پایدار و استوار کرد. کتاب کار و زندگی

بدی را با نیکی باید پاداش داد. جان کاینرل

بزرگترین مصائب ما آنهاییست که در نتیجه غفلت برای خویش پدید آورده ایم. لرد اویبوری

بنظر من حق ناشناسی بزرگترین ضعفی است که ممکن است کسی داشته باشد. ناپلئون

پاداش درستی را در درستی بجوی، و انگیزه کار نیک را همان نیکی بدان و سود دیگر خواه. حکمت هندو

بهترین پاداش نیک، رضایتی است که در قلب خود احساس میکنیم. مثل مجارستانی

پاداش کاریکه خوب انجام گرفته است همان انجام آن کار است. امرسون

پیش از آنکه کسی را بکار بگماري درباره دستمزدش با او سخن بدار. مثل افریقائی

تمام گلهاییکه در آینده خواهد روئید در دل تخم های امروز نهفته اند. مثل چینی

جوینده یابنده است.

چو میوه درخت خوردی شاخ مشکن. مثل فارسی

خشم را با مهربانی، بدی را با خوبی، آزار را با بخشش، دروغ را با راستی فرو بنشانیم.

خوشبختی و بدبختی ایام پیری عصاره اعمال گذشته ماست.

در این دنیا هرکس چیزی را درو میکند که قبلاً تخم آنرا کاشته است. اسمایلز

رفتارکن با دیگران همانطوریکه توقع داری که دیگران با تو رفتار کنند. زرتشت

زنگ آهن خوار هم از درون آهن میآید گناهکار را نیز عمل او بسزا میرساند. پندهای رهاما پادا

زیان بدجنس، آدم خبیث، قبل از همه به خودش میرسد. سنت اگوستی

سرنوشت حقیقی در همان وجود ماست نه در اطراف ما و عدالت انتظار پاداش ندارد، بلکه عمل دارای مسرت و شادمانی است. مترلینگ

شخص باید لایق ستایش باشد ولی از آن بگریزد. فنلون
عدالت قابل تربیت نیست هرکاری بکنیم نتیجه آنرا می بینیم،
خطاهائی که از ما سرمیزند تازیانه ای را پدید میآورد که بوسیله آن مجازات
میشویم. شکسپیر

فراموش نکنیم که حق شناسی نشانه ای از تربیت صحیح است،
پس اگر از فرزندانمان توقع حق شناسی داریم باید آنها را حق شناس بار بیاوریم. دیل
کارنگی

کارهائی را که در گذشته کرده ایم مارا مانند سایه تعقیب میکنند و نسبت بجنس آنها
ما را بسوی بدی ویا خوشی میکشند. کارلایل

کسیکه میخواهد درو کند باید بکارد. مثل آلمانی

کسیکه بدنبال هوای نفس میرود، همچون کشتی در دریای طوفانی بشکست و غرق
دچار خواهد گشت. حکمت هندو

کسیکه سرش شیشه ایست نباید سنگ بیندازد. مثل انگلیسی

کسیکه میوه بخورد باید سپاسگزار کسی باشد که درخت را کاشته است. مثل
آفریقائی

گرفتاری و بیچارگی نتیجه اعمال نارواست. حکمت چین

گل را میتوان زیر پا له کرد ولی بوی عطر آنرا نمیتوان در فضا کشت. ولتر

لذت نعمت متناسب با رنجی است که برای بدست آوردن آن کشیده ایم. حجازی

ما همواره باید بخاطر داشته باشیم که از نتایج اعمال خود برخوردار خواهیم شد. جان
کایزل

مردم از شما تقاضای انتقاد و خرده گیری می کنند اما در انتظار تحسین هم
هستند. سامرست مرآم

ما اغلب خار می کاریم و انتظار روئیدن گلی از ان داریم و این خلاف محض و خلاف
قانون طبیعت است. ایرانشهر

مصائب امروز میوه های اعمال دیروز است. ایرانشهر

نتایج اعمال ما قهرا بسر وقت ما خواهند آمد ولو اینکه ما در این ضمن اصلاح حال کرده
باشیم. نیچه

هر کس برای دیگران چاه بکند خود در آن افتد. زرتشت

نه در هوا، نه در قهر دریا در سینه کوهها، نه در جزوی از اجزای عالم جایی نیست که انسان در آنجا از دست نتایج اعمال خود گریبان خود را رها تواند کند. بودا

هر که نیک نهاد و پاک منش و کوشاست بآنچه سزاوار است میرسد. بزرگمهر

هرگز در صدد انتقام از دشمنان خود نباشید زیرا در غیر این صورت آنقدر که شما به خودتان صدمه میزنید آنها را اذیت نکرده اید همان کاریا که ژنرال ایزنها در میکند ما هم بکنیم باین معنی هرگز دقیقه ای از عمر خود را در اندیشه کسانیکه دوستشان نمیداریم تلف نکنیم. دلیل کارنگی

هر چه کاری در بهاران تیرماهان بدروی. خواجه عبدالله انصاری

هرگز همه را نمی شود راضی کرد. لئون جانسن

پایان نگر

آینده بکسی تعلق دارد که میداند چگونه منتظر نشیند. مثل روسی

اگر چه دریا آرم میباشد ممکن است تمساحی در زیر آب کمین کرده باشد. مثل افریقائی

اگر چه خاموش کردن آتش میروی، لباس علفی برتن مکن. مثل چینی

اگر میخواهی بدانی چه بوده ای بنگر که چیستی، اگر میخواهی بدانی که چه خواهی شد، بنگر که چه میکنی. مثل چینی

انتقام مآل اندیش نیست. ناپلئون

بدتر از برتر هم وجود دارد و آن انتظار بدتر است. ژیلبرون

بزرگترین اقلیم نامکشوف آنستکه زیرکلاه شما جای دارد.

حرف زده شده نهالی است که رشد و نمو میکند. مثل نروژی

چیزیکه در خیال گذشت شاید روزی محقق گردد و صورت وقع یابد چه غالباً عالم خیال مقدمه عالم جمالست. دکتر نصر

طغیان میروند ولی اثرش میماند. مثل افریقائی

رنجی که از قصور خطر میبریم همیشه از خطر بزرگتر است. محمد حجازی
رو زهر قدر که روشن باشد شب را در پس دارد. مثل ایتالیایی
علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.
خاطرات بزرگ معمولاً از درهای کوچک وارد صحنه ذهن ما میشود. آرمان سارا کرو
عشق اندیشه ایست بی هدف و پایان ناپذیر. رسنل نیس
قبل از اقدام به هرکاری قوای خود را سنجیده ، مقصود خود و وسائلی را که میخواهی
اتخاذ کنی در نظر بگیر.
گرسنگی بر قوه ادراک می افزاید.
ما فوق همه چیز داشتن خیالات بزرگ و قلب پاک است. شیلر
محال است که ما بتوانیم چیزی را تصور کنیم که در این جهان وجود نداشته
باشد. مترلینگ
زندگی همان چیز است که پس از خواندن همه چیز و فراموش کردن همه چیز در دماغ
بجا میماند. ادوارد هرپو
ممکن است مقداری زهر در رکوزه ای ریخت و بعد آن کوزه را شست و اثرات زهر را از
بین برد ولی چیزی را که در ذهنتان جای داده اید خوب یا بد، بر شما فرمانروایی خواهد
کرد و هرگز از آن جدا نتوانید شد. سقراط
هر که عاقبت اندیشتر، مسعودتر.
هر که درباره اموری که پس از مدتی اتفاق خواهد افتاد پیش از وقت نیندیشد بزودی
دچار سختیهای بسیار ناگوار خواهد شد. کنفوسیوس
هرگز نباید چیزی را که نمیتوانید بهتر از آنرا جایگزینش سازید از بین ببرید. پلورک
هیچ چیز را به یقین نمی دانیم و آنچه دریافت میکنیم ، تغییراتی است که در بدن ما و
بر اثر عواملی که از خارج با آن برخورد میکند، پدید میآید. از تاریخ تمدن- دموکریتوس
یادآوری صحیح از همه چیزها که می بینیم می تواند سودی بدست آورد. شکسپیر
پایان نگر کسی است که آنچه را در دست دارد نگاه دارد و کار امروز به فردا نیفکند.

تاریخ

تاریخ مستشار امیران است. کارلایل

اخبار ملوک پیشین را مطالعه فرما که از چند فایده خالی نباشد یکی بسیرت خوب ایشان اقتدا کند، دوم آنکه به تقلب روزگار پیش از عهد ایشان تأمل کند تا بجاه و جمال و ملک و نسب فریفته و مغرور نشود. سعدي

تایخ سیر خود را بزندگی مردان بزرگ بناموده است. کارلایل

برای نوشتن یک تاریخ در وجود مورخ باید بین همدردی طرفداری و جدایی، بیطرفی تعادل وجود داشته باشد. ارنست زمان

تاریخ یک ماشین خودکار و بی راننده نیست و به تنهایی استقلال ندارد، بلکه هر چه ما بخواهیم تاریخ همان خواهد شد. ژان پل سارتر

باید دید چگونه تاریخ نگار در میان هزاران واقعه برخی را میگزیند و برخی را فرو میگذارد. آنتول فرانس

برای آنکه تاریخ تا ابد دروغ باشد کافی است که یکنفر حقایق را کتمان کند. میشله

کشوریکه تاریخ ندارد آن کشور بمنزله مرده است. سن لوئی

تاریخ یک ملت مانند گلزاری است که مردان هنرمند و حساس گلهاي زیبای آن میباشند. گوستا ولوبون

کشوریکه تاریخ ندارد آن کشور بمنزله مرده است. سن لوئی

تاریخ مفاخر گذشته با خاطره هائیکه از اعمال و شجاعتهاي رجال ما در فکر افراد خطور میدهد و روح ملیت را برانگیخته مردم را بطرف مجدو تعالی میکشاند.

کشوریکه تهی از زیربانی هاست تهی از خاطرات است و مملکتی که خاطرات ندارد تاریخ ندارد. ابرام ژرف ریان

در نوشتن تاریخ یک قوم و یک ملت با آن ملت و قوم همدلی پیدا کنید و در عصري که مطالعه میکنید در وضع جغرافیائی و کلیه تاریخ آن وارد شوید و احساس کنید که یکی از آنها هستید. کوهان هردر

گذشته چیزی است که هر چه فاصله ما از آن بیشتر شود زیباتر میشود.

حوادث مشهور دوران گذشته جهان را مروري بکنید، تاشماهم چون من این حقیقت را بپذیرید که بزرگترین جنایات همه با کوچکترین دستها انجام گرفته است. آگارادو

مورخ باید سیر فکر بشر را که در عالم نظم غیرقابل اجتناب بخود واگذار شده تعقیب کند. ولتر

سیر تاریخ را با هیچ نوع مغالطه و امیال خصوصی نمیتوان منحرف نمود آنهادیکه میخواهند
برخلاف نوامیس تاریخ اقدام نمایند و آنهائیکه میخواهند خورشید را بیوشانند ، سعی عبث میکنند.

هر چه تمدن جلوتر میرود قدرت فزونی کمتر میشود. آرتل هاپس

هر که در سیرت و رفتار پیشینیان نظر کند، متذکر میشود تا چه اندازه از همت مردان واپس مانده است. همدون قصار

پدر و مادر

آینده کودکان بسته بترتیب کودکان است. ویکتور هوگو

آینده اجتماع دردست مادران است. اگر جهان به میانجیگری زن گرفتار شود تنها اوست که میتواند آنرا نجات دهد. ابوفور

استوارتر از همه پیوندها، پیوند بست که در میان مادر و فرزند برقرار است. سعید نفیسی
اگر تمام عالم دریک کفه ترازونهاده شود ومادرم در کفه دیگر، کفه عالم بالاتر خواهد ایستاد. لورولابکدیل

اگر میخواهید ریشه خطاها و رذایل را براندازید، سپاهی باید که سربازان آن مادران باشند.

ای مادر تو مانند ستاره مقدس در آسمان ابدیت ثابت و درخشان خواهی ماند. ایمرمان
ای پدر ومادر و ای گمشدگان عزیز، من همه چیز خود را به شما مدیون هستم. پاستور
ای مهرمادری که مقدسترین محبت ها هستی، از وصف عظمت آسمانی تو زبان زمینی ما عاجز است. رباهاوف

این جنایت را پدرم در حق من کرد، ومن درباره کسی جنایت نکردم. نوشته روی قبر ابوالعلاء

این یک قاعده کلی است که همه مردان برجسته عوامل برتبری خود را از مادرانشان بارث میبرند. همیشه

اگر پدر ماهی گیر باشد بچه اش نیز به آب تمایل دارد. مثل روسی

با پدر و مادر چنان رفتار کن که از اولاد خود توقع داری. سقراط

به مادران بگوئید که چه وظیفه مقدسی برعهده دارند. و با چه قدرت و حلاوت برخاسته از عشق برچشمه های زندگی نوزادان فرمانروایی میکنند. سیگورنی

برای ترقی ملت و آبادی مملکت از وسائل بیشمار دیگر بوجود مادر صالح و پرورش دهنده محتاج هستیم. ناپلئون

پسران لنگرهای زندگی مادرانند. سوفوکل

تارو پود روح مادر را از مهربانی بافته اند. امرسون

تنها زنی که آزار نمیرساند مادر است.

جوانان سرگشته و آشفته، خانواده را میگذارند و از این و از آن واز معشوق و از عاشق، تمنای مهر و محبت بیریا میکنند غافل از آنکه آنچه میجویند در دل پدر و مادر و در خانواده است و بس. حجازی

چشمان اشکبار مادر تنها چیزی است که سنگینترین دل را برفعت میآورد. الفردو دووینی

در این جهان سرد و تو خالی هیچ سرچشمه محبتی عمیق تر و نیرومند تر و ابدی تر از آنچه در داخل قلب مادر است وجود ندارد.

در هر جا نیک و بد اعمال کودک مربوط به مادر است. ناپلئون

در سہائی که بر زانوی مادر آموخته شده، آموزش هائی که پدر داده، همراه با داستانهای شیرینی که در کنار بخاری بگوش خورده، یادگارهای شیرینی است که هرگز کاملاً از یاد نمیرود. لامنه

در لبها و قلوب کودکان، نام مادر بمنزله نام خداست.

سرنوشت آینده یک کودک همیشه کار مادر است. ناپلئون

دختر را به بینی، مادرش بشناس. مثل ایتالیائی

فرزند را بنگر، آنگاه پدر را خواهی شناخت و خواهی دانست که با چه کسی سروکار داری. مثل روسی

عجله پدر ناکامی است. مثل انگلیسی

قرض پدر و مادر به فرزندان علم و ثروت نیست، تربیت است و اخلاق. حجازی

کمال زن در مادری است، زنیکه مادر نیست، موجود ناقصی است. بالزاک

قلب مادر زیباترین و جاودانی ترین جایگاه فرزند است حتی در روزهاییکه موهایی فرزند سفید شده باشد، هر فرد در تمام عالم تنها یک چنین قلب را مالک است. استیفر

کوکان چنانند که مادران باشند، بهترین پدر و بهترین مراقبت نمی تواند قلب کودک و زندگی او را چنان شکلی دهد که مادر میدهد. لاندور

کسانیکه بند گهواره کودکان را بدست دارند از آنها که زمام حکومتی را در دست گرفته اند مؤثرتر و با نفوذ تر میباشند. اسمایلز

مادر شدن مرحله کمال زن است.

من به سی و پنج سال رسیده بودم ولی یکبار نشد که مادرم پیش از بازگشت بخانه خواب به چشمش آمده باشد. آناتول فرانس

مادر یگانه موجودی است که حقیقت عشق پاک را میشناسد. بالزاک

مادر مهربان هر وقت دفتر عمر را با انگشتهای خاطرات ورق میزنم و دروتر می شوم. اسم ترا بیشتر می بینم و حتی جایی می رسم که سواي نام تو چیز دیگر نیست. آناتول فرانس

مادر شاهکار طبیعت است. گوته

گمان نمیکنم در جایی نوشته شده باشد که فضائل مادران را میتوان در کودکانشان دید همانگونه که گناهان پدران را.

مادر با دستی گهواره و با دستی عالم را تکان میدهد. ناپلئون

مردان همانند که مادرانشان ساخته اند! یا می شود از یک کارگاه کرباس بافی خواست که شال کشمیر بیرون دهد؟ یا از فلان مهندس توقع شاعری داشت یا از مقاطعه کاری خواستار اکتشافی در علم شیمی بود؟ امرسن

مادر آهن ربا قلب و ستاره قطبی چشم کودک است. ژرژهربرت

مرگ یک مادر همیشه با یک غم فراوان احساس می شود. ممکن است چندان سالم نباشد که بتواند درست به کارهای خانوایی رسیدگی کند و سهمی در اداره آن بر عهده داشته باشد، با وجود این همچون مرکز تلاقی شیرینی است که مهربانیها و فرامانبرداریها در آن با یکدیگر تلاقی می کند و متمرکز می شوند! زمین رفتن چنین مرکز تجمعی بسیار مایه اندوه است. لامارتین

مادر، سازنده جهان و تابلوی آفریدگار است. بتهوون

مادر دریایی است که سیل دردهای ما را تا قطره آخر می پذیرد و طغیان نمی کند، قاضی عادل است که حيله سازي و کینه ورزي طبیعت را همه جا می بیند و همیشه به بیگناهی ما فتوا می دهد. حجازي

ما ساخته و پرداخته کسانی می باشیم که دوستان داشته اند. آناتول فرانس

من از عشق بدم می آید، برای اینکه یک بار عاشق شدم و مادرم را فراموش کردم. مارک تواین

ناپلئون روزي به مادام کامیان گفت: برای آنکه جوانان فراسه خوب تربیت شوند به چه چیز نیازمند؟ او در جواب گفت: مادران خوب و امپراطور که تحت تأثیر جواب عالی قرار گرفته بود، گفت در این یک نظام است که با یک کلمه بیان شده است. جان الیوت

نام نیکی را که از پدر رسیده، باید همچو جام بلورین با احتیاط فراوان نگاه داشت. حجازي

هیچ زبانی نمی تواند قدرت و زیبایی و قهرمانی و جلال یک عشق مادری را بیان کند در آنجا که قامت مرد از ترس خم می شود این عشق جاخالی نمی کند و در آنجا که مرد سست می شود این افزایش پیدا می کند. و در هنگام از دست رفتن ثروت دنیایی، شعاع و وفاداری و فداکاری خاموش ناشدنی خود را همچون اختری آسمانی پرتو افکن می سازد. ا.و. چاپین

وای بر پدری که فرزند را نتیجه سوء عمل خود ببیند. حجازي

هزار سیلی مادر را در ازای یک بوسه از مادر خریدارم. مثل ارمنی

وقتی طفل خود را در آغوش گرفتی ارزش پدر را خواهی دانست. مثل انگلیسی

هیچگاه در زندگي نمی توانید مجتبی بهتر، عمیق تر، بی پیرایه تر و واقعی تر از محبت مادر خود بیابید. بالزاک

هر وقت مادر فاسد شد. نسل نیز فاسد میگردد. اسمایلز

هیچ چیز به قدر دیدن یک مادر با بچه اش روح پرور نیست و هیچ چیز حس حرمت و تقدیس ما را بقدر مادریکه بچه های او ویرا احاطه کرده باشند بیدار نمیکند. گوته

یگانه داوری که گناه ما را هرچه باشد می بخشد مادر است. حجازي

یک مادر خوب بصد استاد و آموزگار برتری دارد. ژرژهربرت

یک بوسه مادرم بود که مرا نقاش کرد. رافائیل

یک پدر میراثی گرانبها تر از نام نیک نمی تواند برای فرزندان خود بر جای بگذارد و نیز در یک خانواده میراثی گرانبها تر از خاطره یک نیای شریف و بزرگوار وجود ندارد. ج. همیلتن

پشیمانی

آدم لجوج چون دانسته خطا می کند بیش از دیگران بر خطای خود دریغ میخورد. حجازی
آنکه از انجام عملی پشیمان میشود دو برابر بدبخت است و دوباره ضعف از خود نشان داده است. شوپنهاور

اگر براه خطا رفتی از برگشتن مترس. کنفوسیوس

اگر غصه های بیحاصلی که خورده ایم حساب کنیم خیلی غصه خواهیم خورد. حجازی
اگر با خونسردی گناهان کوچک را مرتکب گردیم روزی میرسد که بدترین گناهان را هم بدون خجالت و پشیمانی ارتکاب کنیم.

اگر بامید حق شناسی نیکی میکنید میترسم پشیمان شوید. حجازی

اگر خواهی از پشیمانی رسته گردی دردنبال هوای دل مباش.

از بی ملاحظگی بپرهیز زیرا که مادر پشیمانها خوانده شده است.

بخشایش دل گنهکار را به پشیمانی وامیدارد. حجازی

امروز آتش فردا خاکستر است.

پشیمانی هر گاه جبران ناپذیر باشد بیش از هر حالت دیگر رنج آور و خرد کننده تر است.

پشیمانی مجازاتی است که در اثر ارتکاب گناه به ما روی میآورد و توبه کفاره آن، ژوبر

پیروزی حقیقی ظفریکه پشیمانی بدنبال ندارد، پیروزی بر نادانی است، شغلهایی که شرافتمندانه است و بیش از همه بملل سود میرساند، شغلهایی است که بتوسعه فکر آدمی کمک می کند. ناپلئون

چرا کسی از کاری پشیمان گردد که یکبار دیگر از آن پشیمان شده باشد.

در پاره ای موارد فریب خوردن بهتر از بی اعتمادی است. سرزنگ

خرده سنگ را به کوزه بزنی یا کوزه را روی سنگ بیاندازی باز شکست از کوزه است. مثل یوگسلاوی

غضب شعله ایست شیطانی و فرجامش موجب ملامت و پشیمانی.

عشق هفت ثانیه دوام دارد و هوس هفت دقیقه و اندوه و بیچارگی یک عمر.

گناهان ما سمج و توبه ما سست است. بودلر

مرغ ستمدیده بر نخواهد گشت. حجازی

هر قدرهم در یک جاده عوضی رفته باشی برگرد. مثل ترکی

یادداشتهای روزانه هم مثل نامه های عاشقانه خطرناک است، باید روزبروز آنها سوزاند.

پول_مال_ثروت

آدمی که پول ندارد مانند کمانی است که تیر ندارد. فولر

آنچه ریشه همه بدیهاست نفس پول نیست بلکه عشق و علاقه جنون آمیز پول است. مولوگ

آزمند هرگز از آنچه دارد راضی نیست. سن دوبران

آنکه ثروت خود را باخت زیاد باخته است ولی آنکه شهامت خود را باخت پاک باخته است. سروانتس

آزمند نیازمند است، اگر چه همه جهان او را باشد.

ارسطو را گفتند نگاه داشتن مال از حکما پسندیده نیست؟ گفت حکیمان مال را از برای آن دارند که محتاج لئیمان نگردند. ارسطا طالیس

آنها که حساب پاکست از محاسبه چه باکست. سعدی

از اسکناس چیزی بهتر نیست، نه خوراک میخواهد، نه فاسد میشود راحت توی جیب میرود و جای وسیع هم نمی خواهد. گوگون

آن تجارت رواست که به نفع مردم هم باشد حجازی

ارزش هر چیز آن مقدار از عمر ماست که در مقابل آن اکنون یا بعدها تقدیم می کنیم.
هنری ترو

اشخاص کم تجربه پول را آخرین علاج مشکلات می دانند. رازبلوی

اشخاصی هستند که همیشه در بیم از دست دادن ثروت خود زندگی میکنند و جز این
بیم از مالشان بهره ای نمیگیرند. ایوال

اگر پول را خدای خودنمائی مانند یک اهریمن آزارت خواهد داد. فیلدینگ

اگر میخواهی واقعا قدر پول را بدانی برو از رفیقانت درخواست وام کن. فرانکلین

اگر پول در جهان نبود هیچوقت جنگ نمی شد. ادنا

اگر به مال درویش گردی جهد کن تا به خرد توانگر باشی که توانگری خرد از توانگری
مال بهتر بود. قابوس وشمگیر

احمق و پولش بزودی از هم جدا می شوند. مثل افریقائی

اگر من هم مالک تکزاس و هم جهنم بودم، تکزاس را اجاره میدادم و در جهنم بسر
میبردم.

از کلماتی مانند پول استفاده کن. مثل آلمانی

انسان در موقعی که تمام دارائی خود را از دست بدهد تمام دوستان از میان میروند.
وتوشن

اگر پول در جیب نداری عسل در دهان داشته باش. مثل یونانی

انگلیسیها یک ملت و دکاندار هستند که قاره اروپا را دچار حریق کردند تا بازارهای دنیا
را منحصر به خود سازند.

اگر پول نبود این همه بدبختی دنیا روی نمی آورد. مثل چینی

چه بسا وجدان ها، جوانی ها و شادیهها، آسایشها و لذتها و تمایلات شخصی و
فامیلی را اسکناس این کاغذهای به ظاهر دستمالي شده از انسانها گرفته است
بجای آنکه پول را برای زندگانی بهتر بخواهند اغلب خود را برای او فدا می کنند.

بسا دولتمند که محتاج دلداری فقیر است. حجازی

اعم از اینکه بر حق باشی یا نباشی اهمیتی ندارد، اگر پول نداشته باشی خطاکار
بشمار خواهی رفت. مثل چینی

اول ضررها را حساب کن بعد منافع را.

بسا ترقی ظاهر که مایه پریشانی باطن می شود. حجازی
اگر خواستی به رستوران بروی بین جیب چه می گوید، نه معده. مثل فلاندي
بخیل برای ثروت خود نگهبان است و باي و ارث انبار دار. بوذر جمهر
با افزایش کیسه های سیم و زر آزمندی هم افزایش پیدا می کند. جو ونال
بزرگترین سرمایه من قدرتی است که در تولید هیجان در اشخاص دارم. شواب
بهتر است ثروتمند زندگی کنیم تا اینکه ثروتمند بمیریم. دکتر جانسون
با ثروت می توان برشیاطین فرمانروایی کرد، بدون ثروت حتی نمی توان بره ای را
احضار کرد. مثل چینی
بی پول صلح بد شواری بدست خواهد آمد. چر چیل
با هم برادر باشید ولی در ضمن حسابهایتان را نگاه دارید.
بدنبال شانس ثروت است و در تعقیب آن نکبت . مثل فرانسوی
با ثروت می توان برشیاطین فرمانروایی کرد، بدون ثروت حتی نمی توان بره ای را
احضار کرد. مثل چینی
بهر قیمت بخری از هدیه ارزان تر تمام می شود. مثل مراکشی
پستی عیبی است که با پول و مقام پوشیده نمی شود. حجازی
پول زاده پول است گاهی بدست آوردن اولین لیره مشکلتر از تحصیل ملیون لیره دوم
است. ژان ژاک روسو
پول مانند حس ششم است که به دونه آن نمی توان از پنج حس دیگر به طور کامل
استفاده کرد، بدونه در آمد کافی نصف امکانات زندگی بروی ما مسدود خواهد شد.
سامرست مرآم
پول متاعی است که با آن می تون همه جا وارد شد و همه چیز را بدست می آورد جز
شرافت و سعادت . شکسپیر
بدنبال شانس ثروت است و در تعقیب آن نکبت . مثل فرانسوی
با ثروت می توان برشیاطین فرمانروایی کرد، بدون ثروت حتی نمی توان بره ای را
احضار کرد. مثل چینی

پول کود درخت مدنیت است. امیل زولو

پول وتقوا د و کفه ترازویند یکی که بالا رفت حتماً دیگری پائین میآید. افلاطون

پول علاج گرسنگی را میکند ولی درمان اندوه و درد نیست. برناردشاو

پول درحقیقت بزبانی صحبت میکند که همه ملل دنیا آن را درک می کنند. افرابن

پول غلام مرد عاقل است و ارباب مرد احمق. مثل آلمانی

پول که به جیب راه یافت عقل ازسرت بیرون میپرد. مثل انگلیسی

پول ایمان خیلی ها را بریاد میدهد. مثل فرانسوی

پول داشته باش همه جا جایت است. مثل ایتالیائی

تنها کسیکه قرضهایش را میپردازد ثروتمند میشود.رافیت

تاجرشدن آسان است ولی تاجر ماندن هنر. مثل سویسی

تأسف جواب قرض را نمیدهد. مثل افریقائی

ثروت را برای زندگی بخواهید نه زندگی را برای ثروت. لرد آویبوری

ثروت ، صلح و آرامش را ضایع میکند. دیوژنس

ثروت در جنگ سلاح موفقیت و درعشق اسباب کامیابی. مولیر

ثروتمند چون شبنم در آفتاب است. مثل آفریقائی

حرص فوق العاده انسان هیچوقت پایان پذیر نیست. سیرون

خرد گرانبها تر از طلاست، زیرا کمیاب تر و مفیدتر است. فوشه

در پس پرده تمام جنایات انگیزه مادی آن بچشم میخورد. گاندی

زر و زور و زیور هر سه فانی است. مثل انگلیسی

روح بانشاط گنجینه گرانبهای ثروت است، خوی خوش میراث بزرگی است.

دشمن انسان اموال انسان است.

زر را دوست بسیار است و زر دار را دشمن بیشمار.

دنیا را پول اداره میکند.

زود خوابیدن و زود برخاستن ، مرد را سلامت، ثروتمند و عاقل میکند. فرانکلین
درخت تجارت در باغ آشتی میوه میدهد.

غالباً از دنیا نعمتی میخواهیم که اگر بدستمان رسید دشمن جانمان میشود. حجازی
دو تاجر همکار بندرت با یکدیگر موافقت.

در این زمان حصار عفتی نیست که اسلحه پول در آن رخنه نکند. برنارد شاو

پیمان و وفا

شکست پیمان و نقض عهد از شریعت و آئین مردی فرسنگها دوراست. بزرگمهر
پیمان شکن را با مردی و مردمی چکار؟

طبیعت در مقابل عهد و پیمان بشری بی اعتناست. جورج نیکولا
سند پاره میشود، قول پاره نمیشود. مثل آلمانی

طوقی برگردن خود نینداز که نتوانی بازکنی مگر با زحمات زیاد.
آیا خودت با وفا هستی که انتظار وفا داری. مثل آفریقائی

علامت جوانمردی سه چیز است یکی وفای بیخلاف، دوم ستایش بی جود، سوم عطاء
و بخشش بی سؤال. معروف کرخی

حیوان به پایش بسته میشود انسان بقولش. مثل انگلیسی

قول مانند تیراست همین که پرتاب شد هیچ وقت بکمان برنمیگردد.

کسانیکه دیر قول میدهند خوش قولترین مردمان دنیا هستند. ژان ژاک روسو

هیچ قانونی نمیتواند نیکی و صحت عمل و معروفیت مرا مثل عهد و میثاق خودم
نگهدارد. توماس براس

وفاداری به حال است که وفاداری به آینده ، را آماده میسازد. فنلون

وفای به عهد و نگاهداری پیمان هر اندازه که در مردمی فزونی یابد آن جامعه شایسته
برومندی گردد.

میان انسان و شرافت رشته باریکی وجود دارد و اسم آن قول است.
وفای به عهد و نگاهداری پیمان هر اندازه که در مردمی فزونی یابد آن جامعه شایسته
برومندی گردد. مثل فرانسوی

قضاوت

هر اشتباهی را علتی است . مثل افریقائی
هر درختی ریشه ای دارد و هر اختلافی علتی . مثل افریقائی
هرگز درباره هیچکس قضاوت نکنید مگر آنکه خود را بجای او بگذارید. مثل یونانی
هیچکس نمی تواند قاضی عادل برای کردار خود باشد. مثل انگلیسی
هیچ کس نمی تواند از پنجره راه رفتن خودش رادر پیاده روبیند.
عیوب دیگران را نباید با انگشت کتیف نشان داد . مثل ایتالیائی
قاضی رشوه گیر قبل از مرگ دیوانه می شود . مثل ژاپنی
باید حرف دو طرف را شنید. مثل آلمانی
بظاهر نباید قضاوت کرد. مثل آلمانی
مشکلی که خوب تشریح و حلاجی شده باشد نصفش حل شده است. دلیل کارنگی
مغلوب شدن بحق گواراتر از پیروزی به باطل می باشد . مونتسکیو
من به قضاوت کسیکه پای منافع خود وی در میان است اعتماد ندارم . ولتکیتون
محک طلا آتش است و محک انسانها طلا. مثل چینی
من از آنچه از دهانت خارج شود راجع به توقضاوت خواهم کرد. مثل چینی
میمون هرگز میمون دیگری را مسخره نمی کند . مثل افریقائی
وحشی ترین اشخاص آسانتر از همه متهمین را محکوم می کنند.
هر مجرمی را بنگرید همه کس را ملامت می کند جز خودش را . دلیل کارنگی

همه کس عیبهای خود را با دوربین و نقص دیگران را با ذره بین نگاه می کند . امیل اوژید
هیچ کوچک را حقیر مشمارید باشد که از شما فزونی یابد. افلا طون
عوام ثروتمندان را محترم می شمارند خواص دانشمندان را. افلا طون
قضاوت فوری در چیزهائیکه جنبه های مختلف دارند دلیل رفاهست و دیوانگی است .
مونتن
قاضی که بیگناهی را محکوم سازد وجدان خود را محکوم ساخته است. مثل سوئدی
کسیکه راجع بدیگران قضاوت می کند خویشتن را محکوم کرده است. مثل ایتالیائی
کسیرا که امروز تحقیر می کنی بعید نیست فردا لازم باشد از او تعریف کنی . مثل
پرتغالی
گاهی انسان می بیند خودش عفریتی است ونمی دانسته.
گاو ممکن است سیاه باشد ولی شیرش سفید است.مثل روسی
مرد بزرگ یکطرفه قضاوت نمی کند. کنفوسیوس
در کار ایده ال نمی توان جانب انصاف را نگاه داشت . لا مارتین
در قضاوت عجله نکن ودامن پاک پاکان را با تصورات بی جای خود آلوده ندان .
دوچیز آسان است یکی شمردن معایب مغلوب ودیگریشمردن محاسن غالب . تن
روباه نباید موقع محاکمه مرغ قاضی دادگاه باشد . مثل چینی
زمان درباره همه چیز قضاوت می کند. مثل یونانی
زنیکه مردها را مسخره می کند محکوم به اینست که تا آخر عمر دختر بماند. مثل
یونانی
شخصیت اشخاص را می توان بانفوذی که آنها بروی دوستان خود دارند سنجید.
اسکار وایلد
شک حالت مطبوعی نیست ولی ادعای یقین مسخره آمیز است. ولتر
صورت شما کتابی است که مردمان می توانند از آن چیزهای عجیب بخوانند .
شکسپیر

طبیعت انسانی است هر مجرمی را بنگرید همه کس را ملا مت می کند جز خودش را.
دیل کارنگی

باید حرف هر دو طرف را شنید. مثل المانی

برای کسیکه غرق شده است دنیا هم غرق شده . مثل عبدی

بظاهر نباید قضاوت کرد . مثل المانی

تشخیص دادن عیوب خیلی بهتر از دیدن عیوب است. دیل کارنگی

چون همه علت ها را درک کنید همه چیز را می بخشید.

چندان خوب در میان بدان ما وچندان بد در میان خوبان ما وجود دارد که همه ما را از ان
باز می دارد که درباره دیگران سخن نگوئیم. رابرت

چهره و سیمای همه مردمان راست ودرست است دستهایشان هرچه خواهد باشد.
شکسپیر

خون تمام افراد بشر یکرنگ است ولی لیاقت آنها..... مثل آلمانی

دادگاه به ظواهر ومدارک موجود نگاه میکند وچه بسا اشخاصی که هزاران جنایت
مرتکب می شوند ومدرکی باقی نمی گذارند.

اگر وجود خار در گل مایه اندوه ماست وجود گل در کنار خار باید مایه شادی ماباشد.
گوته

حالا شما به من بگوئید لطفا آخر با کدام ساز این مردم باید رقصید که خوششان بیاید
. مجید سبزواری

اختلاف زن وشوهر نباید در بازار عرضه شود . مثل افریقائی

اختلاف نظر دوستان را بهتر است روز دیگری بررسی کرد. مثل افریقائی

اگر یک مقصر تبرئه شود بهتر است تا یک بیگناه محکوم گردد. مثل فرانسوی

باید مواظب باشیم که حکم مستقیم و صریح ندهیم بلکه پند ودستور را بصورت
پرسش ادا نمائیم . دیل کارنگی

به من بگوئید چه اشخاصی را می پسندید تا بگیریم تو خودت کیستی واز هوش وذوق
چه مایه ای داری .سن بوو

باریکه نمی کشی نمیدانی چقدر سنگین است. مثل افریقائی

به خودت سرزنش کن همچنان که دیگران را دوست می داری . مثل چینی
آدم خشمناک نمی تواند حقیقت را بگوید. مثل چینی
آدم باید کلاه خودش را پیش خودش قاضی کند. مثل ایرانی
آن داوریکه با ظهار یکطرف گوش دهد به هیچ چیز صمیمی گوش نداده . مثل انگلیسی
آنچه یکی را می گریاند ممکنست دیگری را به خنده اندازد . مثل انگلیسی
احساس دل بالاتر از منطق است. ژان ژاک دوسو
از روی رنگ خاکستری مو نمی توان عمر قلب را شناخت. بودا
از خطاهای کوچک بپرهیز که قوه قضاوت و معرفت را ضعیف می سازد. کتاب هند
اعتراف به نادانی از چیزیکه نمی توانم مرا شرمگین نمی دارد. سیسرون

قناعت

آدم ولخرج امروز گدای فرداست.
آنکس که آنچه را نمی خواهد می خرد بزودی مجبور خواهد شد لوازمش را بفروشد.
مثل یوگسلاوی
ای خداوندان نعمت اگر شما را انصاف بودی وما را قناعت رسم سئوال از جهان
برخاستی . سعدی
اگر صرفه جوئی زراعت کنیم ازادی درو خواهیم کرد و این محصول طلائی است. اکیلا
روس
اگر می خواهی بنده کسی نباشی بنده هیچ چیز نشو . ژاک دوآل
اگر چه در کنار جنگل زندگی می کنی قدر چوب را بدان مثل چینی
اگر از قرض می ترسی در خانه ات را باز نکن . مثل انگلیسی
انسان به چیزیکه از آن منع شده حریص است .
برای کسیکه هیچ ندارد قرض هم یک نوع دزدیست. روسو

برای اینکه بشر بتواند در دنیا خوشبخت زندگی کند باید از قسمتی از توقعات خود بکاهد . شامفور

بسیاری اشیا لوکس و چیزهائیکه وسایل آسایش خوانده شده نه تنها ضروری نیستند بلکه موانع بزرگی فراراه ترقی و تعالی انسانند. تورو

برای قانع حتی فقر و گمنامی خوشی آور است برای ناراضی حتی ثروت و افتخار مهنت است. مثل چینی

چنان شیرین مباش که تو را فرو برد و چنان تلخ مشو که از دهان به دور افکندند. طیس

توانگری به قناعت است نه به بضاعت. سعدی

دیوانگی است که برای خریداری اشياء بی مصرف و کالای تجملی انسان خود را گرفتار قرض کند. فرانکلین

شعله اصراف نمی تواند پایدار بماند آتش های تند زود خاموش می شود باران آهسته دائمی است طوفان ناگهانی امتداد زمانی ندارد. شکسپیر

صرفه جویی فقیر متمول و متمول را عاقل گرداند. دوما

قانون تعادل و توازن یکی از مهمترین قوانین خلقت است. ایران شهر

قانع باش و میانه روی پیشه کن که اصل همه پندها این است. کیکاوس

قناعت کیمیایی است که هرچه را لمس کند طلا می شود. فرانکلین

کسیکه همیشه زیاد تر از لازم خرید می کند روزی مجبور می شود لازم را بفروشد. فرانکلین

کلید ثروت قناعت در مصارف است نه دنائت در خرج.

من خود را محتاج نمی دانیم زیرا طریقه قناعت را یاد گرفته ام .

کار - کاهلی

آدمی را امتحان به کردار باید کرد نه به گفتارچه اکثر مردم زشت کردار و نیکو گفتارند. فیثاغورث

آنانکه بعلم خود عمل نکنند مریضا مانند که دوا دارد و بکار نبرد. دیمقراطیس

ان عمل خوبست که حداکثر خوشی را برای حداکثر افراد فراهم می نماید . هنجسون
ان عملی که عاری از فساد و با نیتی پاک توأم باشد بهترین عمل است. بوعلی سینا
آنکه روز گارش به تنبلی گذشت دچار عسرت و پریشانی گشت.
ابلهان را به کثرت کار و زحمت می توان تربیت کرد. بزرگمهر
از جمله فوائد کار اینست که روز ها را کوتاه و عمر را دراز می کند. دیدرو
از امروز به بعد علم و عمل بر دنیا سیادت می کند .
اشتغال بهر کاری بهتر از تنبلی و بیکاری است. اسمایلز
اشخاصیکه هرگز وقت ندارند آنهایی هستند که کمتر کار می کنند . شوپنهاور
اگر بخواهی بگفته تو کار کنند به گفته خود کار کن.
اگر هرروز راه عوض کنی هرگز به مقصد نمیرسی . بالانش
اگر کار را به قسمت های کوچک قسمت کنیم و جز بجز انجام دهیم هیچکار دشوار
نیست. هانری فورد
اگر مرد تا هفتاد سالگی هر روز خود را از کار ناتوان دید بهتر است همانروز بمیرد.
ادیسن
اگر کمتر به غیر ممکن عقیده مند باشیم خیلی کارها خواهیم کرد . حال اشیریر
اگر این همه وقت و فکر و حرف بپهرده را صرف کار مفیدی بکنیم البته بجائی
خواهیم رسید. حجازی
انسان فرزند کار و زحمت خویش است. داروین
انسان بر احساسات خود حاکم نیست ولی بر اعمال خویش حکومت دارد. لوگوره
انسان در کار دیگران عاقل تر است تا در کار خویش. لادوشفوغولد
اینکه ما گمان می کنیم بعضی چیزها محال است بیشتر برای آنست
که برای خود عذری آورده باشیم. لادوشفوغو
ابر پر صدا باران ندارد . مثل ایرانی

اگر توانایی انجام کاری را در خود داری بدانال ان برو وگرنه چرا ابروی خود را می ریزی.
مثل یونانی

احمق در کار همه دخالت می کند بجز کار خود. مثل المانی

اگر از فردا مطلع باشی امروز کار نمی کنی . مثل چینی

اگر نمی توانی گاز بگیری دندان نشان مده. مثل ایرانی

ای تنبل برو نزد مورچه وراه وروش او را بیاموز عاقل باش .

با شک و تردید کاری از پیش نمی رود. ناپلئون

با استعمال فرسودن وتمام شدن بهتر از باقی ماندن وزلگار گرفتن است. مونتسکیو

باشدت کار کن وبا شدت ببازی پرداز. روزولت

باید لب فرو بست وبازو گشود وکار نکرد ودم نزد یقین نمود که کلید طلائی کامیابی
کاروکوشش است .بزرگمهر

بچیزهای کوچک خود را گرفتار کردن از کارهای بزرگ باز ماندن است. کنفوسیوس

برای آنچه هستم مدیون قدرت اراده واخلاق وپشتکار وجرات خود می باشم. ناپلئون

برای من زیباترین روز ها روزی است که از نتیجه کار خود دران روز خرسند باشم.

برای بهره مندی از اوقات فرصت و فراغت نیاز مند خستگی حاصله از کار هستیم. والتر
اسکات

بدون کار هر نوع زندگی فاسد می شود. کاموس

برای شب پیری در روز جوانی چراغی باید تهیه کرد. پلو تارک

بدبختی آدم از جهل نیست از تنبلی است . دیل کارنگی

برای بهره مندی از اوقات فرصت و فراغت نیازمند خستگی حاصله از کار هستیم . والتر
اسکات

برای اشخاصی که فقط در فکر کار هستند فرصت تظاهر باقی نمیماند . روز ولت

بسی گنج که از رنج فراز آید واز کاهلی از دست برود. قابوس وشمگیر

بهترین یارو پشتیبان هر کس بازوان توانای اوست. کتاب کارونندگی

بي نظمي در كار بدتر از بي اطلاعي از ان است در كارهاي زندگي بايد بخود اعتماد داشت وبس .فرانكلين

بهترين ويتامين كه افراد تنبل بان اختيار دارند عبارت است از كار. كتاب كار وزندگي

بيچاره كسي كه از ترس شكست دست به كار نمي زند.

پدرم بمن كار كردن را آموخت نه عشق وعلاقه بكاررا. لينكلن

پيش از اقدام بكار توانائي خود را بسنج وموجبات ووسايل آنرا در نظر بگير . سه رنگ

پيروزي با كسانيكه پيش از ديگران پشتكار دارند . ناپلئون

تا مقداري از كار باقي است شخص بايد خيال كند كه هيچ نكرده است.

تا زنده ام لحظه اي آرام نخواهم گرفت راحتي كردن ومردن نزد من يكي است . ناپلئون

ترقي مولود فعاليت دائمي است زيرا استراحت چيزي بجز انحطاط در بر ندارد . گوستاولوبون

تصور ما، دانائي ما، خيال ما، از نقطه نظر حصول نتيجه اهميت ندارد تمام اهميت در كارهاي ماست.راسگين

تمام كارهاي شريف افتخار انگيزند.

جنون زندگاني رهباني وگوشه گيريوانزوا حكم مرض آبله را دارد براي مغز . پيتر س

تبلي ادم را خيالپرست بار مي آورد . پوسه نه

جواهر بدون تراش ومرد بدون زحمت كار ارزش پيدا نمي كند.مثل چيني

چه بسااشخاصيكه فقط به صداي طنين كلنگ گوركن از خواب بيدار مي شوند . ناپلئون

جوانها همه در انتخاب كار بايد ازاد باشند چه اگر رضايت خاطري نباشد هيچ كار خوب انجام نمي گيرد.

تاثيرات اوليه بر وجود ما حاكمند . مثل چيني

چه بسا فعاليت هائي كه در اثر فقدان كمبي فعاليت بيشتري اثراتش از بين رفته وتبديل به هيچ شده است . اي . ه . هاريمان

چه بسا يك قدم بانجام مانده كار را بر هم مي زنيم .اونه كينگ

خوشي وشادي زودترازكار وكوشش انسان را خسته مي كند .

سگ بیکار گرفتار گری و خوره می شود. پورتن

ما همه از کارهایی خسته می شویم که انجام نمی دهیم وگرنه انجام کار هرگز ما را خسته نمی کند.

گاواهنی که همیشه کار می کند بسیار براق است. مثل یونانی

کفش گشاد که پوشیدی حاضر بزمین خوردن باش. مثل چینی

کسیکه به پشتکار خود اعتماد دارد ارزش برای شانس قائل نیست. مثل ژاپنی

کسیکه در آغاز کار فکر و تامل نکند در پایان کار آه خواهد کشید. مثل ایتالیایی

کسیکه در کارش نادرست است در همه چیز نادرست خواهد بود.

کسیکه در آفتاب زحمت کشیده حق دارد که در سایه استراحت کند. مثل آفریقایی

کارکردن خوب است اما زندگی کردن را فراموش مکن. مثل آفریقایی

کره زمین مال مردم با پشتکار است. مثل آلمانی

کوشش نخستین تجلی قدرت نخستین قانون خلقت و نخستین چرخ گردونه سعادت است. ایرانشهر

کارکن اگرچه تنها باشی و چنان انگار که همیشه ده چشم از هر سو ترا نگاه می کند. کنفوسیوس

کاروکوشش ما را از سه عیب دور می دارد : افسردگی ، دزدی و نیازمندی . ولتر

کار قانون زندگی است ، قانون کلیه اکتشافات و تمام پیشرفتها .

کار خودت را بخوبی بفهم و آنرا بجا آور و مانند یک قهرمان خود را با آن کار مشغول کن. کار لایل

کار کن پیش از آنکه نیازمندی بکار و ادارت کند. فرانکلین

کردار بلندتر از گفتار حرف می زند. کارولین

هیچ یک از تمایلات نفس انسانی مضرتر و خطرناکتر از تمایل به تنبلی نیست. اسمایلز

همیشه در هر جایی که هستی بکاری مشغول باش . هانری فرد

هر کار بزرگ در آغاز محال بنظر می رسد. کار لایل

هنگام شروع کار بانداره کافی غورودقت کنید تا در میان کار تردیدی به شما دست ندهد . نوسلن

هر کاریکه تصمیم آنرا بگیریید نصفش را انجام داده اید. لینکن

هرگرنمی توان با آدمهای کوچک کارهای بزرگ انجام داد . سیدرون

هر کس داند در خور چه کار است وپی آن شود حکمتی بزرگ باشد . سقراط حکیم

هر کس بیشتر تحمل رنج و مشقت نماید بهتر می تواند کار کند . میلتن

گفتار شیرین و کردار تلخ خیلی هارافریب داده است. مثل فرانسوی

مجبورم کارکنم وگرنه اخلاق من فاسد خواهد شد . تولستوی

یک نفر نمی تواند در عین حال در دو قایق پارو بزند. مثل آفریقائی

یک وجب کار بیش از یک جریب وعده میارزد . مثل یونانی

یک روز بیکاری چون یکشب بیخوابی خسته کننده است .پتی سن

یک کار نیکو گاهی یک شخص ویک ده ویک شهر وگاهی یک ملت را رستگار می کند وترقی می دهد.گوته

هنگامیکه برادران باهم کار کنند کوه مبدل به طلا می شود. مثل چینی

هر قدر بیشتر ماهی بخواهی باید به دریا بیشتر نزدیک شوی . مثل انگلیسی

همه خوبند اما نه برای همه کار . مثل اسپانیولی

هر چه تعداد کارکنان کمتر باشد نوع خدمت بهتر خواهد بود . مثل چینی

هر سفر هزار فرسنگی هم با یک گام آغاز می شود .مثل چینی

هیچ کس آنقدر ابله نیست که برای هیچ نوع کاری لیاقت نداشته باشد. ناپلئون

در دنیا کسی نیست که وجودش برای کاری بدرد نخورد .نظام الملک

در شغلی که بتو محول نیست اندیشه وتدبیر مکن. کنفوسیوس

داشتن یک حرفه بمنزله تملک یک ده است. فرانکلین

در سال ۱۸۱۶ ناپلئون طی گفتگویی چنین گفت کار عنصر ذاتی من است من برای کار دنیا آمده ام و ساخته شدم من بمحدودیت قوه پاهایم و محدودیت قوه چشمانم پی برده ام ولی هرگز نتوانستم به محدودیت قوه کار کردن خود پی ببرم.

دنیا از آن کسانی است که حرارت و انرژی دارند . ناپلئون

دو اهرم برای برانگیختن مردم بسعی و کوشش وجود دارد یکی نفع و دیگری ترس. ناپلئون

دیروز را فراموش کنید امروز را کار کنید به فردا امیدوار باشید. کتاب وزندگی

رختخواب نرم خواب سنگین میآورد. مثل روسی

زندگی بدون کار مردن پیش از وقت است .گوته

گرانیهاترین مردم کسی است که گنجینه گرانیهایی عمر را برایگان از دست ندهد و وقت گرانیها راتلف نکند. اسمایلز

زن

بزرگترین دشمن زن بیحوصلگی اوست. پل ژانه

تمدن نتیجه نفوذ زنان پارساست. امرسون

چهره یک زن نماینده شوهر اوست و پیراهن یک مرد معرف زن او. مثل یوگسلاوی

تواضع زینت زن است. مثل هندی

حساسیت ، عشق ، تحمل و فداکاری زندگی زن را تشکیل میدهد. بالزاک

در دنیا تنها دوچیز زیباست، زن و گل. مالرب

خانم، زیبایی شما فقط چشم را لذت میبخشد اما زیبایی اخلاق و فهم شما روح را نوازش میکند. ولتر

درآغاز هرکار مهم زن وجود دارد. لامارتین

خوشبخت ترین زن کسی است که مردرا بعداز ازدواج بهترین مردجهان بکند. نیوتن

اگر زن نبود نوابغ جهان راکه پرورش میداد . ناپلئون

اشک در زن سبب تسکین آلام درونی میشود ولی در مردم مردانگی را تباه میسازد.
ناپلئون

اگر تربیت زن و مرد یکسان بود نیرو و فراست آنان نیز برابر میشد. منتسکیو

اگر میخواهی اندازه تمدن و پیشرفت ملتی را بدانید، بزنان آن ملت بنگرید. ناپلئون

از خاندان متمول اسب بخر واز خاندان فقیر زن بگیر. مثل استونی

بهر اندازه که زن آرام و مطیع و با عصمت و عفت است به همان اندازه قدرت فرمانروایی او شدید تر و استوارتر است. همیشه

ای زن اگر طلاق میخواهی بمادر شوهرت سلام مکن. مثل فرانسوی

تا وقتی که زنان نیز در زمینه علم و دانش سخن خویش را نگفته اند نمیتوان از دانش واقعی حرف زد. همیشه

نخستین کسیکه میتواند زن را فریب دهد خود اوست. لافونتن

در زنان هوش و در مردان قریحه و استعداد بیشتر است آنچه را زن با چشم دقت و بررسی می بیند، مرد با دیده تعقل و اندیشه مینگرد. روسو

شیرین ترین چیز در زندگی عشق زن پاکدل بشوهرش بود. ولتر

در دنیا هیچ منظره ای جالبتر از زنی که مشغول پختن غذا برای مرد محبوب خویش است وجود ندارد. توماس ولف

زن عاقل باشوهر بی پول خوب میسازد. مثل روسی

یک زن کامل کسی است که بداند چگونه فرمانروایی کند. هوگو

هیچ فضیلتی نمیتواند در زن کمبود مهربانی او را جبران سازد. میس اوژه وارت

یک زن چیزی جز شوهر نمیخواهد ولی وقتی که به او رسید همه چیز میخواهد. شکسپیر

زن کلید خانه است مواظب باش آنرا گم نکنی. مثل ژاپنی

همسر خوب بهترین یاور در یک صحرای سنگلاخ و پرمخاطره زندگی است. اسمایلز

زن و پرنده بدون آنکه به عقب برگردند نمیتوانند ببینند. مثل فرانسوی

گرانبهاترین زینت برای زن که هیچ زنی از آن برخوردار نیست سکوت است. مثل یونانی

کسیکه زن خوب بدست آورد بزرگترین سرمایه را بدست آورده است. مثل چینی
زن شریک زندگی و یار ساعات درماندگی است. گوته

شیرین ترین سخنان در زندگی خوش آمدگویی بی غل و غش زن بشوهر خویش
است. جرج ولز

زن مخزن اسرار خلقت است. کارل کونزوکو

زن مانند شیشه ظریف و شکستنی است هرگز توانایی مقاومت او را نیازماید زیرا
ممکن است شیشه ناگهان بشکند. سروانتس

زن در کلیه اعمال انسان سهیم است . ارتست ناویل

از چه بسا کارهای بزرگ و درخشانی را بما الهام میدهد که اگر او نبود از انجام آن
سربازمیزدیم. الکساندر دوما پدر

زن زیباترین و عزیزترین موجودات جهان است. کنفوسیوس

زن برای آن آفریده نشده که وجودی عاطل و باطل باشد و فقط بدرد زینت و تفریح مرد
بخورد. اسمایلز

زنانی که میخواهند مرد باشند زنانی هستند که میدانند زن هستند. الکساندر دوما

زن آئینه ایست که چهره های گرفته را خندان و صورتهای پیر را جوان نشان میدهد.
هرود

زن عاقل خانه خود را آباد میکند و زن نادان آن را برباد میدهد. تریستان برنارد

زن فرشته ایست که بزندگانی انسان روح و بحیات بشری قیمت میدهد . محمد
مسعود

زن بهترین مربی و آموزگار انسانی است
زیرا تعالیم و تربیت های وی بیش از تمام مربیان
دیگر به جنبه محبت و انسانیت نزدیک میباشد. استیل

زن همیشه سن خود را از تاریخ ازدواج حساب میکند نه تاریخ تولد. ارهارد

زن پهلوانی است که دلیرترین مردان را در سخت ترین اوقات خشم آرام میکند. هرود

زیبایی

انسان باید از هر حیث چه ظاهر و چه باطنی زیبا و آراسته باشد. چخوف آن نعمت نصیب ماست که قدرش را میدانیم و گرنه ا زصورت زیبا برای کورچه حاصل؟ تن جمال اگر چه مایه شرافت است ولی مقرون به هزاران شر و آفت است. شوپنهاور با اینکه میدانیم زیبایی و خوبی دشمن هم هستند چرا این آب و آتش را در یک وجود طالبیم؟ تن جمال دامن است که طبیعت در راه عقل میگستراند. ارشمیدس درمرد نیک روی اگر فضیلتی باشد، فضیلت بیشتر از زیبایی او جلب توجه میکند. دیرزیل چشمان زیبای اشکبار از لبخند زیباتر است. کامپ پل زیبایی قضیه منطقی است که صغرای آن چشم و کبرای آن قلب و نتیجه اش شوق و شوراست. سقراط در حقیقت زیبا آنست که بانسان برتری بخشد. بانواستاهل زیبایی بدون عفت و فضیلت چون گلی خوشرنگ ولی بی عطر است. سقراط دلداده زیبایی تنها مباحش، دلداده کمال باش. زیبایی بهر جا که وارد میشود مهمان عزیزی است و پذیرائی خواهد شد. گونه در جوانی همه چیز زیباست. مثل آفریقائی زیبایی چنان پرشکوه و مقدس است که هر جا بوجود آید هر قدر در طول قرون و اعصار دستهای ملل وحشی بانهدام آن بکوشند باز آثار آن پابرجا میماند. آناتول فرانس در زیباترین هلو ممکنست کرم باشد. مثل آفریقائی گلها را تقسیم میکردند، گل سرخ نصیب خارشد. مثل ترکی زیبایی جاذب زیبایی است. هانت

اگر مرا مخیرکنند زیبایی یا حقیقت را انتخاب کنم، من بی درنگ زیبایی را انتخاب خواهم کرد زیرا اطمینان دارم که در زیبایی حقیقتی است و قدمی فراتر گذارده و میگویم هیچ چیز دنیا حقیقت ندارد مگر زیبایی آن. آنا تول فرانس

زیبائی سکه طبیعت است که نباید احتکار شود. میلتن

هیچ چیز زیباتر از یک قفل بسته نیست، البته تا زمانیکه کسی نداند چگونه آن را میتوان باز کرد. مترلینگ

زیبائی ناپایدار است و فضیلت جاودانی. گوته

به نظر من، ما روزی خواهیم مرد که نخواهیم و نتوانیم از زیبایی لذت ببریم و در صد ناباشیم آن را دوست بداریم. آندره ژید

زیبایی ظلم کم دوامی است برای صاحبش ولی ثروتی است برای سایرین. سقراط

زیبائی در چشم بیننده است. مثل انگلیسی

سخنوری

آنکه درون آرامی دارد همچنان پندار و گفتار و کردار آرام دارد. بودا

آنچه انسان را از حیوان تمیز میدهد، صفت دروغ و حس بیان است. آنا تول فرانس

چه بسا اثرهای زبان که بالاتر از نتایج شمشیرند. دکتر خلیل ثقفی

آهنگ صدا هرچه ملایم و مطبوع باشد سخن مؤثر و دلنشین تر خواهد بود. جان کایزل

حرف خوش در آهنین را باز میکند. مثل یوگسلاوی

استماع دقیق را بیاموزید طرف را تشویق کنید که از خود سخن بگوید. دیل کارنگی

اگر انسان نتواند مانند توده و عامه فکر کند لااقل باید مثل توده و عامه حرف بزند. آنا تول فرانس

آنکه درون آرامی دارد همچنان پندار و گفتار و کردار آرام دارد. بودا

هرگز قبل از فکر کردن حرف نزن و کاری انجام مده. فیثاغورث

اگر خواهی که بردلت جراحت نرسد که هیچ مرهم نپذیرد با هیچ نادان مناظره مکن.
وقت سخن گفتن مبارزه مکن و دراب تند و ژرف شناوری نکن.
اندیشه کردن که چگویم به از پشیمانی خوردن که چرا گفتم. سعدی
کسیکه نمی تواند حرف بزند نمی تواند ساکت بنشیند. مثل لاتین
جلوی زبان دیگری را نمیتوان گرفت ولی اگر خوب زندگی کنیم این خود مایه شکست
و تحقیر آنان میشود. کاتو
زبان بهترین و بدترین چیزهای دنیاست . ازوپ
چه آسان حرف سرد میزنیم و میرنجانیم اما حرف مهربان چه خوشگل بزبان میآید.
حجازی
زبان بمراتب بیشتر از قلب انسان را گول میزند. دیسرائیل
حکمت درختی است که ریشه آن در قلب است و میوه آن در زبان . بطلمیوس
دشمنیکه کلام شیرین برب دارد شمشیرش تیزتر است. مثل آلمانی
دهان که لق شد همه جای آدم لق میشود. مثل انگلیسی
مرد بی شهامت کسی است که در جائیکه باید اعتراف کند خاموش بنشیند . آبراهام
لینکلن
در خوردن حرف هیچکس سوء هاضمه نمیگیرد. چرچیل
گناه اصلی به گردن کسانی است که بجای پند نیکو دادن کوشش میکنند سخنی
بگویند که شما را خوش آید. مونتئرزسیون
در نظر مردم سخن سنج قدر سخن بیش از گنج است. بزرگمهر
کلمه ای که خوب فهمیده شود ده ها بار بیش از بارانی از کلمات توخالی اثر دارد.
کسیکه هرچه ببیند و بشنود و به او برنخورد و متغیر نشود من اصلاً با او کاری نخواهم
داشت.
خوشا بحال کسانی که چیزی ندارند بگویند، همین را هم نگویند. ژان گهنو
حرف حق در شما مؤثر خواهد بود حتی اگر آنرا قبول نداشته باشید . فرانکلین

سعادت

بزرگترین سعادت فرار از فلاکت است. الیوت

از آن در شگفتم که در سینه دلی دارند و می پندارند که آسایش و سعادت بشر جز مهر و صفا راه دیگری دارد. هوگو

افسوس، یگانه سئوالیکه هیچکس نمیتواند پاسخی بآن بدهد اینست ، سعادت چیست؟ برادلی

حسن شهرت و نام نیک بزرگترین سعادتهاست. شیلر

اول صحت ، دوم جمال، سوم مال ، چهارم رفیق اینها پله های نردبان سعادت است. ساموئیل

را زسعادت در اینستکه کاری که بتو واگذار شده دوست بداری. الدوس هاکسلی

ای مردم چرا سعادت را در خارج میجوئید ، سعادت درون خود شماست . بیوئیوس

سعادت آنست که انسان دنیا را همانطور که آرزو میکند ببیند. کورنور

بایستی با روح خود آشنا شده و سعادت را در اعماق روح و قلب خود جستجو کنیم. فیثاغورث

سعادت مند کسی است به مصائب و مشکلات زندگی لبخند بزند. شکسپیر

تربیت یگانه های بشر بسوی رستگاری است و تنها موجد سعادت است . پلوتارک

سعادت مثل هر فضیلتی ازدوچیزیه وجود می آید، صرفه جویی و کوشش. ولتر

تمام افراد بشر طالب سعادتند ولی هیچکدام از آنها رموز سعادت و راه آنها را نیافته اند. شاتوبریان

سعادت مند کسی است که درهجوم و مقابله مصائب خود را نبازد. پاسکال

چه سعادت بیاید و چه نیاید، آدمی باید سعی کند خود را از سعادت بی نیاز گرداند. ژرژ الیوت

سعادت بسته به کار و حسارت است. بالزاک

خوشبختی خانوادگی طولانی ترین و محکمترین و شیرین ترین سعادتهاست . ولتر

سعادت انسان در کاروتفکروسعی در حفظ شرافت و تقوی است. سیسرون
دست طبیعت در هر دل پاک این احساس شریف را گذاشته است که او به تنهایی
نمی‌تواند خوشبخت شود و او باید سعادت خود را در خوشبختی دیگران بجوید. گونه
سعادت همیشه دوستان شومی همراه دارد. جان اشتنبک
دنیا اطاق انتظار سعادت است همه در این اطاق جمع میشوند ولی بکمتر کسی
اجازه ملاقات داده نمیشود. نظام وفا
سعادت دیگران قسمت مهمی از خوشبختی ما میباشد. کلبر
سعادت در فراغت خاطر بی قیدی و خوشگذرانی و کناره گیری از اجتماعات وهیاهوست.
اپیکور
سعادت جامعه بمراتب مهمتر از سعادت فرد میباشد. افلاطون
سعادت مند مردی است که از هر خبط و خطائی که از او سر بزند تجربه ای جدید بدست
آورد. سقراط
ظالم از سعادت حقیقی دور و به شقاوت ابدی نزدیک است.
سعادت مند و عاقل کسی است که صبح هنگامیکه از خواب برمیخیزد بخود بگوید من
امروز سعی خواهم کرد بهتر از دیروز باشم. فنلون
سعادت در سلامت نفس و بی آزاری است و محل آن نیز در افکار و گفتار و رفتار
خودمان است.
گل بی آب شکوفان نمیشود و سعادت بدون محبت بوجود نمی آید. ماکسیم
کورگی
هر کس در طلب خیر و سعادت دیگران باشد، بالاخره سعادت خودش را هم بدست
خواهد آورد. افلاطون
من دیده ام که درجه سعادت اشخاص مربوط باراده و میل خود آنهاست. لینکلن
هنگام نیک بختی است که باید بیمناک بود، هیچ چیز تهدید آمیز تر از سعادت نیست.
مترلینگ

کتاب _ مطالعه

آنچه را میتوان بعد از بیست سال تجربه آموخت مطالعه صحیح در یکسال بما میآموزد.

آدم تنها در بهشت هم باشد باخوش نمی گذرد اما کسیکه بکتاب یا تحقیق علاقمند است هنگامیکه بمطالعه یا بتفکر درباره محتوای آن کتاب مشغول است جهنم تنهایی برای او بهترین بهشت هاست. مترلینگ

اسکندر کتابهای کتابخانه ایران را تمام غارت و همه را به یونان برد.

اگر کسی طالب مجهول نباشد از مطالعه هر کتابی بر معلومات خود خواهد افزود. بالاخره هر مغزی دارای افکاریست که مخصوص خود اوست.

اگر یکی از مشتاقان کتاب هستید بزرگترین خوشبختی جهان را دارا هستید. ژول کارادتی

اگر در کشور ما هر خانواده ای می توانست کتابخانه ای از کتابهای نفیس داشته باشد بطور قطع زندگی اجتماعی ما متقلب میگردد هدفها و آرزوهای ما به پایه غیر قابل تصوری میرسید. دکتر ماردون

اگر مادر نباشد جسم انسان ساخته نمی شود و اگر کتاب نباشد روح بشر پرورش نمی یابد. پلوتارک

انسان در کتاب از چیزهایی باخبر میشود که دیدن خود آنها امکان پذیر نیست زیرا عین آنها فرهنگها و یا قرنها و سالها فاصله دارد. آنا تول فرانس

اگر کسی بخواهد از حال و گذشته باخبر باشد باید پنج قفسه کتاب بخواند. مثل چینی

اگر کتاب دارید خوش خواهید بود ولی خوشتر خواهید بود زمانیکه دیگر احتیاجی به کتاب ندارید. مثل چینی

باید زیاد مطالعه کنیم تا بدانیم که هیچ نمیدانیم. مونتسکیو

باید درهای علم بروی همه باز باشد، هر جا مزرعه هست هر جا آدم هست آنجا کتاب هم باید باشد. ویکتور هوگو

بجای آنکه چندین کتاب بخوانی کتابهای خوب را چندین بار بخوان.

برای پیدا کردن راهی از آشفتگیهای پر آشوب و رنگارنگ ایده ها، احساسات و حوادث کتاب خدمت دوستانه ای بشما ارزانی میدارد. ماکسیم گورکی

بدون حکومت میتوان زندگی کرد ولی بدون کتاب و مطبوعات نمی شود. ابراهام لینکن

برای شناخت اخلاق و روحیات یک ملت و سنجیدن ذوق و پایه تفکر آن باید کلیه کتب و رسائلی که در میان آن ملت بیشتر رواج و انتشار دارد مورد توجه و مطالعه قرار دارد. اسمایلز

برخی کتب را باید چشید بعضی دیگر را باید بلعید و خیلی را هم باید جوید و هضم کرد. فرانسویس بایگون

چون زندگی کوتاه است و اوقات فراغت محدود نباید وقت خود را در خواندن کتابهای بی ارزش و مبتذل تلف کرد. جان راسکن

پرورش روحی بشر به کتاب مربوط میشود. پلوتارک

خواندن هر کتاب یا مطالعه هر مطلبی که بدست آید با قصد اینکه در سریعترین وقت از مطالعه آن فارغ شویم برای عقل و اخلاق یک کار زیان آور است. دکتر مارون

خواندن و عمل نکردن مثل شخم زدن و تخم نپاشیدن است.

خوانندگان بر دو نوعند گروهی میخوانند که فراگیرند و گروه دیگر میخوانند که فراموش کنند.

در دنیا لذتیکه با لذت مطالعه برابری کند نیست. تولستوی

خواننده خیلی بندرت همان کار را میکند که نویسنده از نوشته خود کرده است. تریستان برنارد

در این دنیا یگانه چیزی که میتواند ما را از فراموشی نجات دهد کتاب است. توپیک

در بدبختی و تنهایی جانکاه هر همزبانی ممکن است دروغ بگوید و فریب بدهد و درد بر درد بیفزاید ، تنها کتاب است که آزار و فشار درد را میکاهد. سعید نفیسی

ستون تمدن قرن بیستم کتاب و مطبوعات است. روزورت

سیاست در زندگی اجتماعی و اخلاق ملت ها کمی تاثیر دارد ولی یک کتاب ممکن است در این امر تاثیر فوق العاده ای داشته باشد. کلادستون

طبیعت یگانه کتابی است که کلیه صفحاتش پر معنی است. گوته

فقر و پریشانی ما بجائی رسیده بود که از اسباب و اثاثیه منزل یک بشقاب و قاشق هم نداشتیم ، ولی خوشبختی ما در این بود که پدرمان در موقع مردن دو کتاب برای ما بمیراث گذاشته یکی کتاب " راه رسیدن مرد صالح به آسمان و دیگری کتاب " پرهیزکاری و تقوی. یونیان

کتاب در اعماق قلب ما جای میگیرد، ما از هوای روانبخش کتاب تنفس واقعی و کسب حیات معنوی میکنیم و هر چه از ادوار توحش و جاهلیت تا عصر کنونی بدست آورده ایم همه از دولت افکار نویسندگان و تالیفات آنها بوده است.

قرائت کتابهای خوب مکالمه با مردمان شرافتمند گذشته است. دکارت

کتاب از لوازم و ضروریات اولیه زندگی است و لباس جزو تجمل و زینت آن. اداسموس

کتاب معلمی است که بدون عصا و تازیانه ما را تربیت میکند. دانشمند انگلیسی

کتابهای بد سموم فکری هستند و موجبات تباهی دماغ را فراهم میکنند. شوپنهارد

کتاب بزرگ کتابی است که خواننده را بزرگتر از آنچه هست بنماید. ادوارراووا

کتاب مونس و غمگسار اوقات اندوه و خستگی است که حزن و اندوه را به سرور و شادمانی تبدیل میکند، رنج و غم را از آئینه خاطره میزداید و گنجینه ذهن را پر از گوهرهای گرانبها میکند. اسمایلز

کتاب خوب در حکم رفیق خوب است. روسن پیر

کتاب بوستان مزینی است که چون گلهای از سینه بزرگان میروید، از مردگان سخن می گوید و ترجمان کلام زندگان است. جاحظ

کتاب بعد از فکر بهترین دوست زندگانی است اگر بد باشد، هیچ نمی ارزد و اگر خوب باشد ارزنده ترین چیزهاست. استاهل

کتاب عالمی جاودانی و پاکیزه و روحانی است که اوقات فراغت ما در آنجا بسعادت حقیقی نائل میگردد.
رزورت

کتابها بودن که به من کمک کردند تا از این باطلاق گندیده بیرون آمدم و گرنه هلاک میشدم. ماکسیم گورکی

کتاب همنشینی ایت که هرگز تو را به خشم نمی آورد و دوستی است که تو را هیچگاه ملول نمی کند و پند آموزی است که ترا بلغزش دچار نمیکند.

کسانیکه با اخلاق خوب و عالی دمسازند هرگز تنها و بی مونس نیستند. فیلیپ سیدنی

لذت مطالعه یگانه لذتی است که خالص و بی غل و غش است موقعی که سایر لذات از بین می رود این لذت همچنان باقی می ماند. آنتونی ترولوپ

مطالعه همان اثر را در دماغ می گذارد که ورزش در بدن

در جوانی گرسنگی و بیچارگی کشیدم اینها همه رنج داشت ولی مطالعه مستمر کتاب ناراحتیهایم را بطور بی سابقه ای تخفیف داد.

ما نه تنها باید کتابهای خوب را دوست بداریم بلکه باید سعی کنیم که وجود ما خود به منزله کتاب خوبی باشد که دیگران از ما سرمشق می گیرند. فنلون

مطالعه کتابهای خوب تفکر در امر حیات و مصاحبت با دوستان اهل دل برای سعادت مند شدن کافی است. دوسکین

مردمان فقیر و مسکین میتوانند بدون هیچ دغدغه و تشویشی بمصاحبت افکار بزرگ نائل گردند. اسمایلز

من هیچ غمی نداشتم که خواندن یک صفحه کتاب آنرا از بین نبرد. مونتسکیو

مطالعه یگانه راهی است برای آشنایی و گفتگو با بزرگان روزگار که قرنهای پیش از این درد دنیا بسر برده و اکنون در زیر خاک منزل دارند. دکارت

مطالعه وسیله ایمنی از بیدی خلاق است و انسان را در قرون گذشته سیر داده و بافکار بزرگان آشنا می سازد. دکارت

من در بالین مرگ مادرم حضور داشتم من نامزد خود را از دست دادم من شاهد مرگ فرزند خویش شدم در جوانی گرسنگی و بینوایی کشیدم اینها همه رنج داشت ولی مطالعه مستمر کتاب ناراحتی هایم را به طور بی سابقه ای تخفیف داد.

میل علاقه طبیعی من بمطالعه کتاب کشتی زندگانی مرادر اوایل عمر از غرق شدن در گرداب جهالت و فساد اخلاق رهایی داد در صورتیکه هر کس مثن من در او ان طفولیت از نعمت مراقبت و غمخواری والدین محروم باشد بندرت میتواند از این گرداب هایل خلاصی یابد. تماس هود

نحوه افکار و اندیشه های انسان بطوری است که ممکن است فقط خواندن یک کتاب پایه اندیشه ها و افکار انسان را بر مبنای جدید قرار دهد و چه بسا ممکن است تا مسیر سرنوشت میلیونها انسان را در راه مخصوص بیندازد. انیشتین

وقتی احساس میکنید دیگر هیچ دوستی برایتان باقی نمانده به قفسه کتابهایتان مراجعه کنید.

وقتی که دفعه اول یک کتاب خوب میخوانم مانند آنست که بایک دوست جدید آشنا شده ام، وقتی که همان کتاب را دو مرتبه میخوانم مانند آنست که با دوست قدیمی مجدداً ملاقات کرده ام. ا. لیورکولد اسمیت

هر کتاب آتشکده گیتی را روشن میسازد. امرسن

هرگز به کسی کتاب ندهیاً حتی اگر به آنها اطمینان داشته باشید در کتابخانه من فقط کتابهایی وجود دارد که از دیگران بامانت گرفته ام.

هر نوشته ای به یکبار خواندن میارزد. جاحظ

همه وقت کتاب موجد انقلابات عظیم عالم بوده است.

همانطور که اخلاق و سیرت اشخاص را بوسیله دوست و معاشرینشان میتوان شناخت همانطور هم از روی کتابهاییکه میخوانند میتوان بعبادات روحی و ساختمان اخلاق آنها پی برد. اسمایلز

هنگام مطالعه طرف صحت فقط دانشمندان هستند ولی در خارج اجتناب از احمقان محال است. اسمایلز

یک محصل باید کتابهای خوب بخواند اما یک نویسنده باید کتابهای مهمل را هم مطالعه کند من مزخرفترین کتبها را میخوانم و با اینکه جواهر قیمتی اغلب در خزانه هاست گاهی در ویرانه ها گنجهایی پیدا میشود که آدم را خیلی متمول میکند. آدم باید از هر سوراخ سنبه ای خبر داشته باشد. برنارد شاو

مطالعه کتاب یعنی تبدیل ساعتهای ملامت بار به ساعات لذتبخش. مونتسکیو

کودک

آنکه اشکهای کودک را نخشکاند خود خواهد گریست. مثل آفریقائی

آدمی باید در پنج خصلت با کودکان شرکت داشته باشد یکی آنکه همچون کودکان غم روزی نخورد. دیگر چون بیمار شوند از عذاب ننانندو گله نکنند و آنکه هر طعامی داشته باشند با یکدیگر خورند و چون با یکدیگر نزاع کنند در دل نگاه ندارند و زود آشتی کنند و از اندک چیزی بترسند و با رقت باشند و با اندک چیزی راضی و خشنود گردند. بزرگمهر

اطفال بالطبع مایلند مانند والدین خود باشند و هرکاری را که آنها بکنند انجام دهند. ویلیام کویت

اگر میخواهید بدانید دختر شما پس از ازدواج باشما چگونه رفتاری خواهد کرد، کافی است به صحبت او برادر کوچکش گوش کنید. سام لونسون

اگر به بچه کمی محبت نشان بدهید، وی صد چندان بشما مهر خواهد ورزید. جان روسکن

با کودکان باید نرمی و درشتی را باهم بکار ببریم، نه اینکه همیشه مانع آن شویم که از راهی که میخواهند بروند، اگر از ایجاد دردسر برای خود در ملامت کردن آنان چشم پوشیم در آن هنگام که بزرگ شوند مایه دردسر ما خواهند شد ولی بهر قیمت هست به زحمت میتوانید دوباره آنها را بچنگت آورید، پرچون

امروزه سرگرم کردن یک بچه بیشتر از آنچه که برای تربیت و بزرگ شدن پدرش خرج شده است تمام میشود. هربرت پروشائو

بهترین دوره زندگانی ما دوره طفولیت است و همین که از آن گذشتیم وارد بدترین مراحل حیات میشویم. هوک

خطاهای کودکان به گردن والدین است. مثل آفریقای

پدران و مادران دوره اول زندگی بچه هایشان را صرف آموختن، راه رفتن و صحبت کردن آنها میکنند و بقیه دوران کودکی کارشان این است که آنها را بنشانند و ساکتشان کنند. رابرت تانر

در هر بچه یک معماری حیرت بخش نهان است. شویان

فرزند به مثال انگشت ششم است. اگر بپرندش رنج دارد و اگر نگاهش دارند زشت نماید. نوذر شهریار

قبل از آنکه کودک را کتک بزنید یقین پیدا کرده باشید که خود سبب خطای او نبوده اید. اوستین اومالی

کاش حیوان ویا کودک بودم که آینده را نمیدیدم و گذشته را یاد نمیکردم و فقط به حال توجه داشتم و خوش بودم. لابرور

کودکان یاد گذشته را نمیکند و به فکر آینده هم نیستند دم را غنیمت شمرده و آنرا بخوبی طی میکنند، در بین سالمندان بسیار معدودند افرادی که اینچنین رفتار میکنند. لابرور

کودکان عموماً بیکاری را دوست ندارند بنابراین تمام توجه شما باید معطوف به این باشد که این خصلت مشغله دوستی ایشان در چیزی صرف شود که بسود ایشان باشد. لاک

کودکان به نمونه و سر مشق بیش از انتقاد نیازمندند. ژوبر

نفرینی که از قلب خاموش کودکی برمیخیزد کارگزار از خشم نیرومندترین مردانست. ا. ب. براونینگ

کودک بی پدرچون خیمه بی سقف است. مثل آفریقای

نمیتوانید بکودکی پیاموزید که از خود مواظبت کند مگر آنکه آنرا آزاد بگذارید تا برای مواظبت از خود بکوشد ممکن است اشتباه بکند ولی دانائی وی از میان همین اشتباهات بیرون میآید. ه. و بیچر

محبت

آنکس که حق احترام و محبت خدمتگزاران را بینگیزاند . انسان آزاده واقعی نیست. اندریو کارنگی

آن احساس سرشار آمیخته به تبسم که از دو لب ما در جستن کرده و برخسار فرزند نقش می بندد نامش عاطفه است.

ارزانترین همه چیزها مهربانی است که بکاربردن آن مستلزم کمترین ناراحتی و فداکاری است. اسمایلز

آنکس که بدیگری خدمت میکند اگر نخواهد خود را پست و خسیس نشان دهد. باید یکباره آن را از یاد ببرد. محبتی را که در حق کسی شده بیاد او آوردن و درباره آن سخن گفتن با سرزنش کردن چندان تفاوتی ندارد. وموستن

از دل برود هر آنکه از دیده برفت.

اگر باردیگر بر زندگی باز میگذستم بهمه مهربانی می نمودم و در حق همه کسان نیکی میکردم . ولی چون راهی به چنان زندگی نیست بهتر آن است که هم اکنون چنین کنم و از نیکی و مهربانی غفلت نورزم و آنها را پشت گوش نیندازم . پن

اشک چشمی را خشکاندن ، بیش از آن مایه شهرت و افتخار است که دریای خون براه انداختن . بایرون

اگر بخواهد حال خردمندی که بدون محبت و عشق زندگی میکند بیان نمایم باید بگویم چشمان شفاف و روشنی را که در ظلمت بگشایند ، هیچ فایده ای از بینائی نخواهد برد. مترلینگ

اگر بر آب روح خسی باشی و اگر بر هوا پری پرنده ای باشی دل بدست آرتاکسی باشی. خواجه عبدالله انصاری

اگر شما مهربان و رئوف نباشید وظایف خود را در دنیا بطور کامل انجام نداده اید. شارک یوکستون

باید عنان ترحم خود را کاملا در دست داشته باشیم و الا ترحمیکه عنانش را دست شخص خارج شود بیشتر از بیرحمی زیان میرساند؟

برای روح بزرگ همه چیز بزرگ و محترم است و برای روح کوچ همه چیز کوچک و بی اهمیت است حتی دوستی و محبتی . پاسکال

با نمایاندن دلسوزی و علاقمندی بدیگران خود راز یاد ببریم . دیل کارنگی

برای دوست خود یکدفعه تمام محبت خود را ظاهر مکن زیرا هر وقت اندک تغییری مشاهده کرد ترا دشمن میدارد. سقراط

با محبت میتوان دنیا را تسخیر کرد.

بودا در آخرین لحظات زندگیش بیانات خود را در دو کلمه ذیل خلاصه کرد. محبت ، دلسوزی . بودا

بیهوده از دیگران انتظار محبت نداشته باشد این محبت را شما باید در دل دیگران ایجاد کنید . حجازی

جز با عشق و محبت طالب ازدواج مباش ولی خواهان کسی شوکه مسحق ابراز علاقه و یگانگی باشد. راپول

دریغا که زبان و دل همیشه با هم نیستند. گاهی دل از بی پروائی و تندروی زبان خونا به میز یزد و گاهی که اول از مهر و محبت میجوشد، زبان ،همچو سنگ بسته از جا نمی جنبند.

تمام تعلقات و اندیشه های مرد بیک محبت زن نمیازد. ولتر

حس شفقت و مهربانی مانند کلید زرین است که دریچه دلها را بر وی انسان میگشاید . اسمایلز

دانه خدمت نیکو بیفشان ، یادگارهای شیرین از آن بیرون خواهد آمد. مادام روستاهل

دنیای ما چون کوهساریست که هر کس در آن بانگ زند انعکاس صوت خویش را میشنود، کسیکه روحش از مهر و محبت سرشار باشد از دیگران جز محبت و وفا نمی بیند. لرد آویوری

در هیچ جا و هیچ موقع دشمن نمیتواند به محبت غلبه کند. سیدنی

دیگران را مشمول عواطف و همدردی و غمگساری خویش کنید. دیل کارنگی

درجهان یگانه مایه نیک بختی انسان محبت است. افلاطون

در مکانیکه محبت فرمانرواست ، ظلم و جور محکوم بز وال است.

دنیا را محبت نجات می‌دهد . این مرض بزرگ بشریت را محبت می‌تواند مداوا کند. کمال الملک

در عالم چیزی بالاتر از محبت نمی بینم. بتهوون

راه درست و نجیبانه کشتن دشمن نیست . با مهربانی می‌توانید چنان او را عوض کنید که دیگر نتواند دشمن باشد و در این صورت او کشته شده است. آلین

دل بدل راه دارد. مثل ایرانی

رحیم و رؤف باش ولی وقت کن که مهربانی و عطوفت تو مستحقین عقوبت سختی شامل نشود تا موجب فساد نگردد. ارسطو

دلت را همچنان تمیزکن که ظرافت را . مثل چینی

زمانی هست که سه کلمه با محبت و فروتنی اوا شود. پدایش بسیار بهتر از سه هزار جلد کتاب دریافت میکند که با تندى و تلخى و بی اعتنائى حکمت و فرزانه‌گى نوشته شده باشد، روشن نوشتن نباید قلب ما را از حقیقت اگر حقیقتی وجود داشته باشد دور کند. ه.هرکر

بانوی مهربان شوهرش را برای همیشه تصاحب میکند . بودیس پاستروناک

شش وسیله جلب محبت مردم ۱- صمیمانه نسبت بغیر علاقمند باشید ۲- تبسمی برلب داشته باشید ۳- بیاد بیاورید که نام هر کس برای او شیرینترین و مهمترین لغت قاموسهاست ۴- گوش دادن بیاموزید طرف خود را بشوق آورید که از خود سخن بگوید ۵- با مخاطب از آنچه دست دارد صحبت کنید ۶- صمیمانه و صادقانه اهمیت او را برای خودشت محسوس سازید. دیل کارنگی

زندگانی اگر با عاطفه سروکار نداشته باشد گوارا و ارزنده نخواهد بود.

سگها بزحمت لطف و احسان زیاد را تحمل میکنند و انسان خیلی کمتر از آنها . شوپنهاور

سعادت و شادکامی ما میزان محبت ماست.

شادی حقیقی نصیب کسانی است که قلبی ملامال از محبت دارند.

شعله درخشان و کوتاه چشم پیکان محبت را تیز میکنند. ژندارک

قوام همه موجودات بسبب محبت است و هیچ موجودی از محبت خالی نتواند بود چنانکه از وجودی و وحدتی خالی نتوان بود. خواجه نصیر طوسی

شمشیر علیه محبت و مهربانی وجود ندارد. مثل ژاپنی

کتاب محبت را بدقت مطالعه کردم صفحات مسرت بخش آن را مختصر یافتیم و تمام اوراق را با رنج و اندوه مالمال دیدم . گوته

کلمات مهر آمیز نقش خود را درجان آدمی میسازد و چه نقش زیبایی است. بشنونده آرامش و آسایش و نیرو میبخشد و او را از احساسات تلخ و تند و خالی ، شرمسار میکند ما هنوز بان آغاز نکرده ایم که کلمات محبت آمیز را به آن فراوانی که شایسته آنهاست بکاربریم. پاسکال

فلک باتابش خورشید پاداش مهربانی را میدهد. بایرون

کوششی که برای خوشبخت و شادمان کردن دیگران بکار میبریم مایه برتری مقام خود ما میشود. ل . م . چایلد

قابل محبت حتی بر کوه صعود میکند.

قلبی که مهر میورزد همیشه جوان است.

کلیه یکه همه دشواریها را در زندگی خواهد گشود محبت است. مثل ایرانی

گاه از یک تبسم همچو از لبخند آفتاب، دنیائی روشن میشود. حجازی

محبت درحقیقت بسان قطره ژاله رخشان است که در کاسه یک گل خندان قرارداد و مغزش در اعماق روانهای پاک و دلهای تابناک است. لامنه

گاهی لقمه نانی با ضیافتی برابری میکند. ف . تونگی

محبت پژمردگان را شاداب ، ناتوانان را توانا، گمراهان را هدایت ، مأیوسان را امیدوار و خسته دلان را جان می بخشید .

گوهری بی مالش صیقل نم پذیرد و آدمی بی محبت . مثل چینی

محبت واقعی شبیه گیاهست که آهسته رشد و نمو میکند و مادام که در برابر مشکلات و مشقات پایداری نکند لایق اینکه ان را محبت واقعی بخوانند. نخواهد بود. واشنگتون

محبت فرمانروای فاتحی است که حاکم بر وجود مردم صاحب کمال است. رحمت صبیر

محبت در ازدواج از احترام ایجاد میگردد. فنلون

محبت مغشوش زود انحلال پذیر و چنانکه درم و دینار مغشوش زود تباه شود. خواجه نصیر طوسی

محبت یک احساس شور انگیز است، درست مانند مارش نظامی . فرانسو ساگان

محبت را به هیچ تشبیه نتوان کرد، زیرا که هیچ چیز رقیق تر و لطیف تر از محبت نیست . سمونون محب

محبت را فراموش نکنند و آنرا ناچیز شمارید. افلاطون

محبت گوهر گرانبهائی که در بعضی از قلبها خاکتسر روی آنرا گرفته است این پوشش نازک و مختصر را باتبسم و خندیدن بردائید تا گوهر گرانبهائی که پنهان شده است. آشکار شود و با درخشش خود روح و قلب همگان را روشن سازد. متر لینگ

مردم در قلمرو و احساسات خیلی زودتر با یکدیگر آشنا و صمیمی میشوند تا در منطقه نفوذ عقل و منطق .
گوستارلریون

مردیکه برای وصول بتوفیق و رستگاری بشر. دشوارترین رنجه را بر خود هموار میسازد و نیکوکاری و محبت را یگانه داروی دردهای بشری میداند مقامی والا و ارزش عالی دارد.

مهربانی رشته زرینی است که افراد اجتماع با آن یکدیگر پیوسته میشوند. گوته

مسیح و سقراط بر مبنای زمینه های کاملاً مخالفی، یک چیز را گفته ان عقل محبت است، محبت عقل است . مطلب اساسی که این دو جمله براههای مختلف القا میکنند ... همان صفتی است که همه تمدن بشری بر ان بنا شده است. الکساندر مایکجان

مهربانی زبانی است لال میتواند با ان سخن گوید و کر میتواند ان را بشنود و بفهمد.
بوری

من از ساختمان قلب خود در شگفتم که چون سنگ با مقاومت و گاهی چون شیشه بیطاقت است ، طوفانهای حوادث مرا تکان نمیدهد ولی از یک نسیم ملایم محبت برخورد می لرزم . نظام دفا کاشانی

مهربانی ، همچون عسلی است که نیش نامهربانی را در دیگری کند میکند. لاندور

مهر و دوستی پایه مستی و ریشه امید و بنیان زندگانی است و اگر از پهنه کاینات پرتو محبت پرتو محبت فروغ افکن نگشته بود، جهان و چگونگی ان ناپسند و بی رونق مینمود.

محبت را از ماهی باید آموخت که آبش بیرون آری بمیرد. مثل ایرانی

نیاز به محبت دیگران از سخت ترین غرائز ماست، خوشبختانه خزینه دلها همه از این گوهر انباشته است. حجازی

مهربانی مانند بذر گندم کاشتن است و بعد افزایش می یابد . مثل آفریقائی

وقتی کسانی که اطراف من هستند دارند از بی غذائی میمیرند کاری که برای من مجاز است اینست که بگر سنگان غذا بدهم . گاندی

وقتی شما نسبت به دیگران مهربان هستید ، یعنی بخودتان مهربانترید.فرانکلین

وقتی قلبت را هدیه میکنی مواظب باش. مثل آفریقائی

هر چه کمتر سفره بدبختیهای خودمان را پیش روی دیگران بگشائیم و همدردی آنان را بخود جلب کرده ایم . دیوی

هیچ چیز مانند احسان انسان را سیر نمیکند. ارسطو

همانطور که بقای موجودات بسته به حرارت آفتاب است حیات انسان نیز نیازمند روشنایی عشق و محبت است . و دوده

هیچ بلای آسمانی بدتر از محبتی نیست که به تنفر و کینه تبدیل شده باشد. کومگزیو

یک قلب مهربان ، چشمه ای از شادی است که هر چیز را در اطراف خودرا لبخند تر وتازه میکند. واشنگتون لیروُنیک

یک هدیه با ارزش بدون خرج که هرگز فراموش نمی شود، مهربانی و محبت است. لاورنس

یگانه سلاح که میتواند صلح و صفا رادرمیان ابناء بشر تضمین کند محبت است.

یک کلمه محبت آمیز تمام فصل زمستان انسان را گرم کند. مثل ژاپنی

شادی

آنهایی که غم کمتری دارند، باخود نمایی بیشتری می گیرند. تاسمیت

آنکه برای خوش بودن بدنبال اسباب ووسائل می گردد هنوز معنی خوشی را نمیداند، از بی رحمیهای طبیعت یکی این است که وسائل خوشی را در خارج ازوجود ما جلوه گرمیسازد درصورتیکه پس ازیک حسرت وسرگردانی میفهمیم که این وسائل در خود ما خلق شده اند. حجازی

ازلحظات زندگی لذت ببریم واز ساعتهااستفاده کنیم بدون آنکه در انتظار لحظات وساعات بهترونیکوتر باشیم. فرانسواکوپه

اشخاصیکه بدبختانه بلذات شدیدوحادخوگرفته اند، دیگرالذات معتدل حظّ نمی
برندوهمواره با اضطراب دنبال شادی ونشاط می گردند. فنلون

با یک لبخند هر دری بسوی انسان گشوده خواهد شد. فرانکلین بتگر

افتادید بسیار خوب، چه خواهد شد؟ برخیزید در افتادن ضرری متصور نیست، بدبختی در
عجزودرماندگیت. کارنگی

اگر بدن ازبیماریهائیکه مانع نوشتن وخواندن وآموختن است سالم باشد وعقل بی
عیب ورزق کافی باشد، غصه خوردن برای چیزهای دیگربیجاست. جالینوس

اگر بخواهی برای تمام شادمانیهائی که داری تشکر کنی، دیگروقتی برای گله گذاری
نخواهی داشت. رود

اگر آدمی را شادی در دل میآید جزای آنستکه کسی را شاد کرده است واگرغمگین
می شودکسی را غمگین کرده است. مولوی

اگر روح انسان چون آئینه اززنگ غم پاک باشدچه اهمیت دارد اگرچهره او پرچین
باشد. لرد اویوری

خوشخوهمیشه خوش معاش است. جامع التمصیر

انسان پیشرو کسی است که در گفتارش عجله نشان ندهدودر کارش نشاط داشته
باشد. کنفوسیوس

باید تا آخرین حد ممکن خوشبخت باشیم وشادمانی کنیم. جون توپک

اگر مایلید حوائج مادی ومعنوی شما برآورده شودباید در رفع حوائج دیگران کوشش
کنیدواگرمی خواهید خوش وخرم وسعادتمند باشیدباید پیوسته خوشی وخرمی
دیگران رامراعات نمائید وخلاصه اگر می خواهید تمام مردم شما را دوست داشته
باشند باید همه مردم را دوست بدارید راه نیکوکاری درمقابل همه باز است

بزرگترین سرمایه آدمی توانگری نیست، خوی خوش است. پوشه

بطور دائم امواج شادی واندوه از دو طرف ما میگذرد، استفاده از آنها بسته به اراده
ماست. ابوالعلائ

بادیگران بخند نه بر دیگران. دیل کارنگی

انسان بوسیله برآوردن تمایلات خود نمی تواند به نشاط وشادمانی برسد بلکه
درصورتی می تواند بان سرچشمه راه یابد که پای بر سر تمایلات بگذارد. آندره گید

برکت عمر در روشنائی چشم وفرح دل در مشاهده نیکوان دانید.عبیدزاکانی

برای اینکه بزرگ و پربارزش شوید باید هنگامیکه اشکهای شما می خواهد بریزد تبسم کنید. برنالو

بهترین افراد کسانی هستند که از نیکی و سعادت دیگران شاد شوند.

زندگی با اندکی شادی و راحتیو بیشترش با مشکلات و سختی هاست مرد زندگی کسی است که باتلقین بخود سختیها را فراموش کندوازلحظات شادی یادآوری نمایند.

خوشروئی دام دلهاست ووخوشخوئی آرام جانها .برقعی

بگوش ودل خود، بخوانید که همیشه ازشادی دیگران شاد می شوید. پوشه

تبسم دشمن را دوست می کند.نیکولاجرج

بباید تا شاد باشیم و به خاطر بسپاریم که بد بختیهای غیرقابل تحمل آنهاست که هرگز پیش نمی آید.لاول

خوشی زیاد پیشاهنگ غم فراوان است. مثل چینی

تبسم حرفی ندارد ولی سود بسیار می دهدلحظه ای بیش پایدار نیست ولی یاد آن در سراسر عمرباقی می ماند. دیل کارنگی

تو باید چراغ خود را روشن کنی اگرچه گرد تو کوران نشسته باشد.کاشانی

چهره سالم ولذت بخش همان اندازه برای آدم علیل خوب است که هوای سالم ولذت بخش. فرانکلین

درقلب خود بنویسید امروز بهترین روز سال است. امرسون

درهای آهنین را بروی گذشته وآینده محکم ببندید ودیروز وفردا را در کار امروز مداخله ندهید. دیل کارنگی

در موقع شادمانی مانند بدبختی باید قویدل باشید. ژان دایلا

یکساعت که آفتاب بتابد خاطره یک هفته بارندگی پیگیراه از خاطر میرود. آبد بدرریو

یک خنده بهتر از هزار ناله است.کرویل

یکی از حالات بد در انسان این است که بخطاهای دوستانش که مایه آزار او می شود بیش از آن توجه داشته باشد که بکمالات ایشان که سبب خوشحالی او را فراهم می آورد. کرویل

هر وقت که شادی تو ناراحتی دیگرای بوجود آورد منتظر انتقام باش.مثل فرانسوی

هرچه انسان تهی مغز تر باشد خوشحالت تر خواهد بود. مثل چینی
هیچ حسن و نسبی چون خوی خوش نیست.

هیچ چیز در دنیا بد یا خوب نیست قوه اندیشه ماست که بدی و خوبی ، سعادت
و شقاوت می آفریند. شیللو

هر اشکی که از شادی می ریزد پاک مکن. سنگ

هر قدر که می توانی شاد زندگی کن و هرگز فکر بیوده به مغز راه نده چون سلامت تباه
می شود. دیکنز

همه جا شادی قشر نازکی است که روی رنج و بیچارگی کشیده اند. ویکتور هوگو

هر کس عادت داشته باشد به جنبه خوب وقایع و حوادث نگاه کند این عادت او از
سالی هزار لیبه عایدی بهتر و گران بها تر است. دکتر جانسون

هر روز خود را تازه کن باز هم دوباره خود را تازه کن ، همیشه خود را نو و تازه نگاه بدار.
کنفوسیوس

وقتی مریضی به یکی از اطباء مراجعه کرد پس از معاینه کامل بوی گفت معالجه تو
فقط خنده و خوشحالی است. انیشتن

نعمتهای خود را بشمار نه محرومیتها. دلیل کارنگی

نشاط و شادمانی در این است که طبیعت رایگان برای مداوا در اختیار مان گذارده است.

نوشیدن باده عشق از هر جامی که باشد تفاوتی ندارد، همینقدر باید سرخوش بود.
چخوف

مرد

امتحان کنید مرد را به فعل او نه بقول. افلاطون

بزنان خود با احترام بنگرید و آنها گلهای آسمانی را در حیات زمین میکارند و جامه دلپذیر
و زیبای محبت را میبافتند و در پرده عفاف احساسات لطیف راهپرو رانند. شیلبر

برای یک مرد هیچ شکنجه ای بالاتر از آن نیست که قابل ترحم باشد . ناپلئون

مرد در زندگی خود تکیه گاه و پشتیبانی بهتر از زوجه نیک سیرت و با اخلاف نمیتواند
بدست آورد. دوتوکوپل

بندرت مردی پیدا میشود که بدون شاهد عمل خیری را انجام دهد . سه نگ
پسرت را هر وقت میخواهی زن بده ولی دخترت را هر وقت میتوانی . فرانکلین
زن بد مرداب خوشرنگی است که مرد در آن غرق میشود. مثلا افریقائی
در بحرانهای بزرگ وظیفه مخصوص زنانست که از مصائب ما مردان بکاهند. ناپلئون
مرد پاک زن نیکو سیرت را شایسته احترام میداند. میلتن
مرد کامل آنستکه دشمنان از او در امان زیست کنند نه آنکه دوستان از او هراسان
باشند. سقراط

مرد باید راست بایستند نه اینکه دیگران او را راست نگه دارند. مارکولی
مردان آفریننده کارهای مهمند و زنان بوجود آورنده مردان . رون رولان
مرد عالم کسی است که همیشه در صد و فراگرفتن چیزی باشد. روسو
من هر وقت وارد منزل خود میشوم تمام غصه و ملالتهای خود را فراموش میکنم.
ارموندبورک

مردیکه پیوسته اظهار تأسف میکند ، بدرد نمیخورد.

هر مردی میتواند داماد شود اما هر مردی نمیتواند مرد باشد. مثل یونانی

شجاعت

انسان باستعانت قدرت و نفوذ تعقل و استدلال میتواند حتی بر ویا و طاعون غلبه
کند. ناپلئون

شخاص شجاع و با جرات بیش از همه کس می تواند جوانمردی و فتوت داشته و بلکه
اصلا طبیعت آنها اینطور سرشته شده است. اسمایلز

اولین شرط توفیق شهامت است و بی باکی. ناپلئون

اگر بر ناتوان خشمگین شوی دلیل بر این است که قوی نیستی. ولتر

اندیشیدن یعنی اینکه آدمی گاهی با شجاعت بگوید نه.

اگر کسی را تحقیر کردی معنایش این است که خودت بی شخصیت هستی. مثل هندی

برای شنا کردن بسمت مخالف رود خانه قدرت و جرات لازم است والا هر ماهی مرده هم می تواند از طرف جریان موافق آن حرکت کند. اسمایلز

برای یک قلب جسور وقوی همه چیز ممکن است.

برق ابش که بدرخششی و بسوزانی ، نه شمع که برفروزی و خود را بکاهی. نفیسی

بی رفیق شجاع ، شجاعت ممکن نیست. مثل آلمان

ترسوها بی رحمند ، اما مردان جسور جوانمردی را دوست دارند و از نجات دادن افراد شاد می شوند. گی

تقدیر، ارباب مردان ترسو است و برده مردمان شجاع. بزرگمهر

جوهر شجاعت در این نیست که شما نترسید ، بلکه در آن است که کسی نفهمد که ترسیده اند. نبون

تمسخر سلاح ضعیفان است.

دلیر کسی را گویند همگی کاروکردار و بیرخاسته از خرد و دانائی و برابر عقل باشد.

شجاع بودن از مسافت نسبتا دور کار آسانی است. ایزوپ

شجاع باشید جوانان، فراموش نکنید که برای جاودان شدن نخستین شرط این است.

شجاعت بی مهارت و تدبیر، زود فریب می خورد.

شجاعت در این نیست که انسان خطر نبیند بلکه در این است که خطر را ببیند و بر آن غلبه کند. دیشتر

شجاعت مغلوب کننده کلیه سلاحهاست.

شجاعت پایه فضائل است کسیکه شجاعت ندارد فضائل در او تکمیل نخواهد شد.

شجاعت پس از احتیاط یکی از شرایط مهم احتیاط است. شوینهاور

شجاعت و تناسب اعضا از محسنات جوانان محسوب می شود و سعی دارند بوسیله ورزش و غیره بر زیبایی خود بیا فزاید. پلو تارک

شجاعت بزرگترین معرف انسانیت است. دانیل وبستر

شهامت بزرگترین صفت است زیرا صفات دیگر در سایه آن پا بر جا می ماند. چرچیل
شمشیر تیز بدست سرباز شجاع داده می شود. مثل چینی
شهامت را کسی دارد که ترس را بشناسد ولی آنرا مغلوب خود کند. نیچه
فاتح ترین افراد جسورترین افراد هستند. محمد مسعود
عاجزترین مردان همینکه پای ناموس ویا عشق در بین باشد ازهر حیوانی قویترند. مثل
فرانسوی
قلب دلیر در سینه مرد با شرف گوهری است در صندوق مقفل
قهرمان واقعی کسی است که باعث شادی دیگران می شود. مونترلان
مرد قوی دل آتیه را حقیر می شمارد. ناپلئون
مرد بی شهامت کسی است که در جائیکه باید اعتراض کند خاموش بنشیند. اینکلن
مردان شجاع و بی پروا بر جهان آقائی می کنند.
کسیکه شجاعت ندارد در او حقیقت نیز موجود نیست. اسکان
نامداران جهان دلیرترین افراد هستند. ستون
نوشیروان از بوذر جمهر پرسید شجاعت چیست؟ گفت: قوت دل، سوال کرد چراقوت
دست نمی گوئی؟ گفت: اگر دل قوی نیست قوت در دل نمی ماند. اخلاق ناصری
نه در تعریف دیگران شرکت کن و نه در تحقیر دیگران. مثل اندونزی
هر گاه بتوانم بعد از هر شکست لبخند بزنم، شجاع خواهم بود. ناپلئون
همان طور که شجاعت مسری است، خیانت هم مسری است.
یکی را محترم شدن و دیگری را تحقیر کردن نشانه مردانگی نیست. مثل اسپانیولی
یک قهرمان گناهکار در مقابل یک ترسوی بیگناه به زانو در می آید. مثل انگلیسی

در آزادی و استقلال

- ۱- اولین لازمه شرافت یک ملت استقلال است.
- ۲- استقلال ملت ها را فقط با فضایل و اخلاق عالیه میتوان محفوظ داشت.
- ۳- حافظ نگهبان استقلال هر ملتی شجاعت و قهرمانی اوست.
- ۴- هر گاه میخواهید آزاد باشید باید پرستش حقیقت را پیشه خود سازید.

- ۵- بدون حقیقت آزادی ، آزادی میسر نیست .
- ۶- یک ملت نمیتواند بدون معارف آزادی خود را محفوظ دارد.
- ۷- در راه زندگی شرافتمندان باید از جان و مال گذشت.
- ۸- زنده باد ملتی که برای زنده داشتن آزادی، زندگی را دوست دارد.
- ۹- آزادی مستلزم مساواتست در مقابل قانون همه برابریم.
- ۱۰- هیچ نوع آزادی را نمیتوان تصور کرد به ما اجازه دهد الی الا بدخاکار باشیم.
- ۱۱- عطر گلاب جعلها را سراسیمه میکند، عطر آزادی را در مملکت نشر نمائید تا جعلهای استبداد از میان بروند.
- ۱۲- آزادی عقیده در بالای سرهر سیاست حاکم است.
- ۱۳- شما هر قدر آزادی خواه باشید هستند جماعتی که از شما آزادیخواه ترند.
- ۱۴- ایران را ایران باید آزاد کند.
- ۱۵- در عین آزادی باید مقید باشی .
- ۱۶- روح ملت فدای هیچ کس نیست ، ارواح خادمین ملت باید فدای ملت شود.

مشورت

اگر میخواهی کاری را خوب انجام بدهی با سه تن از سالخوردگان مشورت کن. مثل چینی

اگر با یک مرد عاقل به مشور پردازي نصف حکمت و خردمندی او به تو کمک خواهد کرد.

با کسانی که براه دیگری میروند مشورت کردن بیفایده است و نشان بیجزدی است. کنفوسیوس

با کسی که خود گرفتار و یا هراسان است شور مکن هر چند که صاحب رأی باشد. ابن ساعده

باید در مشاوره دقیق و خونسرد باشیم و در اجرای آن سخت و جدی . ناپلئون

با عاقل مشورت کن که رأی ادخالی از هوای نفسانی است و با نادان مکن زیرا که او تابع هوای نفس باشد، مشورت مکن با آنکه محاط زمانست بلکه مشورت کن با آنکه محیط بزمان باشد. سقراط

با دشمن نیز باید مشورت کرد تا پایه دشمنی او معلوم گردد. سقراط

با اینکه زیاد میداند با کلاحت مشورت کن.

چون با تو مشورت کنند جواب مده مگر بعداز تفکر و اندیشه بسیار تا کمیت رای خود را براه صواب دانی و اگر چه دشمنان باشند نباید بدیشان خیانت کنی و یا فرو گذار نمائی برای ایشان از خیرخواهی و مصلحت آنچه میدانی . جواهر خلدق

در امور مهم تصمیم باید از شوری باشد نه از یک نفر . حکمت شین تو ، هندو چون ترا شغلی پیش آید هر چند ترا کفایت ان باشد مستبد بر رأی خود مباح که هر که مستبد برای بود پشیمان شود و از مشورت کردن عیب مدار اما با پیروان عاقل و دوستان مشفق. قابوس بن دشگیر

کسیکه مشورت میکنند خویشان را در راحتی میافکند و دیگر را در تعب . بیناس حکیم مشورت با هزار کس کن و راز خود را با یکی مگو.امثال حکیم دهخدا

ممکن است در مورد مسائل مربوط ب دیگران درست قضاوت کند ولی درمسائل مربوط به خودش بخطا رود زیرا در موقع قضاوت در امور خودمان « ارداه » بفعالیت میپردازد و «عقل» را از کار می اندازد لذا باید بادوست خود مشورت کند. شوپنهاور

وقتی با کسی صحبت میکنیم در اثنای سخن چیزهای تازه ای برایمان کشف میشود که اگر تنها فکر میکردیم ، هیچ وقت بآن نمیرسیدیم . لردآویوری

شکست - ناامیدی

از پیروزی تا سقوط ، فقط یک گام فاصله است. ناپلئون

آفتاب بزیر سقف نمی تابد تو بر سر خود سقفی از ناامیدی ایجاد نکن تا بتوانی از انوار آفتاب لذت ببری.

از آنچه باسانی بدست آمده بد نگاهداری می شود.مثل آلمانی

آنکه می خواهد زنده بماند باید با دشواریها درآمیزد، دشواری برای زندگان مایه نومییدی نیست، نومید مردگانند.دکتر پرویز خانلوی

اگر هر روز راه عوض کنی هرگز به مقصد نمیرسی. بالانش

اگر در وجود خود جستجو کنیم می بینیم که هزار قدرت در اختیار داریم ونمی دانستیم.حجازی

اخلاق روزگار را شناختم ، مصیبت نقد است وخیرش وعده ونسیه.ابوالعلا

شکست باید انرژی خفته ما را بیدار کند.دومن دولان

بزرگترین مشکلات در جایی نهفته است که هرگز انتظارش را نداریم.گوته

سوار لایق محکمتر ازدیگران به زمین می خورد.مثل ایرلندی

شکست خوردگان دیروز فاتحان امروز را بوجود آوردند. ویلبر سیرون شکست‌هایی است که خیلی بیش از فتح ظفر بخش است. مونتین شکست‌ها پله‌های نردبان موفقیت است کسیکه از اولین شکست مایوس شود لیاقت توفیق ندارد.

ضرر کم را بوسیده بچشم بگذاریم. مثل فارسی طناب در ضعیف‌ترین نقطه پاره می‌شود. مثل آفریقائی فقط کسانی شکست می‌خورند که تلاش و مبارزه نکرده‌اند. تامر بیلی

مرد

امتحان کنید مرد را به فعل او نه بقول. افلاطون
بزنان خود با احترام بنگرید و آنها گل‌های آسمانی را در حیات زمین میکارند و جامه دلپذیر و زیبای محبت را میبافتند و در پرده عفاف احساسات لطیف راه‌پیرو رانند. شیلبر
برای یک مرد هیچ شکنجه‌ای بالاتر از آن نیست که قابل ترحم باشد. ناپلئون
مرد در زندگی خود تکیه‌گاه و پشتیبانی بهتر از زوجه نیک سیرت و با اخلاف نمیتواند بدست آورد. دوتوکوپل
بندرت مردی پیدا میشود که بدون شاهد عمل خیری را انجام دهد. سه‌نگ
پسرت را هر وقت میخواهی زن بده ولی دخترت را هر وقت میتوانی. فرانکلین
زن بد مرداب خوش‌رنگی است که مرد در آن غرق میشود. مثلاً آفریقائی
در بحرانهای بزرگ وظیفه مخصوص زنانست که از مصائب ما مردان بکاهند. ناپلئون
مرد پاک زن نیکو سیرت را شایسته احترام میداند. میلتن
مرد کامل آنستکه دشمنان از او در امان زیست کنند نه آنکه دوستان از او هراسان باشند. سقراط
مرد باید راست بایستند نه اینکه دیگران او را راست نگه دارند. مارکولی
مردان آفریننده کارهای مهمند و زنان بوجود آورنده مردان. رون رولان

مرد عالم کسی است که همیشه درصد و فراگرفتن چیزی باشد. روسو
من هر وقت وارد منزل خود میشوم تمام غصه و ملالتهای خود را فراموش میکنم.
ارموندبورک

مردیکه پیوسته اظهار تأسف میکند ، بدرد نمیخورد.

هر مردی میتواند داماد شود اما هر مردی نمیتواند مرد باشد. مثل یونانی

شهرت

به کاروبیشه ای پرداز که نامت سبک و سنگین نشود. بزرگمهر

اگر به شهرت خود علاقمندی با مصاحبان خوب بیامیز چه تنهایی بهتر از مصاحبت با بدان
است. جرج واشنگتن

حسن شهرت و نام نیک بزرگترین سعادتهاست. شیلر

این شغل نیست که باعث افتخار می گردد ، بلکه شخص است که با شخصیت خویش
به شغل خود ارزش بیشتری می دهد. ماکیاول

شهرت نیرومندترین آهنربای این جهان است. خانم روزولت

به جرات می توان ادعا کرد که زندگانی حقیقی عده ای از مشاهیر رجال بعد از
مرگشان شروع شده است. اسمایلز گکنمن

در دنیا کاری مشکلتر از ساختن و پرداختن یک نام پرافتخار نیست . لابریر

شهرت یک سوگواری با شکوه برای سعادت است. ابوالعلا

شرافت نام را باید نگاه داشت امانتی است که به ما سپرده شده است و آنرا باید
با احترام بخشنده آن که سپس می خواهد بدیگران ارزانی دارد بخوبی حفظ
کنیم. شرلی

هرکس نگهبان شرافت خویش است. مثل فرانسوی

شهرت و افتخار به کسانی داده می شود که خواهان آن بوده و در جستجوی
باشند. آنا تول فرانس

شهرت کاذب مثل اسفنج است که با آب غرور پر شده و با حرارت آزمایش خشک می
شود. کارفیلد

شهرت و احترام را نباید از خشونت و قساوت بدست آورد. مهاویرا

نیک نامی از کمربند زرین بهتر است. مثل فرانسوی

شهرت آن چیزی است که تا کسی آنرا بدست نیاورده بدنالش می رود و اما وقتی آنرا یافت با استعمال عینک دودی سعی می کند از آن فرار کند.

عشق به شهرت و افتخارات از هوسهایی است که عرفا به آن اعتنا ندارند. ناسیست

وقتی شهرت بدست آوردید و بدون دعوت بدورت جمع می شوند، اگر شهرت را برای انبوه دوستان بی وفا طلب کردی چه بهتر تا پشیمان نشده در گمنامی بسربری.

جوانمرد برای نام خود می میرد و ناجوانمرد برای نان. مثل ایرانی

دهان خود را با احتیاط باز کن و ببند تا میزان ثروت و اعتبارت لااقل از طریق شهرت بیشتر شود. تسیرمان

موسیقی

آن لطف و تغییر حالتی که بیهوده در عشق و سفر میجوئیم موسیقی به ما اهداء میکند. مارسل بردت

با دقت به ترانه های ملی گوش فرادار آنها سرچشمه بی پایان قشنگ ترطن ملودیهها میباشد و چشمهای ترا به صفحات مشخصه ملل گوناگون باز میکنند. ژرمان

بگوئید بدانم چرا زمانیکه با نقاشان و حجاران جوان گفتگو میکنم با عمق فکر و اندیشه آنان پی ببرم و تمایلات آنان را در یابم خیلی بندرت از خود سخن بمیان میآورند در صورتیکه وقتی با موسیقی دانان، همصحبت میشوم هرگز یک فکر زنده اظهار نمیکند و فقط از اصول و قواعد و فن و فورمولهای موسیقی را خواهد شنید. لردباپرون

ایرانیان در دور باستان برای موسیقی خط داشته اند ۳۶۵ حرف «علامت» داشته و با آن میتوانستند، همه گونه اصوات را ثبت کنند. از حافظ عارف جائیکه سخن باز میماند موسیقی آغاز میگردد. واگتو

در بین هنرها موسیقی بیش از همه در عواطف انسان تأثیر دارد یک سمفونی در هرماه از دست یک استاد بدون شک بیشتر از یک کتاب اخلاق در دل اثر میکند. ناپلئون

در موسیقی تنها مانند کلمات معنی مشخص دارند ولی ترجمه و تفسیر آنان غیرمملکن است. مندل سن

سرچشمه الهام شعر و نقاشی زاییده و نمونه های خارجی است در صورتیکه موضوع درباره موسیقی صدق نمیکند لیکن آهنگهای دلریا که زیبایی جهان از آنهاست هنرمندان بزرگوار بوجود میآید . آنسکو

سمفونی پنجم بتهودن عالی ترین سروصدائی است که بگوش بشر خورده است. ادوارموگان فواستر

علت اینکه ما از موسیقی خوشمان میآید این است که در دنیای رویاها و احلام خودفرو میرویم طبایع عالی موسیقی را دوست میدارند لیکن بهترآن میدانند که از آن میدانند که از آن به عنوان وسیله برای دخول در رویاهای خویش استفاده کنند. دیکتور هوگو

معماری موسیقی منجمد شده است. مادام روستال

گمان میکنیم تأثیر موسیقی این است که در هر کسی طک وچود ثانوی را بیدار میکند که خیلی عالی تر و زورمند تر از موجود پست معمولی همه روز است. موسورسکی

موسیقی فقط هنر نیست بلکه همه هنرهای زیبا را شامل است. نیکاووچ مروف

مردیکه در درونش موسیقی ندارد و نداهای خوش و دلنشین او را تحت تأثیر قرار نمیدهد برای خیانت ، توطئه چینی و غارتگری مناسب میباشد و هیچکس نباید باواعتقاد کند. شکسپیر

موسیقی نه تنها احساسات را بیان میکند بلکه گاهی نیز احساسات را بوجود میآورد. هانری الزفودنیه

موسیقی نیروی حیات بخش است که باطرزی اسرارآمیز خاطره های فراموش شده دورترین روزهای زندگی را در قلبها بیدار میکند. چارلزاردین

موسیقی بیان خوش آهنگ زندگی است.هوزاد

موسیقی کشوری است که روح من در آن حرکت میکند دراین جا هرچیز گلهای زیبا میدهد و هیچ علف هرزه ای درآن نمیروید اما کمتر هستند اشخاطیکه بفهمند درهر قطعه از موسیقی چه شوری نهفته است. بتھون

موسیقی بخودی خودپرداخته ترین هنرهای زیبا بوده و همه طبیعت را شامل میشود اگر تنها هنرش بنامیم از ارزش آن خواهد کاست. نیکلایویچ مورف

موسیقی برای آواز و نقاشی برای منظر شعر است برای کلمات اما آنجا که موسیقی و شعر در فهماندن احساسات دقیق بشری کوتاه میآیند و در هنر خویش فرو میمانند نوبت نقاشی شروع میشود در بسیاری از موارد چیزی یک برده نقاشی به ما میفهماند یک میلیون کلمه بآداری آن قادر نیست. میکل آنژ

موسیقی از عالیترین هنرهاست که معنی مطالب نامعلوم و نفهمیدنی را برای ما توضیح میدهد و تفسیر میکند و ما را به عالمی که هنوز برای انسان مجهول است رهبری میکند. والنز

موسیقی عزیزترین ولی نامطبوعترین سروصداهاست ، حقیقتاً من سکوت را بر دل انگیزترین نغمه ترجیح میدهم. گوته

موسیقی از فکر تراوش میکند و به قلب می نشیند. بتهون

موسیقی نوعی دل‌سپیلین و وسیله ایجاد و نظم و حسن مشترک است موسیقی قادر است آدمیان را مهربانتر و اخلاقی تر دم‌عقولتر نماید. مارتین لوتر

موسیقی احساسات را صدا دار میکند. دولاکروا

موسیقی احساسات بشری را لطیف میسازد و خشونت را از بین میبرد و رشته خشم و غضب را از روح خارج میسازد.

نغمه و وزن موسیقی تأثیر فوق العاده ای در روح انسان دارد و اگر درست بکار رود میتواند زیبایی را در رؤیاهای روح جانگزين کند. افلاطون

من سهولت را شعار خود کرده ام موسیقی نباید مانند علوم خفیه یا اسرار جادوگری باشد. تالمن

موسیقی تنها مسکن ارواح آشفته بیسامان بشری است.مهربابا

موسیقی گرد و خاک زندگی روزانه را از درون و روح آدمی میزداید. دروباخ

میهمانی

آنکس که در میهمانی عصبانی شو بی ادب است. مثل ایتالیائی

اگر به میهمانی گِردِ میروی سگ همراه ببر. مثل روسی

بهترین میهمان کسی است که کم بیاید و زود هم برود.

برای میهمانی هر قدر خرج کنی بالاخره از یاد میهمان خواهد رفت. مثل اسکاتلندی

حتی مورچگان از میهمانی که بموقع برنخیزد خوششان نمیآید . مثل آفریقائی

در میهمانی آدم خسیس همه میخورند و در دل بمیزان ناسزا میگویند.مثل فرانسوی

چون میهمانی کنی از خوبی و بدی خوردنیها غذرمخواه که این طبع بازاران باشد، هر ساعت مگوی کهه فلان چیز بخور خوبست یا چرا نمیخوری یا من نتوانستم سزای تو کنم که این سخن کسانپست که یکبار میهمانی کنند. قابوسنامه

دیوژن شخصی را دید که خویشتن را برای حضور در یکی از جشنها مهیا میکند، گفت انسانها باید تمام روزهای خود را روز جشن و میهمانی بدانند. از کتاب درجستجوی خوشختی

میهمان روز اول زر باشد روز دوم نقره روز سوم آهن روز چهارم سفال روز پنجم خاکستر که کوچه ریزند.
مثل ایرانی

هر کس برای یک و یا دو روز میهمان انگاشته میشود و در روز سوم فضول و مزاحم.
مثل هندی

میهمان ناخوانده اگر دو نفر شد قابل تحمل است و اگر بیشتر غیر قابل تحمل .

هرگز درحضور میهمان عزیز فرزند را تنبیه مکن.

اگر در سفره ای میهمان نباشد گوئی درطعام نمک نیست نمک سفره میهمان است.

میهمان از پشت سر زیباست. مثل اسپانیولی

میهمان برکت، شادی و صفا بخانه دوست میآورد.

نبوغ _ مردان بزرگ

آنچه مرد را بزرگ میکند موفقیت است. ناپلئون

از دیگران تقلید نکن خودرا بشناس و آنچه هستی باش بدان که در دنیا کسی مثل تو نیست. دیل کارنگی

آیا بخت و اقبال است که مردان بزرگ را بمقام سیادت میرساند؟ نه آنان چون مردان بزرگ بود توانستند بخت و اقبال را مطیع و منقاد خود سازند. ناپلئون

از مردانی که سعی دارند جاه طبیبی های شما را تحقیر کنند دوری کنید، انسانهای ناچیز همیشه این عمل را میکنند در حالیکه اشخاص بزرگ سعی دارند کاری کنند که احساس کنید شما هم روزی به عظمت خواهید رسید. مارک تواین

ایجاد یک نام بزرگ آسانتر است تا نگهداری آن . بوته فن

اشخاص بزرگ و نامی بکوه مانند، هر چه بایشان نزدیکتر شوی عظمت و ابهت آنان بر تو معلوم گردد، مردم پست و دوم همت سراب را مانند که چون کمی بانان نزدیک گردی بزودی پستی و ناچیزی خود را بر تو آشکار سازند. گوته

بحرانهای بزرگ مردان بزرگ بوجود میآورد. کندی

اشخاص بزرگ که در دنیا موفقیت های عظیم نصیبشان شده همواره در روح خود برای وقایع و حوادث غیر منتظره جای مخصوص باز میکنند. مترلینگ

اگر بگوئیم که مترلینگ سقراط عصر حاضر است سقراط را خیلی بزرگ و مترلینگ را خیلی کوچک کرده ایم .

بدشواریهای جهان بگوئید به سراغ کسیکه با آنها آشنا نیست بیایند. کسیکه روزها و شبهای دراز در زیر سنگ حوادث خفته باشد از قله سنگی که در راه پیممائی زیر پای او پیدا شود نمی نالد. سعید نفیسی

اشخاص بزرگ که در دنیا موفقیت های عظیم نصیبشان شده همواره در روح خود برای وقایع و حوادث غیر منتظره جای مخصوص باز میکنند. مترلینگ

بعضی اشخاص ممکن است علی الظاهر خشنو نامعقول نظر بیایند ولی در باطن صاحب قلبی پاک و روحی منزه و ارجمند باشند. اسمایلز

برای آدم توانا، هیچ باری سنگین نیست برای بازرگانی ، هیچ راهی دور نیست برای دانشمند هیچ کشوری بیگانه نیست برای آدم خوش زبان هیچ کس دشمن نیست . مثل چینی

برای اینکه انسان کمال بیاید صد سال کافی نیست ولی برای بدنامی او یک روز کافی است. مثل چینی

برای اینکه بزرگ باشی نخست کوچک باش. مثل هندی

تاریخ بشر مجموعه ای است از حوادث زندگانی مردان بزرگ زمام امور حیات اجتماعی انسان در طی تاریخ و در میان تمام ملل جهان از آسیائی و اروپائی در دست مردان بزرگ بوده است که به نیروی استعداد و قریحه و اراده و فکر خویش بر دیگران برتری یافته اند و هرگاه تاریخ زندگانی اینگونه رجال را از تاریخ بشر برداریم. دیگر چیزی که قابل مطالعه و دقت و پیروی و تقلید باشد در آن باقی نخواهد ماند. نصرالله فلسفی

تشویق و نگرانی بهترین استعدادهای انسانی را بیدار میکند. دیل کارنگی

تمام چیزهاییکه نواوغ آینده خواهند گفت هم اکنون در وجود من و شما هست ، منتهی باید آنرا پیدا کرد و انگشت رویش گذاشت. مترلینگ

تواضع نردبان بزرگی و بلندی است. شکسپیر

جاه طلبی هوس یک شخصیت بزرگ است از مرد جاه طلب هم ممکن است کارهای بزرگ سربرزند وهم اعمال پست و ناشایست ، این امر بستگی تام دارد به اصولیکه راهنمای او است. ناپلئون

چقدر بزرگ است آنکس که بنادرستی خود اعتراف میکند. مثل انگلیسی

جنون، فقر و زوال عقلانیست . بنوع توانگری وشادابی آنست از آن چرند ویی معنی و از این تازه و متعالی بدست میآید. پیرزانه

خاک گورستان را بو کنید مزار راد مردان را از بوی خون بشناسید. شیخ عطار

چرچیل سیاستمدار معروف در دفتر خاطرات دانشجویی که از وتقاضای یادگاری کرد بود نوشت « عیب جامعه این است که همه دلشان میخواهد فرو مفیدی باشد.

خیلی باید صخره بزرگی باشی که جریانها از پهلویت بگذرد وتونگاهش کنی و بگوئی تو آبی برو.

چیزی که افراد هر گونه از بزرگان خو نمیخشید خطاهائی است که خودشان مرتکب شده و مسئولین از آن جلوگیری نکرده اند. پسنت اسفورز

درراه بزرگی از این خاطرات باید حذر کرد کاهلی ، بیماری ، پرخوابی و زود از خودراضی شدن. پندهائی ازهندو

دریای خردشان زندگی با طوفانها و موجهای کوه آسا همراه است امواج سهمگین حوادث از پیشرفت مردان بزرگ درمسیر زندگی جلوگیری میکنید پیروزی مال دسته ایست که با داشتن تدبیر وعقل سینه حوادث را بشکافند و با کمک دانش و بینش با مشکلات مبارزه نمایند.

شاید قرنها بگذرد و در کره خاکی متفکری مانند مترلینگ بوجود نیاید. انیشتین

درآنجا که خیال میکنیم چیزی جز ذیلت نیست بسیار فضیلت میابیم و درآنجا که تصور میکردیم و در آنجا که تصور میکردیم همه حسابگری و دغلی است به دوستیهای بی آرایش میرسیم و بدین ترتیب از دو طرف افراط و تفریط حدوسط بدست میآید و چون باین نتیجه میرسیم که هیچ موجود بشری ، خوب تمام ، باید تمام نیست انسان را چنان که باید میشناسیم ومی فهمیم که باید کم توقع داشته باشیم و بسیار چشم پوشی کنیم، روزگار بدبینی و مردم گریزی را درمان میکند. بولور

شاید قرنها بگذرد و در کره خاکی متنفرند مانند مترلینگ بوجود نیاید. انیشتین

شرافت وعظمت واقعی متعلق به کسانی است که بیشتر به بشر خدمت کرده ور نجهای موجود افراد در اکمتر ساخته باشند. پاستور

شکستهای زندگی مردان توانا ساخته اند نه پیروزیهای آن.

شهر بزرگ جایی است که دارای زنان و مردان بزرگ است، چنین جایی اگر از کلبه های کوچک نیز پدید آمده باشد، در واقع بزرگترین شهر دنیاست. والت ویتمن

صمیمت یکی از دلایل نبوغ است. بودلو

طبیعت زرادخانه نبوغ است شهرها بصورتی ناچیز بآن خدمت میکنند کتابها و دانشگاهها دست آدمنند. چشم مشتاق دیدن افق است، چشم انداز کوتاه و اقیانوس و رو دودشت و ابرها و ستارگان را دوست دارد. خواهان تماس واقعی با عناصر ومهر ورزیدن بافصول درآمدن و رفتن آنهاست. ا- ب- الکوت

عده ای معدود از مردان بزرگ برای مشهور ساختن ملتی کافی هستند. ناپلئون

عده ای در امریکا لورنس سیاه پوست را برای سوزانیدن در خرمن آتش بردند و از او خواستند آخرین نظرش را درباره افرادی که کشان کشان او را روی زمین کشیده اند بیان کند او جواب داد من ابدأ فرصتی برای جنگ و نزاع ونگرانی ندارم و هیچکس نمی تواند مرا آنقدر پائین آورد که نسبت باو کینه بجویم. دیل کارنگی

عزت و احترام ، قیمت زحمت و مشقت است.حسن رشديه

عمارات بزرگ را از سایه آنها و مردان بزرگ را از تعداد دشمنان آنها میتوان شناخت. مثل چینی

عظمت مردان بزرگ ازطرز رفتارشان با مردان خرد آشکار میشود. کارلایل

غم ومحنت روزگار دل را روشن و فکر را قوی میکند و مصائب مردان بزرگ بوجود میآورد
از کتاب در آغوش خوشبختی

عمر آنقدر کوتاه است که نمایرزد آدم کوچک وحقیر بماند.

کسانی شایسته بنای یادبود میباشند که احتیاجی بدان ندارند بعبارت دیگر افرادی لایق بنای یاد بودند که قبلا در قلوب واذهان مردم جای گرفته اند. هازلت

محترم بودن نتیجه یک عمر لیاقت اندوختن است. مادام دلامبر

کسانیکه از حیث استعداد و قریحه ما فوق دیگران هستند غالبا بخطا و تقصیر نزدیکتریند زیرا، هیچ علت ندارد که استعداد را ما فوق بشر قرار دهد.ولتر

مردان بزرگ هرگز تا ضرورتی دربین نباشد ظلم نمیکند.

مرد بزرگ عمخواری و تشویش نشان نمیدهد عاقل است و تردید ندارد شجاع است و نمیترسد. کنفوسیوس

مرد فرزانه همواره نه نکته ار در نظر دارد ، روشن دیدن ، خوب گوش دادن ، مهربان سخن گفتن ، آداب داشتن راستگو بودن، انجام وظیفه کردن ، هنگام تردید پرسیدن خود را از خشم دور نگاه داشتن در عین موفقیت عادل و منصف بودن .کنفوسیوس

مردان بزرگ هرگز تا ضرورتی درین نباشد ظلم نمیکنند.ناپلئون

مرد بزرگ از صفات خوب دیگران استفاده میکند نه از صفات بدشان سوء استفاده .
کنفوسیوس

مردان بلند نام و با افتخار هرگز نمی میرند، زیرا که گورشان قلوب نسلهای آینده است. تولستوی

مردان بزرگ مانند عقاب هستند و آشیانه خود را روی قله بلند تنهائی میسازند.
شوینهاور

مرد بزرگ وقار دارد،اما مستکبر نیست مرد کوچک تکبر دارد واما وقار ندارد.
کنفوسیوس

مردان بزرگ جز بکار خود به چیز دیگر اعتماد ندارندو از هیچکس یاری نجویند.
کنفوسیوس

مرد بزرگ با روی خوش رومیکند و مرد کوچک با روی ترش میپذیرد. کنفوسیوس

مردیکه واقعا بزرگ است حاکم برواقیعاتی است که خود پدیدش آورده .ناپلئون

مردان بزرگ مانند شهابها هستند که میسوزندو جهانی را از نور خود روشن میکنند.
ناپلئون

مردانی بوده اند که برای رسیدن به کمال حتی جان خودرا از دست داده اند.
کنفوسیوس

مردم فرومایه از اشتباهات و لغزشهای اشخاص بزرگ لذت فراوان میبرند. شوینهاور

مردمان عادی نظیر شهر صد دروازه هستند که از هر یک از دروازه های آن که بخواهد وارد میشوند اما وجود مرد خردمند شهری است که یک دروازه دارد وآنهم دروازه ای بسته وقتی بشر خواست وارد شود ناچار دق الباب میکند. مترلینگ

مرد بزرگ ودیر وعده میدهد و زود انجام میدهد. کنفوسیوس

مرد خردمند نرفته میداند، نگاه نکرده می بیند وعمل نکرده کار را بپایان میرساند. آئین
تاو

مردبزرگ بخود سخت میگیرد و مرد کوچک تکبر دارد اما وقار ندارد. کنفوسیوس

مصیبت نبوغ را آشکار میکند و اقبال و آسودگی آن را پنهان مینماید. هر رس

معاشرت بردانائی میافزاید ولی تنهائی مکتب نبوغ است. گیون

نگذاریم اشخاص شرافتمند و اصیل روزگارمان بدون دریافت افتخاراتی از میان ما بروند.
فرانکلین

مقام عالی انسان در برابر شما آنرا بدست آورید. شیلر

ممکن نیست کسی شرح احوال و زندگانی اشخاص بزرگ و با استعداد را بخواند و
خودش بدون اینکه ملتفت باشد با قوه مرموزی بطرف مجدد تعالی کمال اخلاقی
کشیده نشود. دیزرائیلی

من برای شادمانی دنیا نیامده ام، آمده ام کارهای بزرگ انجام بدهم. بتهوون

نابغه در بند حدود و تعینات دیگران نیست قانون او در وجود خود اوست یا همچون
کوهی آتشفشان از درون میخرد و شد و کوهپاره ها از پیش برمیاند دودهانه ای برای
فوران خودمیسازد، فطرت وی قانون میگذارد و کار خود را با آن می سنجد . گوته

می ارزد که انسان برای نیکامی بهر نوع فداکاری تن دردهد.

نابغه کسی است که پیوسته افکارش را از قوه به فعل آورد ولی نابغه واقعی کسی
است که از مداومت خود داری کند، زیرا اخلاقیت ابدی مخصوص پروردگار است. بالزاک

نابغه باید دنیا بیاید نمیتوان نبوغ را تعلیم داد. درایدن

نبوغ و ارزش بشر وقتی با عالیترین صورت خود بتظاهر بر میخیزد که شخص خود و
هدفهای فردی را در وجود اجتماع حل و محو کند. انیشتن

نبوغ چیزی نیست مگر استعداد فراوان در صبر و شکیبایی. بوفون

نبوغ نیروی ترکیب کننده ایست که میتواند افکاری کاملاً تازه که هیچ علمی آنرا پیش
بینی نکرده ترکیب کند این آخرین درجه نیروی اخلاقی است. پی یرژانه

نامداران جهان دلیرترین افرادند. سیرون

نوابغ بر خلاف اشخاص عادی تنها در فکر خود نیستند و منافع شخصی را در نظر
نمیگیرند بدین جهت در آثار نوابغ همیشه نظیریاتی دیده میشود که دارای جنبه کلی
و جهانی و از حدود و زمان فراتر میروند. شوپنهاور

نوابغ بزرگ دارای کوتاهترین بیوگرافی ها ، هستند. امرسون

نیوتن بجای تخم مرغ روی آتش ساعت خود را گذاشته بود در صورتیکه قوه جاذبه
زمین را کشف کرد.

یکی از مردان بزرگ

نبوغ یعنی حوصله. مثل فرانسوی

هرگز از خود انتقاد ننموده و خود را با کسی مقایسه نکنید شما خودتان هستید و همین کافیسست غالباً درخصوص سجایا ، توانائیها ، اعمال نیک و سودمند ارزش واهمیت شرافت و حیثیت و بزرگی خود فکر کنید.
پل نیس نس

هر نابغه خیلی بدنیا می بخشد که نمی ستاند. هیلر

هر قائده پیشوائی باید به تناسب مقام و استعداد محیط ظهور کند و گریه میوه نارسى و عمل بیهوده ای خواهد بود.

هرکسی نبوغی دارد، اما اغلب برای چند دقیقه . ت. اس.الیوت

هرگز به بزرگی نمیرسی تا در آن راه زحمت بسیار نکشی. سیرون

همه مردان بزرگ در زیر دانائی خود دارای دل کودک هستند. مثل چینی

هیچکس بلندی مقام پیدا نمیکند مگر در خوی خوش . ابن عطاء

یک مرد بزرگ عیوب مرد کوچک را نمی بیند. مثل چینی

یکساعت زندگی با افتخاره و با شکوه به یک قرن گمنام زیستن میارزد. والترالسکات

عقل

آدم عاقل افعی را که کشت بچه اش را نمی پرورد .تن

آنگاه که خرد مغلوب غضب توانست خود را از افراد انسان محسوب مکن.طین

اشخاص عاقل روح جامعه هستند. دانیال

از استادم پرسیدم از مردمان که عاقل ترند؟ گفت آنکس که کم گوید و بیش شنود و بسیار داند.بوذرجمهر

اگر بخواهی بر عالم فرمانروا باشی باید عقل بر تو حاکم باشد. سرنک

اگر بمال درویش گردی جهد کن تا بخرد توانگر باشی که توانگری خرد از توانگری مال بهتر است. وشمگیر

اگر عقل و دانش در وجود انسان جمع باشد کن دیگر جنسیت او را نمی پرسم و فقط تحسینش می کنم. لا بروبر

آنکس مشاهده کننده تیزبین است که بتواند دقیقا همه چیز را مشاهده کند بی آنکه خود مشاهده شود. لاواتر

انسان عاقل همیشه از بد گوئی هائی که از او میشود استفاده می کند. ژرژبانه
خردمند باشید توانگر باشید. قابوسنامه

پروردگارا هرکه را عقل دادی چه ندادی و هرکه را عقل ندادی چه دادی. انصاری

ثروت اگر بدست عقل نباشد مایه ادبا روسیه روزی خواهد بود. حجازی

توانگری بهتر است نه بمال و بزرگی به عقل است نه بسال. سعدی

چهل جور حماقت وجود دارد اما فقط یک عقل سلیم را می شناسم. مقل آفریقائی

خردمند کسی است که گفتارش را کردارش تصدیق کند.

خردمند آنچه را میداند نمی گوید و آنچه را که بگوید میداند. ارسطو

سر آدم عاقل هرگز درد نمی کند. مثل ایتالیائی

دیوانه خودش را عاقل می پندارد و عاقل هم می داند که دیوانه ای بیش نیست. شکسپیر

عقل است که بزرگترین مخترعین توسط ان به کرات راه یافته اند. برنارد شاو

روزی اگر عقل را بخرند و بفروشند ، ماهمه بنصور اینکه زیادی داریم فروشنده خواهیم بود. حجازی

عقلا شک و تردید را دانشگاه حقیقت خوانده اند.

شخص عاقل تنها برای خودش زندگی نمی کند بلکه برای خیر و صلاح دیگران نیز بایستی گام بردارد. اسمایلز

عقل نیروئی است که دنیا را اداره می کند. امرسون

عاقل کسیکه این جهان را همچون دوزخی پندارد و بکوشد خویشتن را در آغوش این دوزخ مصون دارد. ایزدی

فقط مرد عاقل ثروتمند واقعی است. مثل لاتین

عقل از تندرستی بالاتر است زیرا باعقل غالبا می توان تندرستی را بدست آورد اما بدون عقل تندرستی از دست می رود. حجازی

فکر پایه عقل است. دهخدا

عقل را از انسان بگیرند دیگر،هیچ چیز بهادار برای او نمی ماند . ها میلتون

عقل تنها این نیست که انسان در موارد عاجل بداند چه می کند بلکه مهم این است که بداند بعدا چه باید بکند. هوور

عقل بی عاطفه خطرناک است وعاطفه بدون عقل قابل اعتماد نیست آدم کامل آنست که هم عقل دارد وهم عاطفه.تن

عقل از دست نفس چنان گرفتار است که مرد در دست زن گریز رای. سعدی

عاقل در اول انجام می دهد همان کاری را که نادان در آخر انجام می دهد. مثل هندی

عاقل آنچه را نمی داند نمی گوید نادان نمی داند که چه می گوید. مثل ترکی

غالبا عقل و دل را اشتباه می کنیم وآنچه را دل می خواهد بگردن عقل می گذاریم. حجازی

کسیکه نمی تواند احمق شود نمی تواند عاقل باشد. مثل آلمانی

کسیکه خارج از محیط خانه خود را عاقلتر از محیط داخلی خانه نشان دهد احمقی بیش نیست.مثل آلمانی

کسیکه فقط در فکر سیرکردن شکم است عقل را گرسنه گذاشته است. مثل چینی

مردیکه نتواند عصبانی شود احمق و مردیکه نخواهد عصبانی شود عاقل است.

ناچارم ورزش کنم وگرنه عقل من فاسد خواهد شد. تولستوی

هرکس چیزی را می بیند که آنرا در قلب خود حمل می کند. گوته

یک روز عاقل بیک عمر احمق میارزد. مثل تازی

هر وقت عقل واحساس وادراک باهم دست بگریبان شوند همیشه احساس غالب می شوند نه عقل. گوته

عشق

چه بسا که دردهای درمان ناپذیر راعشق درمان کرده است. سنجوی
باعشق زمان فراموش می شود و با زمان هم عشق فراموش می شود. صفا
اندیشه ها ، رویاها، آهها، آرزوها ، اشکها از ملازمان جدائی ناپذیر عشق می
باشند. شکسپیر
پیوند عشق حقیقی حتی به مرگ گسیخته نمی شود چه رسد به دوری. ولتر
اگر درد شوق و عشق دازی از زندگی خویش بهره بشیاز بدست آزی چه عشق
همواره آدمی را بسوی کمال راه نماید. پوشه
حقیقی ترین حقیقتها عشقست. بار لبی
دنیا از عاشق خود فرار می کند. مثل ایتالیائی
در یک عشق هزار مصیبت نهفته است.
طبیعت معشوق بی آزار و مهربان کسانی است که لز معشوقان دیگر سرخورده
اند. حجازی
در عشق پیروز کسی است که پای به فرار می نهد. ناپلئون
در عشق سکوت بهتر از نطق و بیان ادای مقصود می کند. مثل ژاپنی
دنیا تاتر عشق است.
شجاعت مانند عشق از امید تغذیه می کند. ناپلئون
عشق راهنمای زندگی و تعیین کننده پیشرفت آنست. غ-ذ
عشق وقتی بحر عقل گوش می دهد که رفته باشد. ماگان
عشق بزرگ در پی تنفر بزرگ بوجود می آید. گرجستانی
عشق تنها مرضی است که بیمار از آن لذت می برد. افلاطون
عشق وسختی بهترین وسیله آزمایش زندگی زناشوئی است. اسمایلز
عشق غالباً یکنوع عذاب است اما محروم بودن از آن مرگ است. شکسپیر

عشق اصل همه چیز دلیل همه چیز، خاتمه همه چیز است. لاکورد
عشق آتش است اگر نباشد خانه سرد و تاریک اما اگر بیجا اعتاد خانه و خانمان رامی
سوزاند. تن

عشق باید شادی بخش باشد نه رنج آور. ناپلئون

عشق عطشی است که وقتی سیراب شد بر دلت می ماند و باعث سو هاضمه می
شود. فالآچی

عشق آتش روانسوزی است که هر قدر شعله آن بیشتر شود زودتر خاموش می
شود. ارسکارد

عشق مانند جنگ است که آغاز کردن آن آسان و پایان دادن آن دشوار است. ه. ل. مکن

عشق از بزرگترین و قویترین مردان دیوانگان و از دیوانگان عاقلان دوراندیش بوجود
میاورد. گوستاولوبرن

عشق قویترین سپاه است زیرا در یک لحظه بر قلب و بر مغز و جسم حمله میکند.

عشق خسارتی را جبران میکند که بدوستی ممکن نیست. مونتس

عشق وسیله ایست که تمام درد سردهای کوچک را بیک درد سر بزرگ تبدیل می
کند. ولتر

عشق وسیله ای که تمام دردهای کوچک را به یک درد سر بزرگ تبدیل می
کند. ولتر

عشق لذتی است که در نتیجه خوشبختی دیگری برای ما دست می دهد. سینر

عشق وقتی که سر وقت پیران می رود آنها را جوان می کند. برنارد شاد

عشق هواس را از دیدن عیوب منع می کند. ارسطو

عشق بلایی است که همه خواستارش هستند. افلاطون

عشق گوهری است گرانبها اگر با عفت توام باشد. تولستوی

عشق معمار عالم است. هدیه

عشق روح را تواناتر می سازد و انسان را زنده دل نگاه می دارد. توماس مان

عشق قویترین نیروها را در روح انسان بیدار می کند. نفیسی

عشق انسان را عاقل وبا تجربه می کند.نینگ
عشق ترس را از بین می برد.مثل چکسلاوا کی
غرور آدمی فقط در برابر گرسنگی وعشق تسلیم اختیار می کند.مثل دانمارکی
کسیکه عشق می کارد اشک درو می کند. پلین
غیبت ودوری کم عشق را استوار می کند وغیبت زیاد عشق را می کشد. مرابو
کینه را کینه به پایان نمی رساند عشق قاطع کینه است. بودا
کسانیکه در عشق تظاهر می کنند رودتر از عشاق حقیقی بمقصد می رسند.
لانکلوس
کوچکترین شراره امید برای زائیدن عشق کافی است.استاندال
مرده بدم ،زنده شدم ،گریه بدم ،خنده شدم دولت عشق آمد ومن دولت پاینده شدم.
مولوی
هر جا که عشق خیمه زند جای عقل نیست. سعدی
من از خوشبختیهای جهان بهره مند گردیده ام زیرا در زندگی عاشق شده ام
.شکسپیر
وقتی که موضوع عشق در کار است پای عقل می لنگد.مترلین
وقتی عشق میاید کسی نمی بیند اما وقتی میرود همه می بینند.دولسیون
نهالی شاداب تر از عشق دردل نمیروید. مترلینگ
من تا با عشق زندگی می کنم جوان هستم وهر موقع که دلم شکفته وخرم باشد
فصل بهار عمر وایام نورو روز زندگانی است. کاشانی
من عشق می ورزم زیرا می خواهم زندگی کنم. ژرژساند
هرکس که عشق رادر دیگران جنون می داند وحال آنکه خود همیشه بچیزی عاشق
است. حجازی
یک عاقل می تواند هزارسال فکر خود را بکار برد لیکن بقدر آنچه عشق در یکروز یاد
می دهد کسب نتواند کرد. امرسون
هیچ چیز بر عشق نمی تواند حکومت کند بلکه این عشق است که حاکم بر همه چیز
است.لا فونتن

هنگامیکه فقر از در وارد شود عشق از پنجره فرار خواهد کرد. شکسپیر

هیچ شکنجه مولم تر از این از این نیست که انسان نه عشق بورزد و نه عشق نثار او شود. کامل

جملات زیر مربوط به عشق از دوست خوبم در pcseven با آی دی siavash084 است.
با چشمان تو مرا به الماس ستارگان نیازی نیست
(احمد شاملو)

از آئینه بپرس نام نجات دهنده‌ام را
(فروغ فرخزاد)

عشق تملك معشوق است و دوست داشتن تشنگی محو شدن در اوست
(دکتر علی شریعتی)

دوستت دارم نه بخاطر شخصیت تو بلکه بخاطر شخصیتی که من در هنگام با تو بودن پیدا می‌کنم
(گابریل گارسیا)

اگر کسی تو را آنطور که می‌خواهی دوست ندارد به این معنی نیست که تو را باتمام وجودش دوست ندارد
(گابریل گارسیا)

ممکن است در تمام دنیا یکی باشی ولی برای یکی تمام دنیا هستی
(گابریل گارسیا)

بدترین شکل دلتنگی برای کسی آن است که در کنار او باشی و بدانی که هرگز به او نخواهی رسید
(گابریل گارسیا)

عشق با یک لبخند شروع میشه با یک بوسه رشد پیدا میکنه و با اشک تموم میشه
(گابریل گارسیا)

دقایقی تو زندگی هستند که دلت برای کسی اونقدر تنگ میشه که می‌خوای اونو از رویات بیرون بکشی و تو دنیای واقعی بغلش کنی
(گابریل گارسیا)

در عرض یک دقیقه میشه یک نفر رو خرد کرد در یک ساعت میشه کسی رو دوست داشت و در یک روز میشه عاشق شد ولی یک عمر طول میکشه تا کسی رو فراوش کرد
(گابریل گارسیا)

اینکه تمام عشقت رو به کسی بدی تضمینی بر این نیست که اون هم همین کار و بکنه
(گابریل گارسیا)

عاشقان عشق را فخر می‌فروشند ارزانش مفروش
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

عشق بلندتر از آن است که زیر نگاهی عتاب‌آلود پامالش کنی
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

عشق حقیقی‌تر از آن است که پشت ابری از حیاها ناراستین پنهانش کنی
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

عشق یتیم‌تر از آن است که به دست رودخانه روزگارش بسپاری
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

از صلیب‌های کهنه سنتی که به دوش می‌کشیم امید معجزه نیست عشق
مسیحای زندگی‌ست که دیگر بار زنده بودنت را اعجاز می‌کند به صلیب سنتش مکش
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

عاشقی که تنها گنااهش عاشق بودن است به چه جرمی مجازات خواهد
شد...عاشقی؟!
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

هر کس برای دوستی حدودی قائل شود معنای دوستی را نفهمیده است
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

آنقدر یکدیگر را دوست نداریم که از حسادت دست برداریم
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

یار و یاور هم باشیم نه بار خاطر هم
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

نهال دوستی واقعی آهسته رشد می‌کند
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

برای کسی که خیلی دوستش داری ۱۱ شاخه گل طبیعی و ۱ شاخه گل
مصنوعی بخر. شاخه ی گل مصنوعی رو وسط شاخه گلای دیگه بذار و روش یه کارت
بچسبون و روی اون بنویس " دوستت دارم تا زمانی که آخرین شاخه ی گل این دسته
گل خشک بشه
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

به کسی عشق بورز که لایق عشق باشد نه تشنه عشق. تشنه عشق روزی
سیراب خواهد شد. ویکتور هوگو

عشق یعنی اینکه ما باور کنیم
یک دل دیگر ارادتمند ماست ...

ظلم - ستم - اندوه

آخرین درجه فساد بکاربردن قوانین برای ظلم است. ولتر

آدمی شاگردی است که درد و اندوه او را تعلیم میدهد و هیچکس بدون احساس این
مقلم قادر بشناسائی خود نیست. الفردوموسه

آنکه به فکر فردا نیست به غم فردا گرفتار خواهد شد. از منتخبات کنفوسیوس

آهن در آتش استحکام و قدرت مییابد و پولاد میگردد، بشر نیز در درد و رنج نیروی
اخلاقی خود را بدست میآورد. هنری کینانس

آدم تبهکار میمیرد ولی شرش بعد از او میماند. شکسپیر

اذیت کشیدن بهتر از اذیت رسانیدن است اذیتی که از دیگران بما میرسد هر قدر هم
سخت باشد زود میگذرد ولی وقتی دیگران را اذیت کنیم، آنها نیز درصدد تلافی برآمده
مدتهای دراز زندگانی ما را دچار اضطراب و پریشانی میکنند. لرداویبوری

از همه اندوهگین تر شخصی است که از همه بیشتر میخندد. ژال پل سارتر

اشخاص شریف و درد کشطده ای وجود دارند که با حداقل مهربانی قادر ندرنج و در
خود را با شکیبائی تحمل کنند. بودلر

از نفس بد جز فعل بدنیاید و ازطینت ناپاک جز فساد و بی باکی نزیاید.

افراد قوی و نیرومند کسانی هستند که در گهواره رنج پرورش یافته آنها میتوانند در
برابر طوفانهای مصائب مقاومت نمایند ولی کسانیکه در مهر عزت و نعمت پرورش یافته
با یک نسیم سرد پژمرده میشوند و با یک باد شدید از جای کنده میگردند.

کودک

آنکه اشکهای کودک را نخشکاند خود خواهد گریست. مثل آفریقائی

آدمی باید درینج خصلت باکودکان شرکت داشته باشد یکی آنکه همچون کودکان غم روزی نخورند. دیگر چون بیمار شوند از عذاب نناندو گله نکنند و آنکه هر طعامی داشته باشند با یکدیگر خورند و چون با یکدیگر نزاع کنند دردل نگاه ندارند و زود آشتی کنند و از اندک چیزی بترسند و با رقت باشند و با اندک چیزی راضی و خشنود گردند. بزرگمهر

اطفال بالطبع مایلند مانند والدین خود باشند و هرکاری را که آنها بکنند انجام دهند.

اگر میخواهید بدانید دختر شما پس از ازدواج باشما چگونه رفتاری خواهد کرد، کافی است به صحبت او برادر کوچکش گوش کنید. سام لونسون

اگر به بچه کمی محبت نشان بدهید، وی صد چندان بشما مهر خواهد ورزید. جان روسکن

با کودکان باید نرمی و درشتی را باهم بکار ببریم، نه اینکه همیشه مانع آن شویم که از راهی که میخواهند بروند، اگر از ایجاد دردسر برای خود در ملامت کردن آنان چشم پوشیم در آن هنگام که بزرگ شوند مایه دردسر ما خواهند شد ولی بهر قیمت هست به زحمت میتوانید دوباره آنها را بچنگت آورید. پرچون

امروزه سرگرم کردن یک بچه بیشتر از آنچه که برای تربیت و بزرگ شدن پدرش خرج شده است تمام میشود. هربرت پروشائو

بهترین دوره زندگانی ما دوره طفولیت است و همین که از آن گذشتیم وارد بدترین مراحل حیات میشویم. هوک

خطاهای کودکان به گردن والدین است. مثل آفریقائی

پدران و مادران دوره اول زندگی بچه هایشان را صرف آموختن، راه رفتن و صحبت کردن آنها میکنند و بقیه دوران کودکی کارشان این است که آنها را بنشانند و ساکتشان کنند. رابرت تانر

در هر بچه یک معماری حیرت بخش نهان است. شوپان

فرزند به مثال انگشت ششم است. اگر بیرندش رنج دارد و اگر نگاهش دارند زشت نماید. نوذر شهریار

قبل از آنکه کودک را تک بزیند یقین پیدا کرده باشید که خود سبب خطای او نبوده اید. اوستین اومالی

کاش حیوان ویا کودک بودم که آینده را نمیدیدم و گذشته را یاد نمیکردم و فقط به حال توجه داشتم و خوش بودم. لابرور

کودکان یاد گذشته را نمیکنند و به فکر آینده هم نیستند دم را غنیمت شمرده و آنرا بخوبی طی میکنند، در بین سالمندان بسیار معدودند افرادی که اینچنین رفتار میکنند. لایبرور

کودکان عموماً بیکاری را دوست ندارند بنابراین تمام توجه شما باید معطوف به این باشد که این خصلت مشغله دوستی ایشان در چیزی صرف شود که بسود ایشان باشد. لاک

کودکان به نمونه و سر مشق بیش از انتقاد نیازمندند. ژوبر

نفرینی که از قلب خاموش کودکی برمیخیزد کارگزار ازخشم نیرومندترین مردانست. ا-
ب. براونینگ

کودک بی پدر چون خیمه بی سقف است. مثل آفریقائی

نمیتوانید بکودکی بیاموزید که از خود مواظبت کند مگر آنکه آنرا آزاد بگذارید تا برای مواظبت از خود بکوشد ممکن است اشتباه بکند ولی دانائی وی از میان همین اشتباهات بیرون میآید. ه. ویچر

قدرت

انجا که قدرت پا می گذارد قانون ضعیف خواهد شد. ناپلئون

اعتراف به نقص ضعف نیست بلکه قدرت است. اوژن به اتان

اعتماد بخود کاربرد آنچه قدرت و توانائی در شماست نه دهم مبنای موفقیت شما را تشکیل می دهد. تماس ویلس

اگر من به نقاط ضعف و قدرت خود پی ببرم برای مبارزه آماده شده ام. پارکر

از سر راه مرد مقتدر دور شو. مثل آفریقائی

چشم گریان دیگران را به نگاههای مسرت آمیز تبدیل کردن لذت بخش ترین خوشبختی هاست. بودا

اگر نمی توانی گاز بگیری دندانان را نشان نده. مثل انگلیسی

اگر بناتوان خشمگین شوی دلیل بر این است که قوی نیستی. ولتر

برای یک قلب قوی و جسور همه چیز ممکن است. دیرونک

توجه نسبت به آینده باعث می شود که انسان همیشه به قوت خویش بیفزاید و برای فردای خود بیش از آنچه امروز بکار برده است توانائی حاصل کند. سعید نفیسی

تو فقط پوست گرگ را به پشت من بینداز من خود می دانم چه کنم. مثل افریقائی
زندگی عبارت از تنفس نیست مقتدر شدن به اجرای آمال و نظریات است. روسو
شخص قوی و آبشار هردو راه خود را باز می کنند. مثل انگلیسی
قدرت هر دستی را که بان می خورد مسموم می کند. شیلر
قدرت در حمله نهفته است نه در دفاع .
کسی که قدرت را با پول بخرد عدالت را هم به پول می فروشد. مثل انگلیسی
کاری که گرگ به زور انجام می دهد روباه به حيله انجام می دهد. مثل انگلیسی
مبارزه است که قدرت بوجود میآورد نه استراحت. ستاهل
معنی حیات را در قدرت باید جستجو کرد هر لحظه از زندگی ما باید هرعالیتری داشته
باشد. گودکی

قانون

هرگز احساس ضعف ما نباید ما را از پا در آورد. دوده تارک
وظیفه اصلی و اساسی کلمه قدرت این است که در خوشبختی بشر بکوشد. هانری
دودلنان
هر کسی دیوار پوسیده و فکسنی را هل می دهد. مثل چینی
هیزم شکن قبل از آنکه نیرو و قدرت بخواهد مهارت لازم دارد. هومو
همه کس می تواند بدبختی را تحمل کند اگر می خواهید اخلاق کسی را
امتحان کنید به او قدرت بدهید.
لینکن
مبارزه است که قدرت بوجود می آورد نه استراحت. ستاهل
از سر راه مرد مقتدر دور شو. مثل افریقائی
اعتراف به نقص ضعف نیست بلکه قدرت است. اتان

انجا که قدرت پا می گذارد قانون ضعیف خواهد شد. ناپلئون
شخص قوی و ابشار هر دو راه خود را بازمی کنند. مثل انگلیسی
آنکه به گله وحدت میبخشد کوسفندی نیست که بع بع میکند بلکه سگی است که
گاز میگیرد.
آدمی نمیتواند به طبیعت فرمان بدهد مگر آنکه قوانین لایزال آنرا بپذیرد در صورت این
شناسائی است که طبیعت رام آدمی میگیرد.
آنچنان رفتار کن که رفتار تو بتواند قانون کلی شود . کانت
ارزش یکدولت وابسته بارزش افراد است که آن را تشکیل می دهد. جان میل
اگر بانظر قدری بالاتر از سطح قوانین موضوعه بقضایا نگاه کنیم خیلی بصراط مستقیم
حقیقت نزدیکتر می شویم .
اگر در تمام جهان یکذره بی مقدار که خود جهان دیگری است از قوانین گیتی متابعت
نمی کرد مدتهای مدیدی بود که جهان ما دیگر این جهان نبود . متر لینگ
اگر روزگاری مقام تو پائین آمد ناامید مشو زیرا آفتاب هر روز هنگام غروب پائین می رود
وبامداد روز دیگر بالا می آید. افلاطون
اگر فرمانروا خود راست وصدیق باشد کارها حتی بی راهنمایی او بنام خواهد رسید.
کنفوسیوس
این هم بدبختی بزرگی است که در بعضی از کشورها به قوانین بیش از انسانها
اهمیت می دهند .
باید قوانین مالیات را طوری بر قرار سازند تا طرز وصول مالیات از خودمالیات از خود
مالیات سنگین تر نباشد. مونتسکیوس
بدون وجود یک حکومت خود مختار هرگز ممکن نیست جامعه تکامل پیدا کند. هربرت
اسپنر
بر عیب ضعیف رحم کن تا از دشمن صدمه نبینی . سعدی
برای احترام بقانون سقراط با اینکه بی گناه بود بر جام شوکران بوسه زد.
بزرگترین مشکل امروز برای حکومت ها اینستکه مردم را وادار باطاعت کنند بدون آنکه
مجبور به فرمان دادن باشند . ویلسون

بشر تا زمانیکه از نا امنی می ترسد یا آن را بخاطر دارد حیوان رقابت کننده ای بیش نیست . ویلسون

بشر چون صالح و پاک بود بقانون نیازمند نیست وچوم متخلف وبد کاره شد قانون نمیتواند جلویش را بگیرد. دیزرائیلی

بهترین طرز حکمرانی سلطنت بر قلوب است. ناپلئون

به کسی رای بدهید که کمتر از همه وعده می دهد زیرا کمار از دیگران خود شما را مایوس خواهد کرد. پاروخ

بیگناه باش تا بی بیم باشیم . پسندان

رای اینکه پیش روی قاضی نایستی پشت سر قانون راه برو. مثل انگلیسی

برای تاثیر در قلوب دیگران ۱۲قاعده زیررا عمل کنید .

- ۱-بهترین وسیله غلبه در مشاجره ومباحثه احتراز از ورود در مشاجره ومباحثه است.
- ۲-عقاید طرف خود را محترم شماریدوهرگز باونگوئید که بخطا می رود.
- ۳-اگر خود را خطاکار می دانید صمیمانه وبیدرنگ بخطای خود معترف شوید .
- ۴-به ملایمت سخن آغاز کنید .
- ۵-خصم را بکشانید بجائیکه از ابتدای مکالمه جوابهای مثبت دهد.
- ۶- بگذارید طرف مطلب خود را آزادانه بیان کند.
- ۷-فرصت دهید طرف فکر تلقین کرده شما را از ابتکارات خویش تصور نماید.
- ۸-صمیمانه بکوشید که مسائل را از دریچه نظر طرف بنگرید.
- ۹-دیگران را مشمول عواطف وهمدردی وغمگساری خویش کنید .
- ۱۰-متوسل بعواطف عالیه مخاطب شوید .
- ۱۱-در چشم و خیال طرف تصرف کنید .
- ۱۲-طرف را بر سر غیرت آورید.

دیل کارنگی

جائیکه قانون ختم می شود ظلم وستم آغاز می گردد. پیت

جاده قانون ودستور دراز وجاده سرمشق کوتاه است.سه نک

چگونه می شود بر ملتی که دویست وچهل وشش نوع پنیر دارد حکومت کرد. دوگل

حداکثر قوانین در فاسد ترین وبدترین حکومت ها دیده می شود. تاسیتوس

حکومت کشوری که در آن تکدی بصورت حرفه در اید بدوفاسد است. ولتر

حکومت کشوری که در آن تکدی بصورت حرفه دراید بدوفاسد است. ولتر

حکومت استبدادی را بتها تشکیل می دهند و حکومت دموکراسی را بت پرستان .
برنارد شاو

حکومت مردم بمردم و برای مردم هرگز محکوم بزوال نخواهد بود. لینکن

حکام نخستین رازور وزیر دستی بوجود آورده و حکام بعدی را قوانین بر مردم مسلط
ساخته است. ولتر

همیشه دم ار صلح بزن ولی آماده جنگ باش . ناپلئون

هیچ قانون ومذهب و مرامی بد نیست بسته باینکه بدست چه کسانی بیفتد . تن

هرکس هر چند ناتوان باشد باز می تواند لا اقل بر شخص خودش حکومت کند . مثل
یونانی

هرکس سوار پلنگ شد مشکل می تواند ار پشتش پیاده شود. مثل چینی

هنگامیکه فساد باوج می رسد قدرت به خود منائی می پردازد . مثل چینی

محبت بزرگتر از قانون است . دیل کارنگی

نخستین وظیفه یک حاکم اجرای عدالت است . ناپلئون

نظم اولین قانون طبیعت است. دیل کارنگی

قانون غالبا دندان خود را نشان می دهد ولی گاز نمی گیرد. مثل انگلیسی

قراردادی که با خون امضاشود فقط با خون لغو می شود . مثل لاتین

کسیکه در حضورت از تو می ترسد در غیاب از تو متنفر است. مثل ایتالیائی

نظم اولین قانون طبیعت است. دیل کارنگی

محبت بزرگتر از قانون است. مثل چینی

قراردی که با خون امضا فقط باخون لغو می شود. مثل لاتین

برای احترام بقانون سقراط با اینکه بی گناه بود بر جام شوکران بوسه زد.

فقر - تنگدستی

احتیاج همه چیز را تغییر می دهد. مثل بلغار
بدترین حالت برای انسان موقعی است که تنگدست و زیردست باشد. روسو
تنگدستی نه تنها برای اندیشه بلکه هنر نیز آموزگار خوبی است. رومن رولاند
خواب گنج مرد فقیر است. مثل لا توپا
تهی دستان که نیاز و حسد را بدل راه نداده اند پرچمداران غرور و سربلندی تبار
انسانند. آرمنهایم
عادل باش گرچه گدا باشی. مثل فرانسوی
فرق دزد و پولدار آنست که دزد مال اغنیا را میدزدد و مالدار پول فقرا را. برناردشاد
قرض خوره عمر است. مثل ایتالیائی
فقیر برای سیرکردن شکمش در عذاب است و غنی برای معالجه ناراحتی. فرانکلین
فقر و مسکنت مردان را به جنایت و زنان را بفحشا سوق می دهد. هوگو
فقیر آن نیست که کم دارد بلکه آن است که بیشتر می طلبد. سنکا
فقر بدترین نگهبان عفت است. مثل ایتالیائی
فقر راه فضیلت و تقوی را مسدود می سازد. مثل لاتین
مادر هر عیبی فقر و پریشانی است. روسو
گدا هر قدر گردنش را کج تر نگاه دارد بیشتر دروغ می گوید. مثل اسکاتلندی
قرض فقری است توأم با مصیبت. مثل ایتالیائی
کم روئی برای نیازمندان سودمند نیست. افلاطون
فقر هر فضیلتی را از بین می برد. مثل عبدی
یک قطعه نان چیز مهمی نیست اما برای ولگردی که از گرسنگی می میرد. ژرژسیون
هرچه ما را محدود می کند آن را بخت و اقبال می خوانیم. امرسون

وقتیکه خود را برای بدترین وضع آماده کنیم نگرانی در ما اثر ندارد. کارنگی

کم روئی برای نیازمندان سودمند نیست . افلاطون

قرص فقری است توام با مصیبت. مثل ایتالیائی

فقر راه فضیلت و تقوی را مسدود می سازد . مثل لاتین

قرض خوره عمر است. مثل ایتالیائی

فقر بدترین نگهبان عفت است. مثل ایتالیائی

عادل باش گرچه گدا باشی. مثل فرانسوی

فروتنی

برای بقای دوستی باید فضیلت و ارزش یکدیگر را بشناسند و به همدیگر بیدیده احترام بنگرند. ارسطو

برخی از خطاهاست که اگر درست بکار گرفته شود از فضیلت هم بیشتر می درخشد. لارشفوگو

بنظر من فضیلت یعنی محبت داشتن به آدمیان. کنفوسیون

پساری از مردم فضیلت را در پشیمان شدن از خطا می دانند بجای احتراز کردن از آنها. لینجستنبرک

بهترین میراثی که پدران برای فرزندان خود می گذارند آثار خوب است. سیسرون

بهترین آثار وجاهت آن چیز است که نمی شود شرح داد .

بیشتر از هنرم به فضیلت مدیونم که نگذاشت با خودکشی بزنگی خود خاتمه دهم . بنهون

تمام طلاهای روی زمین و زیر زمین به قدر یک فضیلت ارزش ندارد . افلاطون

جائیکه کوشش و مجاهده وجود ندارد ، فضیلت و تقوی ممدوم است. برناردن

جائی بروکه ترا بخوانند، نه جائیکه از درت برانند.

حاصل من از فضل فقط این شد که بر جهل خود دانا شدم. بقراط
حجب وحیا تنها آرایش است بلکه نگهبان فضیلت است. ادیسن
حدودی وجود دارد که وقتی فضیلت از آن بگذرد شایستگی به نا شایستگی ولذت
بزحمت مبدل شود. ژرژسیون
حقیر شمردن مرگ یکی از عمده ترین فضایل اخلاقی است. مونتین
خوشبخت ترین افراد کسی است که فضیلت دیگران را قدر بدانند و از خوشبختی
دیگران نیز احساس مسرت کند .
گوته
درانسان نعمتی از این بهتر نیست که به مقدرات خود سر تسلیم فرود آورد ، و مزه
عظمت آنرا بچشد. یوسکی
فضائل ما اغلب همان رذائل ما هستند منتهی در لباس مبدل . فوگو
فضیلت پرهیز از رذیلت نیست بلکه بی میلی نسبت بانست. شاو
فضیلت را با کردار نه با گفتار پرورش نی توان داد . لو مینوس
فضیلت چون با آداب ناپسند توأم شود مایه درد سدر است. لتون
فضیلت نمی تواند بنهائی بسر برد خواه ناخواه همسایگانی پیدا خواهد کرد. مثل
چینی
فضیلتی که خریده شده باشد همواره گرانست . مثل چینی
کسانیکه دارای یک فضیلت هستند همدیگر را دوست دارند. مثل چینی
گناه از سه راه میسر است خود گناه کردن اجازه گناه دادن گناه دیگر را پسندیدن .
هندو
همانطور باش که تلاش نی کنی دیگران بشوند و خودت موعظت باشد نه سخنانت .
آی ال
مرد به سیرت مرد آید نه بصورت. عطار
جائی برو که ترا بخوانند نه جائیکه از درت برانند.

هوس

از فرمان نفس حذر کن. خواجه عبدالله انصاری

اگر میخواهید غنی شوید از هوای نفس کاهید. ولتر

آدم چیزی را که دارد نمیخواهد، چشم و دلش دنبال چیزهایی که ندارد میرود در صورتیکه هزارها مردم به داشته های او حسرت می برند.

خود را ، بهوس نزدیک مکن که خرد از تو روی برمیتابد. بزرگمهر

آنکس که میخواهد به چاکی و طهارت باطن نائل آید باید خوشبختی را در فکر و کلام و عمل کاملا از قید هوی و هوس رهائی بخشد. گاندی

اگر روزگار یک موجب ملال فراهم میکند ما خود بدست خیال ده موجب دیگر میسازیم. حجازی

از تصور محسوسات توجه میزاید و از توجه خواستن و از خواستن شعه های هوی از هوس عنان گسیختگی ، حافظه عهد و وفار افراموش میکند و مقصد و الارا فرومگذارد و روح را ناتوان میسازد تا آنکه روح مرد و مقصد و الا همه از دست میرود.

کسی که در هوسرانی بکوشد از شخصیتش کاسته شود.

انسان نباید هرگز به پیروزی موقتی که بنفس یافته است فریفته شود زیرا نفس آدمی گاهی سالها خاموش و بدون جنبش میماند و ناگهان به اقتضای موقع و یا در نتیجه وسوسه ای بازهیجان میآید. ناپلئون

هوسها را بازیچه قرار دهیم نه آنکه خود را بازیچه هوسها باشیم. حجازی

اگر بتوانیم بر هوسهای خود تسلط پیدا کنیم تمام مشکلات برای ما آسان میشود، ولی تسلط بر هوس یک عمر زحمت دارد ما چون کسی هستیم که عنان اسب سرکش را بدست داشته باشد، آیا میتواند دقیقه ای از مواظبت آن غفلت کند. هوس بر وی خیالات واهی و خوشبختی بر وی واقعیت بنا شده است. شالمفور

معذک هر کس بخواد میتواند زمام هوسهای خویش ار بدست گرفته و بدینوسیله کلید خوشبختی را در اختیار خود داشته باشد. لرد آویبوری

هوس مال پرستی ، بزرگترین سرچشمه غم و رنج است. تزان کنگ

بکوشید که بنده هوس خود نباشید، و گرنه خوبی و بدی شما در قالب هوستان خواهد ریخت جز آن دم که هوستان خرسند است خوب نخواهید بود و هنگام ناخرسندی هوس جز بد نخواهید کرد.

هیچ چیز از دست نرفته است و همه چیز در دسترس ماست. تو جسور باش و مایوس مشو، مالک همه چیز خواهی شد. محمد مسعود

تغییرپذیری نشانه ناتوانی است کمتر اتفاق میافتد که یک شخص در دو روز یکسان چیزی را بخواهد و در صدد دست یافتن بآن باشد. شارون

مصائب حقیقی حیات آنقدرها زیاد نیست ، عذاب و بدبختی دائمی ما نتیجه اضطراب و وسواس و هوسبازی است. لردآویبوری

تنها تفاوتی که بین هوس و یک عشق جاویدان یافت میشود این است که هوس از یک عشق جاویدان با دوام تر است.

دیوژن به اسکندر جهانگیر گفته بود: تو بنده بنده من هستی، یعنی من برهوسهای خود تسلط یافته ام و تو اسیر آن هستی. لردآویبوری

هوسهای نفسانی غالباً ضد خود را تولید میکنند، مثلاً حرص گاهی تولید اسراف و اسراف تولید خست میکند ما غالباً از فرط ضعف قوی مینمائیم و از فرط جین شجاع میگرددیم. لارشفوگو

فروتنی

آنکه پرنده نیست نباید بر پرتگاهها آشیان سازد. نیچه

آنانکه ترک دنیا می کنند بهترین راه استفاده از دنیا را یافته اند. حجازی

آسانترین راه برای از بین بردن افتخارات خود سنائی است. مثل ایرانی

از خود خواهی خود را دچار بلا نکن.

اگر انسان یکروز از خود خواهی بگذرد همه او را اینک خواهند گفت. کنفوسیوس

اگر متواضع باشید کمتر مورد حسد واقع می شوید. مقفع

انسان مانند رود خانه ای است هرچه عمیق تر باشد آرامتر است. منتکیو

بردباری بهترین وسیله رفع هر نوع ناراحتی است. پلوتوس

اگر متکبر نباشیم از کبر دیگران شکایت نخواهیم کرد. فوگو

بدترین خلق کسی است که مردم از او بترسند.

اگر می دانید خطاکار هستید بیدرنگ واز صمیم قلب بخطای خود اعتراف نمائید.
کارنگی

بشر موجودی است که باید بر خود غلبه کند . نیچه

بکوش تا آنچه را که علا جی ندارد با مدارا تحمل کنی.سقراط

با پیران همچنان سلوک کن که با پدرت سلوک می کنی. مثل ژاپنی

بجای خودت بنشین کسی بلندت نخواهد کرد .مثل امریکائی

تابه پل نرسیده ای از آن عبور مکن و برای شیرریخته شیون راه نینداز.کارنگی

تحمل وبردباری بالا ترین جرئت و جسارت است. پاستور

تکبر در همه مردم بطور یکسان وجود دارد تفاوتی که هست در طرز بروز آتست. فوگو

تکبر ،تشخص ،خود پرستی، عشق بخود ناشی از بی معرفتی است.

تنها راه سعادت همانا سادگی و شبیه شدن بمردم ساده است ومابقی همه فریب
ودردسر است. جمالزاده

تکبر وخست هزاران صفت خوب را می پوشاند. کنفوسیوس

توشخص بزرگی هستی ،مقتدری کاری بکن که من قدر تو را بدانم ومحترمت
بشمارم. لابرویو

تواضع بیجا آخرین حد تکبر است. لابرویو

تواضع باهمه کس بکار دار وهیچ متواضع را حقیر مشمار . ناصری

خود ستائی جان من برهان نادانی بود. مثل ایرانی

دانائی عمده انسان در این نهفته است که به حماقت خود پی ببرد. فوگو

دانی که اثر حکمت در مرد حکیم کی ظاهرشود آنوقت که خویشتن را ناچیز وحقیر
می شمارد. سقراط

سعی کن برضد جریان باد اب دهان بیندازی . نیچه

سعادت مند کسی است که هرچه مسن تر شود مشفق ترگردد. گوته

سلوک ورفتنار آئینه ای که درآن ادمی تصویرخویشتن رانشان می دهد. گوته

سنگین ترین خوشه انست که بیشتر سرش بطرف زمین خم شده است. مثل
ایرلندی

سوار اسب که شدی پیاده ها را از یاد میر .

صرف نظرکردن از حاجت بهتر از خواهش از نا اهلان است.

عظمت مردان بزرگ از طرز رفتارشان با مردمان کوچک آشکار می شود. کارنگی

فقط با اطاعت از طبیعت می توان به آن چیره گردید.

کسیکه هیچ چیز را تحمل نمی کند خود او تیز تحمل ناپذیر است . ژانه

گناهی بزرگتر از جاه طلبی نیست. لا ئوتسه

مرد بزرگ بخود سخت می گیرد ، مرد کوچک بدیگران . کنفو سیوس

هر انسان جاه طلی اسیری است وهر آزمند گدائی.

هرگز نشین در جای مردیکه می تواند به تو بگوید برخیز .

هرکه بیشتر خودرا می خواهد بیشتر رنج می برد. کینگ

گناهی بزرگتر از جاه طلبی نیست. لائوتسه

فقط با اطاعت از طبیعت می توان به آن چیره گردید.

هرگز از خودتان نگوئید وتعریف نکنید ، بگذارید اگر صفاتی دارید از دهان دیگران شنیده
شود . کینگ

هنر - هنرمند

آنجا که طبیعت توقف میکند ، هنر آغاز میشود. ویل دورانت

آنچه هنگام مردن برانده میافزاید بیهنری فرزند و کارهای بیهوده و ناپسند اوست و هر
آنچه از غم میکاهد، هنرمندی و اندوخته داشتن کردار نیک و پسندیده اش میباشد.

آنچه که در یک شب نمایش میآموزیم از عهده یک کتاب بزرگ بیرون است. ولتر

اختلاف رأی درباره خوبی و یا بدی یک اثر هنری نشان میدهد که آن اثر پر معنی و
جاندار است. اسکار وایلد

از هر چیز که در زندگانی ما را غمناک میسازد و نقاشی برای ما خوشایند است. میکل آنژ

ارزش هنرمند را باید هنر شانس معین کند نه مردم توی کوچه ؛ بتعریف این و آن غره نشوید و خود را هنرمند شناسید بگذارید مقام و شخصیت شما بی آنکه بدیگران تحمیل گردد، شناخته شود. رولا

اگر هنر داری بیاور و گرنه هنر نمائی مکن که رسوائی ببار خواهد آورد. گوته

اگر مردم میدانستند برای احراز مقام استادی چه رنجها برده ام و چه روزها و چه شبها جان کنده ام هرگز از دیدن شگفتیهای هنریم متعجب نمیشدند. میکل آنژ

بالاترین مزد هنرمند لذتی است که از توفیق خود میبرد. اگوست ردن

انسان وقتی هنرمند شد قلب او بقدر کافی وحشیت ، چه شرری دارد اگر لباس خوب بپوشد و خود را بصورت شخص عاقل در بیاورد. توماس مان

باید هنر را از بند قوانین آزاد کرد و بصورت زیبا و طبیعی خودش جلوه گرساخت. بیزه

اینکه انسان بتواند چیزهایی را که سبب آزار دیگران است در خود از بین ببرد هنر است. کوکرل

بدترین پاداش یک استاد اینستکه شاگردانش تا ابد در حال شاگردی وی باقی مانند. نیچه

بدبختانه هموعان ما طوری ساخته شده اندکه افرادی که در راههای صاف و کوبیده شده راه میروند، پیوسته برکسانیکه میکوشند راه جدیدی بازکنند سنگ میاندازند. ولتر

در کسب دانش و هنر همچشمی و رقابت نورزید ، بزرگ و باارزش نمیشوید.

برای اینکه واقعیات زندگی آدمی مانند آرزوها، امیدها، عشق ها یکنوع تجسم واقعی و بادوام یابد، کسانی لازمند که حساستر روشن بین تر، وارسته تر از دیگران باشند تا بتوانند با جوهر وجود خویش حیات دیگران را حل نموده هنرمندانه از آن نقشی بلیغ بسازند. پورند

بهمان شدتی که بقال بکاسبی ذوق دارد، هنرمند از معامله بیزار است. بالزاک

بلندی پایه صنایع یک ملت را نباید از روی صنعتکاران او اندازه گرفت بلکه از روی شناسندگان و حمایت کنندگان آن صنعتکاران. لازاروی

تشخیص داده عیوب خیلی بهتر از دیدن هنرهاست. دیل کارنگی

تجربه نشان داده است افرادی که دارای نبوغ هنری فوق العاده بوده اند در ریاضیات استعداد نداشته اند هیچکس نمیتواند در هر دو رشته ممتاز گردد. شوپنهاور

تکامل باید هدف اولیه همه هنرمندان حقیقی باشد. بتهوون

تنها وظیفه هنرپیشه این است که روی صحنه بازی کند، بلکه باید بازندگی طبیعی وسیله انتقال افکار نویسنده به تماشاگر بشود چه خوشبختند هنر پیشگانی که بجای ایفاء نقش بازی کردن وظیفه فهماندن بمردن را انجام میدهند. لوئی ژوده

تنها هنرها برادر یکدیگرند، هر یک از هنرها برهنرهای دیگر روشنائی میافکند. ولتر

چه مردمان مستعدی که از نداشتن مربی و مشفق روح شناس عمر خود را تلف کرده و هنرهای خود را بگور برده اند. کاظم زاده ایرانشهر

تنها کسیکه هنردارد و کاری از او ساخته است میتواند بفردای خویش اطمینان کند. سعید نفیسی

دانشمندان ، علما، بزرگان ، هر کدام نردبانی برای ترقی دارند، لیکن شاعران و هنرمندان این مدارج را پرواز کنان میپیمایند . هوگو

خدایا هنر چقدر بلند و عمر چه اندازه کوتاه است. گوته

دانش و هنر از هر اقلیمی برخیزد و متعلق به هر قومی که باشد از آن همه جهانیان است. پوشکین

در ترویج دانش و هنر، اهتمام نمائید تا صاحبان استعداد از طبقات مردم ضایع نشوند.

در هنر اگر الهامات در قید قوانین باشند آثاریکه زاده آن الهامات هستند ارزش هنری نخواهند داشت. کلورووبوسی

در هنرهم مانند زندگی فقط آزادی و ترقی است. بتهوون

در این دنیای پست و درمانده که کوچکترین شورو اشتیاق مواجه با حرمان میشود یگانه روزه گریز هنر است و بس. برنواتر

سادگی ، صداقتو عدم تصنع در هر اثر هنری بزرگترین اصول زیبایی است. بلوک

در اعمال بزرگ ، افراد خود را آنچنان که باید باشند نشان میدهند و دراعمال کوچک آنچنان که هستند. شانفور

سنت در هنر بمنزله کتاب الفباست، اما جز این ارزشی ندارد. بالزاک

در هنر بتعویق انداختن ، تنبلی ، هوسها، اختناق ، بدخوئی ، نفهمیدن ، نقص و تکرار اشتباه ، تمام اینها زیانبخش است و باید از بین برود، برای نیل بمقام منافع هنرپیشگی باید مانند کودکان که بازی خوداینام دارند بهنر خویش مؤمن باشید تا بواقعیت هنری برده، هنرمندی بزرگ گردید. استانیلوسکی

زیبائی دنیا بسته به هنرهای زیبا است، هنرمایه غرور وسیله تسلیت و تشقی خاطر است. آناتول فرانس

شاعری بزرگ در کشوری غریب که زبان مردم را نداند بچه سرنوشت مبتلاست در نسل جدید، هنرمندان گروهی از شاعرانند که نخواسته اند سخن گفتن بیاموزند از این رو چیزی بیان نمیکنند. اکوست رودن مجسمه سازونقاش فرانسوی

فرصت معبود و هنر معشوق فرصت است. مثل ایتالیائی

شاد ماندن بهنگامیکه انسان درگیرودار کارملال آورد بیش از اندازه پرمسئولیتی است، هنر کوچکی نیست. نیچه

فقط عقیده مرد هنرمند قابل توجه است ، حتی در مورد روش و اخلاق . اسکاروایلد

شنیدن خرده گریهای نامطبوع اگر بعد از تمجید مزایا و هنرهای ما باشد چنان برما گران نمیآید، همانطور که سلمانی قبل از آنکه تیغ را بکاربندازد، صورت را صابون کاری میکند. دیل کارنگی

غالب اشخاص هنر را حس میکنند بعضی ها میفهمند ولی عده ای بسیار کم هم حس میکنند و هم میفهمند. هولارد

طبیعت هنگامی زیباست که در ماهمان تأثیر هنر را نداشته باشد باین طریق زیبائی چه در طبیعت و چه در هنر ممکن است بوسیله هم آهنگی و شورانگیزی و مخصوصاً اتحاد درونی آن دو با هم توصیف گردد. کانت

هنر کلید فهم زندگی است . اسکاروایلد

کسب هنر برهمه کس از غنی و فقیر لازم است چه بسیار فقیران نیازمند که از راه هنرمندی بمقام ثروت ویی نیازی رسیده اند و چه فرزندان اغنیاء که به ثروت مغرور و از صناعات و آداب محروم گشته و بروزگار مذلت و درویشی افتاده و مورد زحمت دوستان و محل شماتت دشمنان شده اند. اخلاق ناصری

هدف هر اثر هنری نشان داده چند شوره اصلی و هدایت کننده است.

کسیکه با دستش کار میکند کارگر است، کسیکه با دست و عقلش کار میکند پیشه ور است ، کسیکه با دست و عقل و احساسش کار میکند هنرمند است.

هر کجا که زندگی تظاهر کند هر چند تلخ باشد، حقیقت هنر در همانجاست.
داستایوسکی

کسیکه تصمیم گرفته در نقاشی ویا هنری دیگر بر همگان برتری جوید باید تمام قوای
دماغی خود را از هنگام برخاستن تا هنگام بخواب رفتن روی همان یک موضوع متمرکز
سازد. ایندلوز

مایه کار و سرمایه افتخار هنرمند، اندیشه اوست. دکتر پرویز خانلری

کسیکه هنگام ظاهر شدن در صحنه ما را وادار کند که فراموش کنیم او «هنرپیشه»
است بهترین هنرمند است.
شارل ویلدراک

هر کس مرتکب اشتباهی نشده، اکتشافی هم نکرده است. گالیه

ما نسل بدبختی هستیم، به همین جهت از بیچارگی ناچاریم به کمک دروغهایی هنر
خود را از واقعیتهای زندگی دور نگه داریم. ژرژساند

هنر تلخیهای زندگی را افزون میسازد با وجود این تلخیها زندگی را شیرین میکند.
شوپن

مردم همیشه از نقاشان میخواهند که شیوه تازه ای در آثار خود بکار ببرند، با این وجود
پرده های کهنه نقاشان قدیمی به قیمت بیشتری خریداری میکنند. موریس اوسریلو
نقاش فرانسوی

هنر یکرشته مطالعه و تحقیق بی پایان است. شومان

مرد آزاده پرودن هنرهای عالی را اساس مصاحبت با دوستان خود قرار میدهد و
بوسیله مصاحبت با دوستان خود، فضایل اخلاق را در نفس خویش بکمال میرساند.
کنفوسیوس

مسکنت درکوی هنرمندان حقیقی وجود دارد که هیچکدام بدنیا روی خوش نشان
نمیدهند. بتهوون

من میتوانم ادعا کنم که در هنر، نحمّل بار مقدرات، اعم از شادی و تعب، آنقدر مسلط
شده ام که مصائب در نهاد من، وجد و نشاطی ایجاد میکند که قرین سعادت
است. کلر

هنرو دانش برگزیده ترین و بزرگوارترین مردم را بهم مربوط میسازد. بتهوون

نمیدانم چه سری بین هنرمندان حقیقی وجود دارد که هیچکدام بدنیا روی خوش نشان
نمیدهند. بتهوون

هنر در طبیعت نهفته است و متعلق به کسیست که آنرا از طبیعت استخراج کند. دورر

وقتی از میکال آنژ سؤال شد؛ چرا تا بحال ازدواج نکرده ای ؟ بدون تأمل جواب داد؛ من باهنر خود ازدواج کرده ام و آثاری که از خود بجای میگذارم در حکم فرزندان من هستند. ...

وقتی احساسات ما بوسیله هنرهای زیبا تحریک میشود این تحریک حس ما را در مقابل چیزهای لغو منحوس زندگانی نیروی مقاومت میدهد. بل والری

هنر من باید برای سعادت بیچارگان اختصاص یابد. بتهوون

هشتصد میلیون تخته سنگ عظیم رافراعنه بر روی اسیران خودبفاصله هزار کیلومتر عبور دادند تا اهرام مصر شاهکار همیشه جاویدان خودرا بسازند. تاریخ مصر

هنر دشمنی دارد ، به نام جهالت . بن جانسن

هنرپیشه باید هنر خودرا آشکار و خود را پنهان کند این است هدف هنر. اسکاروایلد

هنرازا احتیاج زاده میشود واز ثروت میمیرد.

هنر زائیده دوستی این سه چیز است، استعداد، استاد خوب و پشتکار. تن

هنرپیشه آفریننده زیبایی است . اسکاروایلد

هنرور باید برای عده ای بیشمار مفید باشد نه برای عده ای معدود. تالمن

هنر زیور بشر است و بشر زیور کیهان. ناصرخسرو

هنرمند، هنرش از بخاطر لذت جامعه دوست دارد، نه به خاطر سود و نفعی که از آن میمیرد.

هنرمند عاشق طبیعت است و بهمین جهت هم برده و هم ارباب آن است. تاگور

هنر محصول تحریک احساساتو هدف آن نیز انتقال احوال نفسانی و عواطف انسانی است. تولستوی

هنر قدرت و توانائی نیست ، بلکه تسلی خاطر است. توماس مان

هنر خوب است اگر احساسات خوب را ترویج کند احساسات هنگامی خوبند که شعور ممیز نیک و بدبخوبی آنها حکم دهد و این شعور در میان مردم یک عصر مشترک است، هنر جهانی یک محک درونی دارد پا برجا و بیخطا؛ یعنی همان وجدان پاک. تولستوی

هنرمند متعلق به آثارش میباشد و آثارش متعلق بدیگران. هارون برگسن

هنرمند با شناختن آنچه کرده اند میفهمد که چه باید کرد؟ یعنی مالک فرهنگ و دستور کار پیشینیان خود میگردد.
گابریل سدالی

هنر دعوتیست بسوی سعادت .شپیلستر

هنر نوعی رستگاریست ، ما را از خواستن یعنی درد و رنج آزادی میبخشد تصاویر زندگانی را دلربائی میدهد. شوپنهاور

هرکس هنریازی کردن با احساسات مردم را بداند آقای مردم میشود. مثل اسکاندیناوی

هیچ گنجی به از هنر نیست و هیچ هنری بزرگوارتر از دانش نیست و هیچ پیرایه ای بهتر از شرم نیست و هیچ دشمنی بدتر از خوی بد نیست.سقراط

یک هنردوست ممکن است هنرمندنشود، ولی یک هنرمند محققاً باید هنر دوست باشد. دیزرائیلی

یکروز بدون درک زیباییهای هنر زیستن مانند چندین روز باغم بسربردن است. برلیور

یک عکس ارزش ده هزارکلمه را دارد. مثل چینی

فداکاری

آن کس که از اول می داند به کجا می رود خیلی دور نخواهد رفت. ناپلئون

اسارت و بندگی مردم بخود ایشان و به انداره تحمل رنج و قبول فداکاری ایشان بستگی دارد. گاندی

اقتدار عالی و بی تمجید انسان فقط در فداکاری است فداکاری شرط اساسی هر بزرگی است. وه ید

آن کس که از اول می داند به کجا می رود خیلی دور نخواهد رفت. ناپلئون

برای فداکاری وسایل و اسباب لزومی ندارد هیچ جمعیت از خود گذشته را نمی توان مضمحل نمود .
ناپلئون

تو می کوشی که آسوده تر باشی ، من می کوشم که دیگران آسوده تر از من باشند.
سعید نفیسی

هر کجا می روی با تمام قلب برو .

هرچه به فداکاری و مهرورزی خو بگیریم کاملتر و خوشبخت تر خواهیم شد چراکه هیچ
حالی به اندازه جوانمردی و مهربانی بسلا متی ما کمک نمی کند. کاپنرل

فداکاری بدون امیدواری منتهی درجه فضیلت انسانی است. لوفری

سربازی یعنی فداکاری و بس معنی دیگری ندارد.

دست یاری دادن بیش از دویدن ما را گرم می کند. هود

خود را قربانی کنیم بهتر است که دیگران را. گاندی

حسن مهاشرت مرکب از فداکاری ها و گذشت های کوچک است. امرسون

هدف

به طرف یک هدف هدفگیری کن. مثل شرقی

اگر بدانیم کجا هستیم، کجا می رویم و به چه وسیله می رویم یکی از مشکلات خود
و اجتماع برطرف می شود.
لیکلن

تنها گنجی که جستجو کردن آن به زحمتش می ارزد هدف است. خلوئی استونس

انسانی که معنی و هدف زندگی را بداند خود را نه تنها با افراد ملت خویش برابر خواهد
دانست بلکه با تمام انبای اقوام دیگر نیز مساوی خواهد شمرد. تولستوی

زندگی بدون هدف چرخ زندگی را بدست قضاو قدر سپردن است. سه نک

جاه طلبی مهمیزی است که آدمی را به کشمکش با سرنوشت برمی انگیزد
و محرکی است که هدف را بزرگ و پیشرفت را بزرگتر میسازد. میچل

مبارزه با مشکلات مارا به هدف نزدیک میسازد و نمی گذارد که افراد سرسری
وسطحی باشند. ارنست همینگوی

مبارزه برای بدست آوردن پیروزی بمراتب زیاتر از خود پیروزی است. طی مسافت
لذتبخش تر از رسیدن به هدف است وقتی پیروز میشوی یا هدف میرسی تازه میفهمی
که داری در گودالی پر از خالی دست و پا میزنی.

هدف خود را باید روی واقعیات بنا سازیم. امرسون

معنی حیات را در زیبایی و در قدرت باید جستجو کرده هر لحظه از زندگی ما باید هدف
عالیتری داشته باشد. ماکسیم گوکی

وجدان

آنکه از عقل و وجدان خود اطاعت میکند کمتر باطاعت دیگران مجبور خواهد شد.
محمد حجازی

اساس تمدن بروی علم و وجدان گذاشته شده بدون علم حیات مادی دشوار بلکه
محال میشود و همچنین بدون وجدان زندگی قابل تحمل نیست بنابراین علم از
ضروریات حیات جسمانی و وجدان از ضروریات حیات روحانی است.

اولین تکلیف آدمی حمایت از ضغفاو جریحه دار نکردن یک وجدان بشری است. گاندی

ای وجدان بدکارهای ما همه از چشم پوشی و گذشتههای بی جای تست. محمد
حجازی

ای وجدان تو باعث عظمت وجود انسان و اخلاقی بودن کارهای او هستی و بدون تو
من چیزی در وجود خود احساس نمیکنیم که مرا در جهانی برتر از حیوانات قرار دهد.
ژان ژاک روسو

اگر وجدان پاک داری پس چرا غصه میخوری؟ توکه چیزی کسر نداری. مثل هلندی

بدون آزادی وجدان هیچ آزادی نمیتواند وجود داشته باشد همه آزادیهای دیگر از روی
تکامل طبیعی از وجدان زائیده میشود. کریستان بدتن

بنیاد حیات ما بر پایه های وجدان و عقل است نه بر غریزه و هوس. مونتین

باید درکارها وجدان خود را راهنما قرار داد و همانرا که وجدان بمانشان میدهد پیش
گرفت. امرسون

جهنم واقعی وجدان مخرب است. مثل آلمانی

برای تحصیل سعادت روی کرده خاکی فقط یک راه وجود دارد و آن این است که
وجدانی پاک و روشن داشته باشیم و یا اصلاً وجدان نداشته باشیم. آگون ناش

چه بخواهیم و چه نخواهیم وجدان بر ما غلبه دارد یا برضد ما، یا به نفع ما. لامارتین

حسن وجدان آن قوه قضاوت اخلاقی است که خود خویشتن را محاکمه میکند. کانت
حس وجدان بزرگترین فیلسوف است. ژان ژاک روسو
حس وجدان سرچشمه مکارم اخلاق و پرده دار حریم عنایت است. کاظم زاده ایرانشهر
حقیقت ، حرّت ، آزادی عبارتست از مسئولیت شخصی در پیشگاه وجوان و قلب
برناردن روسن پیر
حقیقت این است ه پیش از آنکه آدمی مالک وجدان باشد وجدان مالک آدمی است.
دورند
دانش دون وجدان جز ویرانی نیست. رابله
دانای بی وجدان هیچگاه صاحب روحی پاک نخواهد بود. رابله
درزندان بسربردن با یک وجدان پاک و فکر راحت بهتر از بسربردن رد باشکوهترین بناها
درتشویش و دغدغه است.
ابوالعلا
در سینه ما خدائی است که وجدان نام دارد. مناندر
در یک کشور اداره کردن هیچیک از طبقات مردم مشکل تر از اداره کردن اشخاص که
دارای حصن نیت هستند ولی پیوسته وجدان خود را گول میزنند نیست. ناپلئون
درعالم دوجیز است که از همه زیباتر آسمانی پرستاره وجدانی آسوده. کانت
در این ظلمات هول انگیز دنیا وجدان برای ما نه فقط راهنمای خوببست بلکه شاهدهی
است عادل و باوفا که اعمال ما را می بیند و مطابق آن گواهی میدهد. لرداویپوری
در سینه خود شراره آسمانی دارم که نامش وجدان است. شکسپیر
رضایت وجدان فقط بعد از انجام وظیفه حاصل میشود و بدون هدایت و راهنمایی
وجدان افکار بزرگ و عالی تنها بمتابه نوری هستند که موجب گمراهی انسان
میگردند. اسمایلز
درمسائل اعتقاد و دیانت باید هر شخص عاقل و بالغ حکم وجدانخود را پیروزی
نماید. مانینگ
صداقت و ایمان بحقیقت را منظور و مقصد اساسی زندگی خود قرار دادن و تکالیف را
از روی وجدان بجا آوردن طبیعت مرد را بلندتر و کاملتر میسازد یکی را دوست داشتن
حیات او را آرزو کردن و دیگری رادشمن و مرگ او را خواستن بناچار طبیعت آدمی را
تاریک میسازد. کنفوسیوس

رضایت وجدان بالاترین مرتبه هاست. ژول سیمون

سرزنش وجدان مجازات گناهان ماست و پشیمانی جریمه ای است که برای آن می‌دهیم. لرد ادیپوری

عهده ای معتقدند که چون فکر مکنند بنابراین صاب وجدان و فکر منطقی هستند. مادام استاهل

قبل از ارتکاب جنایت و انجام اعمال نامشروع ، ندائی در اعماق تاریکی هستی فریاد میزند که این کار موافق اخلاق نیست و آن نداندای وجدان است.

کسی که وجدانش ناراحت و روحش آزادی نباشد، هیچوقت روی آسایش نمی بیند چنانچه روشفوکولد گوید: کسی که در باطن خود آسایش ندارد و بی‌هوده آن را در خارج جستجو میکند. لرد آویپوری

عذاب وجدان بدتر از مرگ در بیابان سوزان است. هوگو

کسی که در هر امری از وجدان خود تبعیت میکند خسته نشده و از زندگی ملول و از روزگار متألم نمیشود. بیگن

فرمانروائی من پایان میگیرد از جائیکه سلطنت وجدان آغاز میگردد. ناپلئون

قائدی که بر مجموعه قوای شما حکومت تواند کرد. وجدان اخلاقی شما خواهد بود. پوشه والتزی

کسیکه وجدانش پاک باشد زود خوابش میبرد . مثل امریکائی

کسانیکه وجدان های آسوده دارند، سیای ایشان دریای آرامی است که حتی موجب پیری نمیتواند آنرا بحرکت درآورد. سعید نفیسی

کسیکه وجدانش پاک باشد همیشه شادمان است. مثل چینی

کسیکه وجدانش را برای کسب شهرت فدا میکند ، تابلوی نقاشی را برای تحصیل خاکستر سوزانیده است. مثل چینی

کسیکه شرم ندارد وجدان هم ندارد . مثل امریکائی

ممکن است گناهی بکنیم و جامعه از سر تقصیر ما بگذرد، اما سلسله اعصاب ما دست از سرمان برنمیدارند. جمس ماریون

مذهب هر فردی را باید به ایمان و وجدان او واگذار کرد. جمس ماریون

من عدالت مطلق را توجه به وجدان میدانم صدای وجدان که در تنهائی بگوش آدمی میرسد، وظیفه دائمی ما را با سایرین تعیین میکند و طرز رفتار ما را درباره اشخاص و اشیاء وامکنه در هر حال به ما میآموزد. مترلینگ

مردم با اخلاق معمولاً دارای وجدانی پا کند. اسمایلز

من مایلم امور دولت را بنخوی اداره کنم که در پایان فرمانروائی دولتم، اگر همه دوستان خودار در آن زمان از دست بدهم اقلاً یکی از دوستانم باقی بماند و آن وجدان و قلب من است. ابراهام لینکلن

ممکن است گناهی بکنیم و جامعه از سرتقصیر ما بگذرد، اما سلسله اعصاب ما دست از سرمان برنمیدارند. جمس ماریون

وجدان نیکوترین لطفه است که رهبری میکند ما را بخوبی ها و کردار و گفتار ما را همه گاه بدیده قضاوت نگرسته و بر همگان لازم است که پیروی از فرمانش کنند.

ندای وجدان را در همه حال از خود دور نسازید. ناپلئون

وجدان لطیف نعمتی است گرانبها، یک چنین وجدان نه تنها آنچه را که شر است تشخیص میدهد بلکه فوراً آن را دور میکند و همچون مژگان چشم است که ناگهان راه را برغبار خاشاک می بندد. ن - ل - مشکن

وجدان، وجدان، ای وفادارترین دوست آدمی. کروپ

وجدان هرگز ما را نمی فریبد بلکه راهنمای حقیقی ماست او راهنمای روح است چنانچه غرایز راهنمای جسمند.

وجدان نماینده پاکدامنی و عفت و صداقت است. الکساندر روما

وجدان صدای خداوندی است که از دل انسان خارج میشود. لامارتین

وجدان همواره حقیقت را خلق میکند. کی ارلکار

وجدان مانند آئینه است که نه تملق میکند نه تحقیر مینماید. ژرژواشنگتن

وجدان نماینده تقوی و پاکدامنی عفت و صداقت است. الکساندر روما

وجدانتان را نه مجبور کنید که آنچه را می بیند ندیده بگیرد و نه آنچه را که با محکوم شود تبرئه کند. کوکرل

وجدان تحصن گاه غیرقابل تعرض آزادی انسان است. ناپلئون

همانطور که در هنگام راه رفتن دقت میکنی نیش خاری به پایت فرو نرود در تمام اعمال و افعالت مراقب باش که وجدان خود را نیازی . اگر واقعا چنطن رفتار کنی هرگز کار ناشایست از تو ظاهر نخواهد شد. گویو

وجدان بمنزله ستاره قطبی است گمشدگان راه زندگی را نجات می دهد. غ - د

هنگامیکه وجدانت ترا متهم میکند محکوم میکند ومجازات میکند، همه عالم نه میتوانند و نه حق دارند ترا ببخشند. کولارال

هیچ آدمی گنهکاری درقبال دادگاه وجدان خویش برائت حاصل نمیکند.

وجدان محاکمه است که درآن به وکیل دادگستری احتیاج نیست. مثل انگلیسی

یک وجدان خوب به هزار شمشیر میارزد. ناپلئون

وجدان اگر زخمی شد خوب شدنی نیست. مثل چینی

وجدان بد آدمی را ترسو میکند. مثل آفریقائی

هر کجا میخواهی برو آنجا هم وجدانت را می بینی . دیدرو

وجدان پاک ترمز زیان است. مثل فرانسوی

همیشه قضا را قبل از اخذ تصمیم محکمه وجدان تسلیم کنید وجدان راهنمای بی نظیر و قاضی بی طرفی است. منتسکیو

عفو - بخشایش

از یک حرف گذشتن گاهی بهمان اندازه فداکاریست که سینه پیش گلوله سپر کردن . حجازی

از صاحبدلی پرسیدند که سخاوت بهتر است یا شجاعت گفت آنرا که سخاوت است حاجت به شجاعت نیست. سعدی

از افلاطون پرسیدند بچه وسیله می توان از دشمن انتقام گرفت گفت بفضل وکرم. افلاطون

اشخاصیکه نمی توانند دیگران را ببخشند پلهائیراکه بایداز آن عبور کنند خراب می کنند. اسپنسر

از واجبات کرم پذیرفتن و بخشودن عذر گناهان است. و شمگیر
اغماض نشانه بلندی فکر و انتقام نماینده رذالت و معرف کوچکی فکر مردان است.
سقراط

ارمغان مورچه پای ملخ است. مثل فارسی

اگر می خواهی بهترین خلق باشی چیزی از خلق دریغ ندار.
انتقام از جنایت قبیح تر است زیرا آن بدون مقدمه صورت می گیرد و این با تفکر و تعقل
تن.

اقرار به خطا نیمی از بخشودگی است. مثل فرانسوی

قصد بدی ندارند و بدان را برای اینکه بد بخت و بیچاره اند. سنگا

بهترین انتقامها فراموشی و بخشش است. جونس

بیگمان کینه را بمهر و دوستی می توان زدود نه با کینه و دشمنی. بودائی

ترحم احساسی که همیشه تحملش از هر احساس دیگری برایم دشوارتر بوده است.
بر لیور

عفو از کسانی نیکوست که توانائی انتقام دارند. بوذرجمهر

عفو کردن خطا، انتقام ملایمی است. دیل کارنگی

خشم را با مهربانی فرو بنشانیم، بدی را با خوبی، آزار را با بخشش، دروغ را با
راستی. بودائی

عفو در قدرت نشانه دلیری است. بوعلی سینا

زن نه فقط سخاوت را در مرد بیشتر از فداکاری دوست می دارد بلکه بیشتر از هر
صفتی دوست می دارد.

سخی عزیز است اگر چه فقیر باشد. ارسطو

یک بوسه کافی است که طهارت گناهی محسوب شود. بالزاک

هرکس گذشتش بیشتر است غنی تر است. ژرژسیون

یک بوسه کافی است که طهارت گناهی محسوب شود. بالزاک

هرکه درزندگی نانش نخورند چون بمیرد نامش نبرند. سعدی
هرکس گذشتش بیشتر است غنی تر است. ژرژ سیون
ما باید از بدی کردن بیشتر بترسیم تا بدی دیدن. ابوالعلا
شر را با شر از بین نتوان برد. مثل لاتین
عفو کردن خطا انتقام ملایمی است. کارنگی
ارمغان مورچه پای ملخ است. مثل فارسی

مرگ

آخرین نوشته قبل از مرگ آندره شینه شاعر و رمان نویس فرانسه :

بگذار هر چه زودتر مرگ فرارسد. زیرا که از زندگی خسته شده ام ، آخر به چه چیز
این زندگی دل خوش کنم. کدام صفا و بگرنگی ، کدام پایداری مردانه، کدام شرافت
وپاکدامنی ، کدام قدس و تقوائیکه داد جویان در پی آنند کدام سایه خوشبختی .
کدام اشک مودت. کدام خاطره نیکبهای گذشته . کدام اثر دوستی ، این جهان را آن
ارزش میدهد، که ترکش ملالی بدنبال داشته باشد، همه جا ترس، فرمانروائی و
خدائی میکند همه جا پستی و دو روئی حکم فرماست همه جا ، همه بجز مردمی
پست و دور نیستیم. خداحافظ ای دنیا ، خداحافظ . آندره شینه

آرزو دارم که تا آخرین رمق وجود من ثمر بخش باشد و هنگامی بمیرم که از من هیچ
خدمتی ساخته نباشد. برنارد شاو

آدمی جز باندکی آونهم برای مدتی کوتاه نیاز ندارند. چه زود بایستی از تن خاک خود
که طبیعت ممسک برای ساعتی با و عاریت داده است صرفنظر کند. یانگ

آنچه باعث آزار ما میشود زندگی است و یک بیمار همینکه مرد تمام آلام او از بین
میرود. مترلینگ

آرزوی تجدید حیات آدمی یک آرزوی ابلهانه است زیرا بوجود آمدن انسان طک اشتباه و
یک حادثه غم انگیز است که بهتر است اساساً تجدید نشود. شوپنهاور

آنچه ما بنام مرگ میخوانیم یک زندگی است که هنوز نتوانسته ایم چگونگی آنرا
بفهمیم . مترلینگ

آنچه بهنگام مرگ برانده میافزاید بی هنر فرزند و کارهای بیهوده و ناپسند اوست و هر آنچه از غم میکابد، هنرمندی و اندوخته داشتن کردار نیک و پسندیده اش میباشد.

آخرین عضوی که در وجود یک زن میمیرد زبان او است. مثل هندی

آنها که خودکشی میکنند برای اینست که محبوبتر شوند و دلها را بسوزانند غافل از اینکه برای محبوب شدن ، وسائل بهتری داریم. حجازی

لذت

کسیکه از مشاهده کارهای نیک دیگران لذت نمیرد از انجام کارهای نیک واقعی ناتوان است. لاواتر

ایله بدنبال لذات موهوم میگرددو جز یأس و ناامیدی نتیجه دیگری درراه خود مشاهده نمی کند ولی عاقل میکوشد تا سر حد امکان خویشتن را از مشقات و مصائب زندگانی برکنار دارد.

از زندگی خود لذت ببرید بدون آنکه آنرا با زندگی دیگران مقایسه کنید. کندورسه

از گلستان روزگارگلی باید چید که خارش بدست نخلد و از پیمانہ عمر باده ای باید نوشید که پس از شب مستی خمار صبحش جان را نیازد. آ.س. ماردن

برای تولد و مرگ چاره ا نیست پس بهتر است از زمان حد فاصل اکثر لذت را ببریم. جرج سانتایان

اگر در این جهان از دست وزبان مردم آسوده باشیم برگ اشجار و زمزمه آبشار و جریان جویبار هر یک بزبان دیگری با ما سخن خواهند گفت. شکسپیر

دوام لذت موجب کاهش قدر آن و نقصان لذت موجب افزایش اهمیت آن است. رانته

تمام حیوانات باستثناء انسان باین حقیقت واقفند که هدف اصلی در زندگی لذت بردن از آنست. سموئل باتلو

خدمت بخلق وظیفه نیست بلکه لذتی است زیرا سلامتی و شادمانی شخص را زیاد میکند.

خواهش نفع و طبع سکرش ما را بدنبال لذت آنی میکشد لیکن عقل بر خلافو غالباً مار ا از طی این طریق نهی میکند و باموری شریفتر میخواند هیچکس نباید رد پی لذتی رود که الم ناشی از آن کما و کیفا بر آن لذت بچرید. محمد زکریای رازی

کسی که لذت همیشگی را بلذت آنی و کوتاه بفروشد بسیار زیانکار است. فخر رازی

انسان بوسیله برآوردن تمایلات خود نمیتواند به لذت و شادکامی برسد بلکه در صورتی میتواند بان سرچشمه راه یابد که پا برسر این تمایلات بگذارد. آندره ژید

کسی میتواند از زندگی کاملاً برخوردار باشد که بداند میتواند از لذت کاملاً چشم پوشد. ایبسن

این لذت‌های آنی موقت بیزی است خطرناک که در ظلمات حیات میدرخسد و جلوه آن دیده غافلان را خیده میکند ولی خیلی زود شعله آن خرمن سعادت و اقبال راسوزانیده مشت ی بیجان را بر روی توده های خاکستر آن بحسرت و ناکامی مینشانند. لرد آویوری

برایتولد و مرگ چاره ای نیست پس بهتر است از زمان حد فاصل اکثر لذت راببریم. جرج سانتایان

برای خوشی و لذت‌های بزرگ باید ناراحتی‌های بزرگتری را تحمل کرده با استقبال آنها بردیم. غ - ذ

چقدر لذت بخش است که آدم سنگینی بار خودش را روی دوش دیگران نگذارد. غ- ذ

بشر برای لذت بردن بدنیا آمده زیرا همانقدر که بتواند احساس لذت کند کافی است و نیازی بدلیل دیگر ندارد. پاسکال

لذتی که انفرادی حاصل میشود بی آرایش است. افلاطون

خواهش نفس و طبع سرکش ما را بدنبال لذات آنی میکشد لیکن عقل برخلاف غالباً مارا از طی این طریق نهی میکند و با موری شریفتر میخواهد.

خردمند دنبال خوشی و لذت نمیرود . بلکه میکوشد از درد و اضطراب رهائی یابد. شوپنهاور

در زندگی فقط دو چیز هدف انسان است اول تأمین آنچه که میخواهد دوم تمتع از آن فقط عاقلترین افراد نوع بشر بانجام دومی موفق میشوند. دیل کارنگی

در لذتی که آمیخته به قباحت بود. خوشحال نباشید و تفکر کنید که لذت نمیماند و قباحت میماند. سقراط

لذت‌های جسمانی در اول کرا به ما لیخند میزند ولی عاقبت نیش زهرآلود خود را در روح ما فرو برده و هلاکمان میکند . توماس

کسی میتواند از زندگی کاملاً برخوردار باشد که بداند میتواند از لذت کاملاً چشم پوشد. ایبسن

لذت عبارت از آن خوشحالی است که در حصول یک آرزو بانسان دست میدهد و چون آمال انسانی را نهایت نیست حظوظ و لذایذ را هم کرانه ای پیدا نمیشود. کاظم زاده ایرانشهر

کسیکه میخواهد خویشتن را از مصیبتها برهاند باید در تجسس لذات موهوم نباشد چه اگر باشد همچون نابینائی است که راه را از چاه تشخیص نمیدهد. گوت

لذت دنیا در خرج کردن است نه در جمع کردن و ثروتمند واقعی کسی است که خرج میکند نه کسیکه روی هم میگذارد. جمالزاده

لذتی که از علم حاصل میشود بی آرایش است. افلاطون

مست باش و مخروش ، گرم باش و مجوش ، شکسته باش و خاموش که به سوی درست را دست بدست برند و شکسته را بدوش نجات خواهی به تسلی شو. بقاطلبی از پی فناشو. خواجه عبدالله انصاری

لذت را در عمق هر چیز میتوان یافت اما نصیب کسی است که آن را بیرون بیاورد .

مرد خردمند اتفاقاتی را که از نظر افراد عادی مصیب جلوه میکند وسیله کامیابی و لذت خویش قرار میدهد. مترلینگ

لذت انفرادی بسرعت بیمزه و هلال انگیز نا مایه رنج میشود. شارب

لذت جوانی در نافرمانی است اما مشکل اینست که دیگر امر و فرمانی وجود ندارد. ژان کوکتو

میوه ای که در دسترس ماست از میوه ای که بالای شاخه درخت است لذیذتر میباشد ولی از این جهت میوه بالای درخت در نظرمان جلوه میکند که دستمان بآن نمیرسد. ولتو

وجدان هم‌ا‌همه اندازه لذت بخش است که پاک است. پولن

نباید فراموش کنیم که مسرات و لذات زندگی و مفت و رایگان نیست و غالباً در مقابل آن رنج و محنتهایی را تحمل میکنیم. بهمین دلیل مصائب و سختیهای مایه نتیجه نمی ماند و به پاداش آن سعادت می خواهیم داشت . شکایت وناله مصیبت ما را رفع نمیکند پس چرا بیهوده خود را رنج میدهیم و زحمت شکایت بیجا را تحمل میکنیم . اگر مصائب روزگار را با مناعت و متانت و شجاعت استقبال کنیم بسعادت منتهی شود همیشه عادت کنیم که خوبیها را ببینید و از بدیها چشم بپوشید شهد را بنوشید و شرنگ رانندیده بپندارید . لره اوپوری

هدف و آرزوهای ما باید بکار انداختن زندگی باشد. نه لذت بردن از زندگی . مکدف

بهترین لذتها کار و فعالیت است بشرط آنکه هدفی هم در نظر باشد. در این صورت کار جز و زندگی خواهد شد. غ-ذ

هر کس باید مطابق لیاقت و ارزش اجتماعی از زندگی برخوردار شود. غ - د

هر عیش و لذتی را که در دنیا بنظر بیاورید دارای رنج و زحمت است و اگر فوراً برای ماتولید زحمت نکند در آینده اسباب درد سر خواهد شد و فقط دو لذت است که هرگز نتیجه ناگوار و در دو رنج و پشیمانی در پی ندارد و این دو لذت عبارتند از : اول لذت نیکی کردن ب مردم . دوم لذت انجام وظیفه زیرا خوشی فراوانی را بعداً احساس میکنیم. روسو

یکی از ناشناخته ترین لذتها در زندگی حرف زدن ناخویشتن است. فرانسیس رواتر

همیشه کوتاه ترین لذت شیرینترین لذتهاست.

میوه کار ، شیرینترین لذات است.

موضوعات مختلف

نگذاریم تقویم وساعت ، این حقیقت را یادمان ببرد که لحظه لحظه زندگی ، یک معجزه است و در پس آن ، حقیقتی . اج - جی - ولز

عشق ، عشق می آفریند . عشق ، زندگی می بخشد . زندگی ، رنج به همراه دارد . رنج ، دلشوره می آفریند . دلشوره ، جرات می بخشد . جرات ، اعتماد می آورد . اعتماد ، امید می آفریند . امید ، زندگی میبخشد . زندگی ، عشق به همراه دارد . عشق ، عشق می آفریند ...
مارکوس بیکل

برای گسترش "طول" زندگی کاری از تو ساخته نیست . پس تا می توانی برای گسترش "عرض و ارتفاع" آن تلاش کن .
بالزاک

چه بسا اشخاصی که تنها با طنین کلنگ گورکن از خواب غفلت بیدار می شوند .
ناپلئون بناپارت

اگر موفقیت را در زندگی A فرض کنیم ، A برابر است با X به علاوه Y به علاوه Z . و در این معادله X یعنی وظایف ، Y یعنی تفریح و Z یعنی عبادت و خاموشی .
آلبرت انشتین

هرگز چیزی را آنقدر دوست نداشته باش که نتوانی مردنش را ببینی
این جمله به نقل از یکی از اعضای پی سی سون با آی دی shokolate است.

دانش انسان را از بلاها حفظ می کند . غررالحمک و دررالکلم

انسان! خودت به یاری خود برخیز! بتهوون
راهی که هزار کیلومتر باشد قدم به قدم پموده می شود. مثل ژاپنی
باید بخواهیم تا بتوانیم! رنه دکارت
فصیح ترین زبان عمل است. شکسپیر
انسان بدرستی همان میشود که به آن فکر میکند. ارل ناپتینگل
ما آن چیزی هستیم که می اندیشیم هستی ما با افکارمان بلندی می گیرد دنیايمان
با اندیشه همان ساخته می شود. بودا
حقیقتی از این سراغ ندارم که انسان می تواند با تلاش زندگی خود را متعالی سازد
تورنو
هیچ چیز عوض نمی شود! شما دیدتان را عوض کنید رمز کار این است.
کارلوس کاستاندا
انسان همان چیزی است که باور دارد. آنتوان چخوف
در هر کجا که هستید و با هر چه که در اختیار دارید کاری بکنید. تئودور وزد
خدا را شکر کنید که نعمات و موهبت هایش به علت بینش محدود ما متوقف نمی
شود. کاترین پندر
بکوش تا در مورد هر چیزی، چیزی بیاموزی و در مورد يك چیز همه چیز را بیاموزی. (تامی هاکسلی)
تا وقتی که به قدرت نرسیده ای مطیع باش و چون به آن رسیدی متواضع
(آنا تول فرانس)
رنج بردن بیش از مردن جرات و جسارت می خواهد. (ناپلئون)
آدم تنها مخلوقی است که نمی خواهد همان باشد که هست! (کامو)

گلچینی از ضرب المثل های جهان :
حقیقت و گل سرخ هر دو خار دارند. (اسپانیایی)
اریاب خشم خود شو. (یونانی)
حسود به طرف دیگران تیر می افکند ولی خود را زخمی می سازد. (سوئدی)
فکر کردن صحبت با خودمان است. (برزیلی)
با قرض اگر داماد شدی، با خنده خداحافظی کن. (آلمانی)
تا زمانی که شیر تازه گیر میاد چرا گاو بگیریم. (ضرب المثل آلمانی)

جملات زیر مربوط به زندگی از دوست خویم در pcseven با آی دی siavash084 است.

زندگی

زندگی تر شدن پی‌درپی , زندگی آب‌تنی کردن در حوضچه‌ء اکنون است
(سهراب سپهری)

آی آدم‌ها که بر ساحل نشسته شاد و خندانید يك نفر در آب دارد می‌سپارد جان
(نیما یوشیج)

هیچ صیادی در جوی حقیری که به گودالی می‌ریزد مرواریدی صید نخواهد کرد
(فروغ فرخزاد)

اکنون نهال گردو آن قدر قد کشیده که دیوار را برای برگ‌های جوانش معنی می‌کند
(فروغ فرخزاد)

چرخ يك گاری در حسرت واماندن اسب , اسب در حسرت خوابیدن گاری‌چی , مرد
گاری‌چی در حسرت مرگ
(سهراب سپهری)

هر کسی که راه می‌رود می‌تواند گم بشود
(فاوست گوته)

چه عمری گذشت تا باورمان شد آنچه که باد برد ما بودیم
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

زندگانی چیست مردن پیش دوست کاین گروه زندگان دلمرده اند
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

من زندگی‌مو هر چند که هیچ ندارم ولی دوست دارم پس خرابش نکن
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

زندگی مثل يك گلدان خالی‌ست مثل هر گلدان خالی می‌تواند همچنان خالی بماند
(به نقل از ویلاگ گروه روزها)

درآزادی و استقلال

- ۱- اولین لازمه شرافت یک ملت استقلال است.
- ۲- استقلال ملت‌ها را فقط با فضایل و اخلاق عالیه میتوان محفوظ داشت.
- ۳- حافظ نگهبان استقلال هر ملتی شجاعت و قهرمانی اوست.
- ۴- هر گاه می‌خواهید آزاد باشید باید پرستش حقیقت را پیشه خود سازید.

- ۵- بدون حقیقت آزادی ، آزادی میسر نیست .
۶- یک ملت نمیتواند بدون معارف آزادی خود را محفوظ دارد.

خیالتان لبریز
خواب‌هایتان رنگین
آرزوهایتان دورادور
و پیروزیتان نزدیک باد

تهران

۸۳-۱۱-۱۴

۲۰۰۵-۲-۲

رضا دوگر

Reza Dogar